

۳۹۹

کیمپان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۲۱ تا ۲۷ اسفندماه (۱۴۰۱) خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۶۵

سیاست ممانشات

با
جمهوری اسلامی





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما ، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton
Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۶۵ (۳۹۹)

جمعه ۲۱ تا ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۱

۱۰ تا ۱۶ فوریه ۲۰۲۳



مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

**نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی
در دسترس خواهد بود**

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و بامسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی،
تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831 020-8222/8884020-8222/6500020-8735

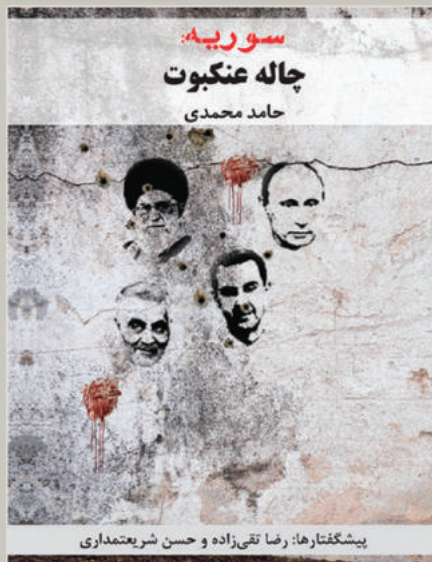
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne
Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیهان

** فهرست مطالب **

۴	سر مقاله- ملت راه خود را به همه تحمیل می کند/ الاهی بقراط
۴-۵	سیاست مماشات با جمهوری اسلامی ... / احمد رأفت
۵	حذف مقامات جمهوری اسلامی و حضور شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس
۶	گسترش نارضایتی ها و تجمع و اعتصاب همزمان با سالگرد پیروزی ... /
۷	رئیس «بنیاد مستضعفان»: پهلوی ها اشیاء قیمتی را با خود نبردند چون ... /
۸	شهر فرایبورگ آلمان در پی فشارها روابط خود را با ... / بنجامین ویتال (اورشلیم پست)
۹	دور اهاکار غرب برای مقابله با اتمی شدن جمهوری اسلامی ... /
۱۰	نتیجه نظر سنجی مؤسسه «گمان»: نه به جمهوری اسلامی، اصل «یکپارچگی» ... /
۱۱	دست دادن یا ندادن، مسأله این است! ... (۲) ... / احمد احرار
۱۲-۱۴	در باره «معمای هویدا» ... / سید مهدی پیراسته
۱۴	جمهوری اسلامی در فهرست دهه کشوری که مسیحیان را سرکوب ... /
۱۵	آنها چشم خود را از دست دادند اما «شوق آزادی» رانه ... /
۱۶-۱۷	صندلی های خالی «فجر» و اعلام شرکت فیلم های خارجی بدون ... / احمد رأفت
۱۷	نامه شماری از زندانیان سیاسی به سازمان ملل متحد: ما و کالت می دهیم! ... /
۱۸	اطلاعات محموله های تسلیحاتی از سالی جمهوری اسلامی به ... /
۱۹	همکاری اصلاح طلب ها و اصولگراها برای ترمیم چهره منفور علی خامنه ای ... /
۲۰-۲۲	مسئولیت حمایت در حقوق و روابط بین الملل (بخش یک) ... / محمود مسائلی
۲۲-۲۳	سرگردانی مردم زلزله زده و جو امنیتی در شهر خوی ... /
۲۴	کاهش شدید تولید و افزایش رکود در اقتصاد کشور ... /
۲۵	ائتلاف مخفی جرج سوروس و شرکاء برای احیای معامله اتمی ... /
۲۶-۲۷	محدودیت بیشتر علیه شهروندان برای فعالیت در فضای مجازی ... /
۲۷-۲۸	نامه میر حسین موسوی برای «نجات ایران» یا «پلان B» ... /
۲۹	طرح عجیب و ضد انسانی مجلس شورای اسلامی در مقابله با کشف حجاب زنان ... /
۳۰-۳۱	«این سه روز سرد»؛ روایت دردناک سه روز منتهی به «اعدام» ... /
۳۱	تشکیل «یگان های ضد شورش» در پادگان ها و منازل سازمانی ارتش ... /
۳۲	مارچ سیمپسون به نشانه ای پایان جمهوری اسلامی، سر خامنه ای را ... /
۳۲-۳۳	ترانه «برای» شروین حاجی پور برنده جایزه گرمی شد ... /
۳۳	کریستین ساینس مانیفور: مبارزات خشونت پر هیز مردم ایران به از بین رفتن ... /
۳۴-۳۵	واکنش هائسبت به جایزه «گرمی» برای شروین حاجی پور ... /
۳۶	سفر علی شمخانی به مسکو؛ پیامدهای راه رفتن در میدان مین! ... /
۳۷	سازمان عفوبین الملل از خطر اعدام دست کم ۱۴ شهروند معترض ... /
۳۸	غیر استاندارد بودن یک پنجم کلاس های درس ایران ... /
۳۹	تداوم کاهش تولید در کشور؛ پشت «کیان تایر» هم به خاک مالیده شد! ... /
۴۰-۴۱	کارزار خانواده های دادخواه برای تحریم مراسم سالروز پیروزی انقلاب ۵۷ ... /
۴۱-۴۲	گفتگوی کیهان لندن با حسن منصور اقتصاددان درباره ... /
۴۳	جمهوری اسلامی به دنبال تکرار دهه شصت و «تواب سازی» از شهروندان ... /
۴۴	فایننشال تایمز: روسیه با «ناوگان اشباح» متعلق به جمهوری اسلامی ... /
۴۵	هشدار درباره آبر تورم در اقتصاد ایران ... /
۴۶-۴۷	۲۶۲/۵ هزار میلیارد تومان خسارت ناشی از اختلال اینترنت به اقتصاد ... /
۴۷	علی خامنه ای: تنها ابزار پهلوی سرکوب مردم توسط ارتش بود! ... /
۴۸	پشت جلد- عکس هفته زلزله ای که دوشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۱ در جنوب ترکیه و شمال سوریه ...

بازنشر

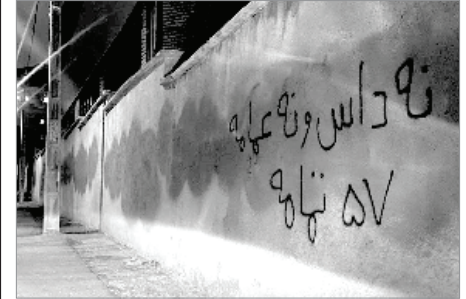
بازنشر



سیاست مماشات با جمهوری اسلامی

ملت راه خود را به همه تحمیل می‌کند

نیروی محرکه جوامع بشری هرگز چیزی جز مردم نبوده. حتا وقتی رویدادها اعم از جنگ و انقلاب و اصلاح در طول تاریخ به نام یک فرد معروف می‌شود، اما هیچکس بدون مردمانی که با آن رویداد همراهی کرده‌اند، هرگز نمی‌توانسته به شخصیت تاریخی چه مثبت و چه منفی منفی تبدیل شود. در کشاکش‌های انقلابی عصر جدید اما در حالی که مردم مانند همیشه به عنوان «جمعیت تاریخ‌ساز» راه خود را می‌روند، برای بررسی فعل و انفعالات نیروهای اجتماعی و



شهروندانی که ادعای نقش‌آفرینی در این تغییر و تحولات را دارند، می‌بایست همه کس و همه رویدادها و کنش‌ها و واکنش‌ها، و مهم‌تر از همه، مراحل روندی را که جامعه در حال طی آن است، در جایگاه واقعی خود دید و آنها را نه با هم اشتباه گرفت و نه در نقش جایجا و بیجا قرار داد. همانطور که بعدا در شرایط عادی و آزاد و امن که بر اساس حق انتخاب مردم برقرار می‌شود، برای مدیریت کشور و واحدهای اجتماعی نیز می‌بایست همه چیز و همه کس در جای خود قرار گیرد تا حکومت کارآمد باشد و از این طریق جامعه و دولت‌ها نیز کارآمد شده و شهروندان بر بستر خیر همگانی تا جایی که ممکن است از کار و زندگی خود احساس رضایت کنند. اکنون نیز اگر بازیگران و رویدادهای روند انقلابی که ایران در آن بسر می‌برد، در جای خود قرار نگیرند بطوری که نتوان آنها را بر اساس شفافیت در گفتار و کردار نسبت به خیر همگانی و خواست عمومی جهت تحقق دموکراسی و حقوق بشر در ایران متحد سنجید، بعید است که نتیجه‌ی این روند انقلابی یک دموکراسی کارآمد باشد بلکه چه بسا با افراد و جریانات مبهم و غیرشفاف از جمله از درون نظام جمهوری اسلامی به برقراری رژیم‌ی مانند روسیه پس از فروپاشی شوروی بیانجامد!

از همین رو هشیاری و نقد و پرسشگری از ضروریات به ویژه همین روزهاست! آنهم با علم به اینکه مراحل مختلف یک انقلاب ساختاری، شامل دوران انقلابی و گذار از این رژیم، دوران انتقالی، و دوران تثبیت یک نظام حقوقی دموکراتیک در ایران متحد، سه مرحله متفاوت هستند که هر کدام با وجود زمینه و بستر و اهداف مشترک اما نه تنها مضمون و ساز و کارهای مختلف دارند بلکه بسیاری از بازیگرانش نیز تغییر خواهند کرد چرا که هر شرایطی، افراد و جریانات متناسب با آن شرایط را می‌طلبد. وگرنه مانند جمهوری اسلامی می‌شود که همانهایی که روند انقلاب ارتجاعی ۵۷ را پیش بردند، پس از آن تنها مرگ نتوانست آنان را از صحنه خارج سازد آنهم در حالی که خانواده و فرزندان آنان همچنان بر «سفره انقلاب» نشستند! تنها با درس گرفتن از تاریخ معاصر خود ایران و تجربیات کشورهای مشابه و همچنین تفکیک مراحل مختلف ملت انقلاب ساختاری و «فروپاشی کنترل شده» به سود منافع ملت و مملکت که می‌توان به آنچه رسید که مردم بیش از چهار دهه است برایش هزینه می‌دهند: آزادی و امنیت و رفاه!



● این روزها در آستانه سومین سال آغاز گفتگوها برای احیای توافق هسته‌ای قرار داریم. گفتگوهایی که قبل از آغاز انقلاب «زن، زندگی، آزادی» متوقف شد و در شرایط کنونی بازگشت طرفین به میز مذاکرات قابل تصور نیست.

ایران وجود ندارد.»

البته جمهوری اسلامی مدت‌هاست که اورانیوم را در حد ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کند و به گفته رافائل گروسی این کشور اورانیوم غنی‌سازی شده برای «چند مهب هسته‌ای» در اختیار دارد. جوزپ بول می‌گوید اگر جمهوری اسلامی رفتار خود را با معترضین ایرانی ملایم کند و احکام اعدام برای آنها صادر نکند، بازگشت به میز مذاکرات برای احیای برجام تسهیل خواهد شد. مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اروپا می‌افزاید این مسئله را در آخرین گفتگوهای تلفنی خود با حسین امیرعبداللہیان به او گوشزد کرده است. البته اگر مقامات آلمان، بریتانیا و فرانسه، سه کشور عضو مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی، مدت‌هاست اشاره‌ای به برجام نمی‌کنند، نباید آن را دلیل مخالفت آنها با ادامه این گفتگوها دانست. هر سه کشور بعلاوه آمریکا همچنان معتقدند که باید در کنار میز مذاکرات ایستاد و تا شرایط مهیا شد دوباره نشست و گفتگو با جمهوری اسلامی را از سر گرفت. در همان نشست پارلمان اروپا نیز که اکثریت مطلق نمایندگان به تروریست اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رای دادند، قطعنامه دیگری با درخواست پایان مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی رای نیاورد.

پرونده دیگری که در رابطه با جمهوری اسلامی روز میز کشورهای اروپایی قرار گرفته است، طرح قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی است. پارلمان اروپا و پارلمان‌های بریتانیا و هلند با رای اکثریت قاطع نمایندگان رای به تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داده‌اند، با وجود این دولت بریتانیا اعلام کرد که اجرای چنین طرحی فعلا در دستور کار قرار ندارد. دولت هلند نیز اظهارات مشابهی ابراز داشته است. شورای وزرای خارجه اتحادیه اروپا قرار است در نشست آینده که اول اسفند (۲۰ فوریه) در بروکسل برگزار می‌شود، این طرح را در دستور کار خود قرار دهد. البته جوزپ بول بلافاصله پس از رای تاریخی پارلمان اروپا، خودش با اجرای این طرح مخالفت

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید او در مقامی نیست که اعلام کند روند مذاکرات برای احیای توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی «مرده یا زنده است.» در حقیقت این مقام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اذعان دارد که این روند مرده، ولی کسی حاضر نیست مسئولیت اعلام مرگ آن را بپذیرد. موضع مشابهی را می‌توان در تحلیلی که در روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شده نیز مشاهده کرد. نویسنده این مقاله می‌نویسد «بیرون رفتن از برجام نیز تا کنون راهبرد ایران نبوده است. روش ما باید همان روش غرب باشد، یعنی در برجام بمانیم اما به آن عمل نکنیم.»

این روزها در آستانه سومین سال آغاز گفتگوها برای احیای توافق هسته‌ای قرار داریم. گفتگوهایی که قبل از آغاز انقلاب «زن، زندگی، آزادی» متوقف شد و در شرایط کنونی بازگشت طرفین به میز مذاکرات قابل تصور نیست. خیزش مردمی در ایران تنها «مشکل» بر سر راه آغاز مجدد مذاکراتی که پایانی برای آن در افق دیده نمی‌شود نیست. حمله روسیه، یکی از کشورهایی که در این مذاکرات نه تنها حضور دارد بلکه تا کنون نقشی تعیین کننده ایفا کرده است، به اوکراین نیز یکی دیگر از موانع جدی برای بازگشت به میز مذاکرات است. مانعی که با توجه به همکاری نظامی جمهوری اسلامی با روسیه در جنگ اوکراین ابعاد جدی‌تری یافته است.

اروپا به دنبال دم مسیحایی برای زنده کردن برجام

البته رافائل گروسی چون جوزپ بول مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا، با وجود اینکه امکانی برای احیای برجام در افق دیده نمی‌شود، هنوز اصرار دارد که باید به دنبال مذاکره بود. جوزپ بول که هماهنگی مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی را بر عهده دارد، در گفتگو با «وال استریت ژورنال» منتقدان اصرار برای ادامه گفتگوهای برجامی را متهم می‌کند که «به اندازه کافی» خطر ایران مجهز به سلاح اتمی را درک نمی‌کنند و می‌افزاید «تا آنجا که من می‌دانم، جایگزینی برای این توافق با هدف جلوگیری از هسته‌ای شدن



حذف مقامات جمهوری اسلامی و حضور شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ

کنفرانس دعوت شده است.

برخی اعلام کرده‌اند که امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه و کاملا هریس معاون جو بایدن نیز در مونیخ حضور خواهند داشت.

یادآوری می‌شود که کریستف هویسگن مدیر کنفرانس امنیتی مونیخ از نخستین چهره‌های سیاسی بین‌المللی است که به ویژگی‌های برجسته خیزش ملی در ایران اشاره کرد و در گفتگو با تلویزیون آن تی وی با تأکید بر ضرورت حمایت از جنبش اعتراضی مردم ایران گفت: «آنچه بسیار مهم است این است که ما همچنان توجه داشته باشیم که جمهوری اسلامی در سیاست خارجی منزوی است!»

او اواسط دی‌ماه در پاسخ به پرسشی درباره اعتراضات شجاعانه زنان ایران و اینکه شرایط تا چه اندازه می‌تواند برای رهبران داخلی جنبش در کشور خطرناک باشد، گفته بود «من اینبار خشم کاملاً ویژه‌ای را می‌بینم که مردم را به شدت برانگیخته است. شهرهایی وجود دارند که در آنها پلیس با مردم به نوعی همبستگی نشان داده است.»

هویسگن درباره معترضان نیز گفته بود «من بسیار امیدوارم که آنها موفق شوند و رژیم متزلزل شود.»

در سطح بالاترین مدیران کنفرانس امنیتی مونیخ این نظر وجود دارد هر امتیاز غربی‌ها به جمهوری اسلامی، سیلی به مردم آزادیخواه ایران است.

دعوت از اپوزیسیون جمهوری اسلامی در بزرگترین گردهمایی امنیتی جهان نشان می‌دهد تا چه اندازه شرایط برای رژیم ایران در سطح بین‌المللی دگرگون شده است.

محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی سال ۱۳۹۷ در این کنفرانس گفته بود ایالات متحده آمریکا به دنبال «تغییر رژیم ایران» است و با همین هدف از برجام خارج شد. وی در همین کنفرانس بود که ادعا کرد «پروفسور حقوق بشر» است!

کشورهای عضو اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی است. البته کم نیستند کشورهایی ثالثی که می‌توانند در این مبادلات غیرمستقیم نقش ایفا کنند، چنانکه در حال حاضر نیز آنچه جمهوری اسلامی به دلیل تحریم‌ها نمی‌تواند از اروپا وارد کند، مانند اسلحه و مهمات، از طریق کشورهای ثالث راهی ایران می‌شوند. آخرین نمونه‌اش فشنگ‌های ساختمانی یک شرکت فرانسوی- ایتالیایی است که در اعتراض‌های پنج ماه گذشته مورد استفاده قرار گرفتند و بسیاری چشم خود را در پیامد اصابت این گلوله‌ها از دست دادند. البته باید به این ضرر اقتصادی قابل توجه، هزینه‌های امنیتی برای مقابله با عملیات تروریستی واکنشی گروه‌های وابسته و تحت حمایت جمهوری اسلامی را در صورت قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریست‌ها نیز به آن افزود. هزینه‌ای که برخی آنرا ۱۰۰۰ میلیارد یورو برآورد کرده‌اند.

احمد رأفت

● کریستوفر هویسگن مدیر کنفرانس امنیتی مونیخ می‌گوید اگرچه مدیران پیشین این کنفرانس بر دعوت مقامات جمهوری اسلامی به این کنفرانس که بزرگترین رویداد امنیتی جهان است تأکید داشته‌اند، اما به دلیل «نقض قوانین بین‌المللی و حمله وحشیانه سپاه پاسداران و نیروی انتظامی به مردم این کشور»، هیچ دعوت‌نامه‌ای برای مقامات جمهوری اسلامی ارسال نشده است.

کریستوفر هویسگن مدیر کنفرانس امنیتی مونیخ به برنامه پادکستی «گلوبال اینسایدر» که از پایگاه خبری تحلیلی «پولیتیکو» پخش می‌شود گفته در کنفرانس امسال که از جمعه ۱۷ تا یکشنبه ۱۹ فوریه ۲۰۲۳ (۲۸ تا ۳۰ بهمن) برگزار می‌شود مقامات و نمایندگان رژیم‌های روسیه، ایران و کره شمالی حذف شده‌اند.

وی تأکید کرده اگرچه مدیران پیشین این کنفرانس بر دعوت مقامات جمهوری اسلامی به این کنفرانس که بزرگترین رویداد امنیتی جهان است تأکید داشته‌اند، اما به دلیل «نقض قوانین بین‌المللی و حمله وحشیانه سپاه پاسداران و نیروی انتظامی به مردم این کشور»، هیچ دعوت‌نامه‌ای برای مقامات جمهوری اسلامی ارسال نشده است. همچنین به گفته مدیر کنفرانس مونیخ، تصمیم‌گیرندگان این کنفرانس از دعوت روسیه نیز به این نشست خودداری کرده‌اند «زیرا نمی‌خواهند که کنفرانس امنیتی مونیخ به تریبون برای تبلیغات روسیه تبدیل شود.»

بر اساس آخرین اطلاعات بیش از ۵۰ وزیر خارجه و ۳۰ وزیر دفاع به پنجاه و نهمین دوره کنفرانس سالانه امنیتی مونیخ دعوت شده‌اند.

گاری کاسپاروف، دمیتری موراتوف و نیز همسر الکسی ناوالنی (زندانی سرشناس مخالف پوتین) از اپوزیسیون رژیم روسیه هستند که به کنفرانس امنیتی مونیخ دعوت شده‌اند. همچنین اعلام شده است که شاهزاده رضا پهلوی نیز به این

است می‌گوید «ما با تمام توان نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم، ولی نمی‌توان چون این کشور ناقض حقوق بشر است، بازوی نظامی‌اش را تروریست خواند!» جوزپ بورل نیز با تمسخر کسانی را که خواهان تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند متهم می‌کند که چون «از این نهاد خوششان می‌آید می‌خواهند در این فهرست قرار گیرد!»

هزینه‌های تروریست خواندن سپاه پاسداران

البته قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست اروپائی گروه‌های تروریستی تنها هزینه سیاسی برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا نخواهد داشت. چنین اقدامی هزینه اقتصادی سنگینی نیز به دنبال خواهد آورد. مبادلات اقتصادی با کشوری که بازوی نظامی‌اش رسماً تروریست اعلام شده قابل تصور نیست. قرار دادن سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی به معنای به صفر رساندن مبادلات اقتصادی مستقیم

→ کرد. تویاس بیلدستروم وزیر خارجه سوئد، کشوری که در ۶ ماه اول سال جاری میلادی ریاست ادواری اتحادیه اروپا را بر عهده دارد، نیز معتقد است که شرایط برای چنین تصمیمی مهیا نیست.

مخالفت‌ها با قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی

در این رابطه برخی مقامات ارشد اروپا مانند اورسولا فون درلاین رئیس کمیسیون اروپا که به مثابه دولت مشترک ۲۷ کشور عضو اروپا عمل می‌کند، اگرچه در موافقت با قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی صحبت کرده‌اند، ولی به نظر نمی‌آید که اقدامی در این جهت تا کنون انجام داده باشند. مخالفان علنی تروریست خواندن سپاه پاسداران برای اثبات نظر خود دلایل مختلفی می‌آورند. مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اروپا و برخی دیگر می‌گویند برای اینکه اتحادیه اروپا بتواند سازمانی را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهد، باید این سازمان، و نه فرد یا افرادی از آن، در دادگاهی در یکی از کشورهای عضو متهم به انجام عملیات تروریستی شده باشد، یا اینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد این سازمان را در فهرست سازمان‌های تروریستی خود قرار دهد. البته شورای قضائی اروپا در سال ۲۰۱۷ در این رابطه اعلام کرد که برای قرار دادن یک سازمان در فهرست اروپائی گروه‌های تروریستی می‌توان به مدارک، شواهد و رای دادگاه کشوری غیراروپائی نیز استناد کرد.

دلیل حقوقی دیگری که مخالفان قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست تروریسم می‌آورند موقعیت حقوقی این نهاد در جمهوری اسلامی است. بنا بر قانون اساسی جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مانند ارتش یکی از نیروهای مسلح کشور است و بنابراین نمی‌توان این نهاد را با گروه‌هایی چون القاعده یا داعش مقایسه کرد. آنها که در اروپا بر طبل این ویژگی می‌کوبند می‌گویند اگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بازوی نظامی یک کشور است را تروریست بدانیم، پس باید کل آن کشور را تروریست بخوانیم و علی‌خامنه‌ای را نیز که فرمانده کل قوا در جمهوری اسلامی است، فرمانده یک گروه تروریستی تلقی کنیم. پیروان این نظریه می‌افزایند این تصمیم می‌تواند عواقب بسیار خطرناکی به دنبال داشته باشد و به رویارویی نظامی با جمهوری اسلامی نیز منجر شود. اروپا که امروز درگیر جنگ اوکراین است، به هیچ وجه نه می‌خواهد و نه می‌تواند قدم به بحران مشابهی در منطقه‌ای دیگر بگذارد. گروهی دیگر نیز در اروپا بر این نظرند که تا کنون تنها سه کشور ایالات متحده، بحرین و پادشاهی سعودی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی خود قرار داده‌اند، و دیگر کشورها حتی خارج از اروپا نیز به همین دلایل و یا دلایل دیگری از این اقدام تا کنون سر باز زده‌اند.

تحریم‌های جدید اروپائی در راه است

به احتمال زیاد، اگر در چند روز باقیمانده به نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا معجزه‌ای رخ ندهد، تصمیم‌گیری در رابطه با طرح قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به جلسات بعدی موکول خواهد شد، ولی برای «تنبیه» جمهوری اسلامی نام چند فرد و نهاد دیگر را به فهرست تحریم‌ها خواهند افزود. در حال حاضر ۱۵۵ شخصیت حقیقی و حقوقی جمهوری اسلامی توسط اتحادیه اروپا تحریم شده‌اند و ۳۸۵۴ تحریم دیگر هم به تصویب رسیده‌اند. جمهوری اسلامی پس از روسیه در مقام دوم از نظر تحریم‌های اروپائی قرار دارد. تویاس بیلدستروم وزیر خارجه سوئد و رئیس ادواری شورای وزرای خارجه اتحادیه اروپا که مخالف قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی

گسترش نارضایتی‌ها و تجمع و اعتصاب همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب ۵۷



تجمع اعتراضی مالباختگان کریپتولند

تظاهرات کردند. «رئیس بی‌عرضه برگرد برو به حوزه»، «مرگ بر این دولت مردم فریب»، «اینهمه بی‌عدالتی، هرگز ندیده‌ام» از جمله شعارهای کشاورزان معترض در شهر اصفهان بود.

همزمان جمعی از خانواده‌های دانش‌آموزان در قم در اعتراض به مسمومیت‌های زنجیره‌ای و مشکوک دانش‌آموزان، در مقابل ساختمان استانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران کارخانه «ایران تایر» نیز که ماه‌هاست نسبت به وضعیت بلاتکلیف کارخانه و کاهش شدید تولید و عقب افتادن پرداخت دستمزدها اعتراض دارند، روز سه‌شنبه ۱۸ بهمن در محوطه کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران آتش بزرگی در محوطه افروختند و با سر دادن شعارهایی چون «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه» به برآورده نشدن خواست‌های حقوقی خود اعتراض کردند.

همزمان شماری از مرغداران در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌هایشان در مقابل ساختمان وزارت جهاد کشاورزی واقع در تهران، دست به تجمع زدند. بر اساس گزارش‌ها این تجمع در اعتراض به روند کنونی که منجر به نابودی صنعت استراتژیک طیور کشور خواهد شد، صورت گرفت.

روز سه‌شنبه ۱۸ بهمن همچنین شماری از کارگران کارخانه فولاد آریا در اردستان واقع در استان اصفهان در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌های خود دست به اعتصاب زده و در محوطه این کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران معترض «موقوفات مزدی» و «عدم امنیت شغلی» را از دلایل برگزاری این تجمع عنوان کردند.

ده‌ها تن از دانشجویان دانشگاه ملی ایران (بهشتی) نیز روز سه‌شنبه در اعتراض به راه‌اندازی گشت ارشاد درون دانشگاه، مورد اذیت و آزار قرار دادن دانشجویان دختر به دلیل حجاب اجباری و ایجاد مشکلات متعدد برای تحصیل دانشجویان، با دست داشتن پلاکاردهایی دست به تحصن زدند.

اینهمه در حالیست که مقامات جمهوری اسلامی با تبلیغات گسترده و پولپاشی به دنبال برگزاری مراسم مختلف به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب ۵۷ هستند. فاصله میان مردم و حکومت در این روزها و در پایان پنجمین ماه از جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی بیشتر شده و شهروندان به اشکال مختلف در حال نشان دادن نارضایتی و مخالفت خود با نظام هستند.

آتش زدن بزهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی درباره پیروزی انقلاب ۵۷، دیوارنویسی، پخش تراکت و سر دادن شعارهای شبانه از بالکن‌ها و بام‌ها از جمله اقدامات دیگری است که شهروندان با وجود فضای سرکوب خیلی شدید در کشور انجام می‌دهند.

به حساب پنبه‌کاران واریز شده و با گذشت ۴ ماه هنوز به خواست‌های حقوقی پنبه‌کاران رسیدگی نشده است.

کارگران شرکت «یزد تایر» امروز پنجشنبه ۲۰ بهمن در اعتراض به پایین بودن سطح حقوق و مزایا و مشکلات معیشتی اعتصاب کردند و با تجمع در محوطه کارخانه شعارهایی از جمله «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه» و «کارگر داد بزن، حق تو فریاد بزن» سر دادند.

در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه نیز از روز گذشته شماری از کارگران با برشمردن خواسته‌هایشان اعتصاب کردند. بر اساس اعلام کانال تلگرامی «کارگران مستقل هفت‌تپه» خواسته‌های کارگران از جمله شامل «بازگشت به کار اسماعیل بخشی»، «همسان‌سازی حقوق شاغلان و بازنشستگان»، «دخالته نکردن بیجای مدیران فاسد توسعه در مدیریت شرکت هفت‌تپه»، «تعیین تکلیف استخدام کارکنان فصلی» و «ارائه منازل مسکونی به همه کارکنان» می‌شود.

اعتصاب این کارگران در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه امروز نیز ادامه داشته است. همزمان خبرهایی از قطع برق خانه‌های سازمانی بازنشستگان این مجتمع منتشر شده. سندیکای کارگران هفت‌تپه گزارش داده که با وجود سرمای شدید هوا در منطقه، با دستور دادستانی و با همکاری مدیران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، برق حدود ۴۰ خانه سازمانی که بازنشستگان در آن ساکن بودند قطع شده تا خانه‌ها را تخلیه کنند.

سندیکای کارگران هفت‌تپه افزوده که «این بازنشستگان افرادی هستند که طی دوران خدمت خود سالیان زیادی در دهه هشتاد و نود با تأخیر در پرداخت حقوق و بحران تولید شرکت مواجه بوده و از نظر مالی دچار خسران شده و توان خرید یا اجاره ملک چند میلیاردی را ندارند و طبق قانون کار و قانون اساسی شرکت و دولت هیچگونه اقدامی در خصوص خانه‌دار شدن این افراد انجام نداده است و این بی‌مسئولیتی را با برخورد توهین‌آمیز با این بازنشستگان تکمیل کردند.»

این گزارش افزوده که «مراجعه این افراد به فرمانداری با واکنش تند معاونت سیاسی فرماندار مواجه شده و از پیگیری از طریق دادستانی نیز نتیجه‌ای حاصل نشده و بلاتکلیف و بی‌برق هستند.»

روز چهارشنبه نوزدهم بهمن ۱۴۰۱، شماری از مالباختگان صرافی کریپتولند، در مقابل دفتر معاون اول قوه قضاییه در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

شهروندان معترض با سر دادن شعارهایی خواستار پس گرفتن اموال خود شدند که حدود ۲ سال از بلوکه شدن آن می‌گذرد. کشاورزان در استان اصفهان نیز در اعتراض به عدم دریافت حقه و خشک ماندن زمین‌ها و باغ‌هایشان روز چهارشنبه ۱۹ بهمن تجمع اعتراضی برگزار کرده و در خیابان‌های این شهر

● کارگران شرکت «یزد تایر» امروز پنجشنبه ۲۰ بهمن در اعتراض به پایین بودن سطح حقوق و مزایا و مشکلات معیشتی اعتصاب کردند.

● پنبه‌کاران مجتمع کشت و صنعت پارس‌آباد مغان نیز امروز مقابل فرمانداری این شهرستان در اعتراض به عدم پرداخت خواست‌های حقوقی خود تجمع کردند.

● روز چهارشنبه نوزدهم بهمن شماری از مالباختگان صرافی کریپتولند در مقابل دفتر معاون اول قوه قضاییه در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

● کشاورزان در استان اصفهان نیز در اعتراض به عدم دریافت حقه و خشک ماندن زمین‌ها و باغ‌هایشان روز چهارشنبه ۱۹ بهمن تجمع اعتراضی برگزار کرده و در خیابان‌های این شهر تظاهرات کردند.

● کارگران کارخانه «ایران تایر» نیز که ماه‌هاست نسبت به وضعیت بلاتکلیف کارخانه و کاهش شدید تولید و عقب افتادن پرداخت دستمزدها اعتراض دارند، روز سه‌شنبه ۱۸ بهمن در محوطه کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● شماری از مرغداران در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌های حقوقی خود در مقابل ساختمان وزارت جهاد کشاورزی واقع در تهران، دست به تجمع زدند.

● کارگران کارخانه فولاد آریا در اردستان واقع در استان اصفهان در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌هایشان دست به اعتصاب زده و در محوطه این کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● آتش زدن بزهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی درباره پیروزی انقلاب ۵۷، دیوارنویسی، پخش تراکت و سر دادن شعارهای شبانه از بالکن‌ها و بام‌ها از جمله اقدامات دیگری است که شهروندان با وجود فضای سرکوب خیلی شدید در کشور انجام می‌دهند.

در شرایطی که مقامات جمهوری اسلامی تبلیغات گسترده‌ای را به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب ۵۷ انجام می‌دهند، اعتصابات و تجمعات اعتراضی اصناف مختلف در کشور افزایش یافته است. حقوق ناچیز، پرداخت نشدن دستمزدها به مدت طولانی و عدم انجام تعهدات از سوی کارفرمایان و دولت از جمله دلایل برگزاری این تجمعات است.

در روزهای گذشته کارگران چند کارخانه بزرگ و مهم ایران دست به اعتصاب و برگزاری تجمع زدند. پنبه‌کاران مجتمع کشت و صنعت پارس‌آباد مغان نیز امروز پنجشنبه ۲۰ بهمن مقابل فرمانداری این شهرستان در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌های خود تجمع کردند. بر اساس گزارش منابع کارگری حدود هزار میلیارد تومان پنبه از کشاورزان منطقه مغان خریداری شده که از این مبلغ تنها ۲۰۰ میلیارد تومان

رئیس «بنیاد مستضعفان»: پهلوی‌ها اشیاء قیمتی را با خود نبردند چون فکر می‌کردند به ایران بازمی‌گردند



خروج پادشاه فقید و شهبانو از ایران؛ فرودگاه مهرآباد دی‌ماه ۱۳۵۷

پهلوی‌ها هنگام فرار از کشور بخشی از اشیاء نفیس را با خود نبردند و یکی از دلایلش، فرار با عجله بوده بطوری که حتی شناسنامه، سند ازدواج و مدارک‌شان را هم جا گذاشتند و نبردند و دلیل بعدی نبردن اشیاء، محاسبه و تصور غلط آنها بود که فکر می‌کردند برمی‌گردند. وی بلافاصله اضافه می‌کند: «اما در آن رفتن، بازگشتی نبود!»

ادعای خروج اشیاء با ارزش از ایران توسط پهلوی‌ها درحالی مطرح می‌شود که پیش از این علی‌بهداری جهرمی سخنگوی دولت جمهوری اسلامی در توییتی ادعا کرد «۳۵ میلیارد دلار اموال ایرانیان ۳۸۴ چمدان جواهر و الماس دو تاج با ۵ هزار قطعه الماس، ۵۰ قطعه زمرد و ۳۶۸ حبه مروارید که از نظر قیمت غیرقابل تخمین است و... اینها بخشی از اموالی است که دیکتاتور هنگام فرار با خود به خارج برد. امروز سالگرد مرگ سلطنت، وابستگی و وطن‌فروشی در ایران است.» اما بعد از این توییت واکنش‌ها به ادعای کذب او بالا گرفت و مشخص شد همه آن جواهرات مورد اشاره در گنجینه بانک مرکزی ایران قرار دارد. در واکنش به این ادعا شهبانو فرح پهلوی نیز گفت در دی‌ماه ۱۳۵۷ و هنگام خروج از کشور، او حتا بخش بزرگی از جواهرات شخصی‌اش را هم در «گنجه‌های کاخ نیاوران» باقی گذاشت و با خود نبرد. سردار پاسدار عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی جمهوری اسلامی نیز در توییتی تصاویری از بازدید خودش از دو تاج مشهور «پهلوی» و «شهبانو» را در موزه جواهرات سلطنتی منتشر کرد.

«بنیاد مستضعفان» پس از شرکت ملی نفت ایران، دومین مؤسسه اقتصادی بزرگ در ایران است. بعد از انقلاب اسلامی به فرمان روح‌الله خمینی اموال مصادره شده خانواده پهلوی و سایر مقامات و کارخانه‌داران و بازرگانان به اسم «کمک» به فقرا و نیازمندان» تقدیم رهبر جمهوری اسلامی شد بدون اینکه به «مستضعفان» سودی برسد!

از کشور نیز قسمتی از اموال و ثروت کشور را با خود بردند! وی با بیان اینکه نظام اسلامی از این اموال که مربوط به دوران پهلوی است استفاده نکرده و به مردم نشان خواهد داد سرانجام نگرانی نظام را بر زبان آورد و گفت «با وجود این حجم از غصب، اما باز عده‌ای به دنبال تطهیر این غاصبان هستند.»

رئیس «بنیاد مستضعفان» که نمی‌تواند درباره باقی ماندن ثروت کاخ‌هایی که پهلوی‌ها در آن زندگی می‌کردند و به

● «جهاد تبیین» که جمهوری اسلامی به فرمان خامنه‌ای علیه پهلوی‌ها به راه انداخته نه تنها آنطور که انتظار داشتند پیش می‌رود بلکه نتیجه برعکس می‌دهد!

● پرویز فتاح رئیس «بنیاد مستضعفان» می‌گوید «پهلوی‌ها هنگام فرار اینقدر عجله داشتند که حتا شناسنامه، سند ازدواج و مدارک‌شان را هم جا گذاشتند!»

ماه‌هاست که مقامات و رسانه‌های جمهوری اسلامی به دستور علی خامنه‌ای و به اسم «جهاد تبیین» کارزار تخریب علیه پهلوی‌ها به راه انداخته‌اند اما نه تنها روشن است که آنطور آنها انتظار داشته‌اند اصلا پیش نمی‌روند بلکه نتیجه برعکس هم می‌دهد!

رئیس «بنیاد مستضعفان» از بنیادهای وابسته به علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در سالگرد ورود خمینی به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید «پهلوی‌ها هنگام فرار اینقدر عجله داشتند که حتا شناسنامه، سند ازدواج و مدارک‌شان را هم جا گذاشتند!»

وی ادعا کرده «دفاتر املاک پهلوی در استان‌ها موجود است و در این دفاتر از مردم به زور امضا گرفتند و مکتوب کردند که املاک از مردم خریداری شده در حالی که ریالی به مردم ندادند.»

پرویز فتاح همچنین گفته «خاندان پهلوی در کنار غصب اموال مردم، از ثروت مملکت برای خود کاخ و املاکی ایجاد کرده بودند که جای شگفت دارد و نشانه طاغوت است؛ حتی چند کمپانی بزرگ دنیا جمع شده بودند و یک خودرو برای شاه ساخته بودند.»

او اشاره‌ای هم به «خودروی طلای رضاخان» کرد و گفت: «بخشی از زیورآلات پهلوی در نمایشگاه به نمایش گذاشته شد که درواقع ثروت مملکت بوده است یا گران‌ترین تابلوهای نقاشی دنیا را از ثروت ملت و کشور خریداری کرده بودند.»



مردم تعلق دارد و همچنین دیگر اموال ملی مانند تاج و جواهرات و نیز بسیاری از متعلقات شخصی آنها در ایران دروغ بگوید، افزود: «برای بعضی جای سؤال است که چرا

یکی دیگر از اشیاء قیمتی که فتاح به آن اشاره کرده «شمشیری با ۴۰۰ عدد الماس» است. او گفته این شمشیر نشان‌دهنده زندگی طاغوتی پهلوی‌هاست و در هنگام فرار

شهر فرایبورگ آلمان در پی فشارها روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران قطع کرد



شهر فرایبورگ یکی از قدیمی‌ترین شهرهای دانشگاهی آلمان که روابط خواهرخواندگی با شهر اصفهان داشته است

پس از خشم کاربران در شبکه‌های اجتماعی و پرسش‌های رسانه‌های آلمان و اسرائیل از انجمن دوستی آلمان و اسرائیل در سال ۲۰۲۱، این گروه در توییتری از شهر فرایبورگ خواست تا همکاری با اصفهان را متوقف کند. بودجه این انجمن توسط وزارت خارجه آلمان تامین می‌شود.

ماهنامه یهودی آلمانی جوئیش ریویو (Jüdische Rundschau) مجموعه‌ای گزارش، از جمله گزارش نویسنده مقاله حاضر، را در مورد این همکاری منتشر کرد. اصفهان یکی از مراکز اصلی برنامه تسلیحات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و مرکز تولید موشک است.

ناشر جوئیش ریویو، رافائل کورنزر، سردبیر آن لیبلا میرزو و همچنین سردبیر قبلی آن سیمون آکستینات، گزارش و تفسیرهای سنگینی را درباره این همکاری مناقشه‌برانگیز در اولویت کار خود قرار دادند.

در سال ۲۰۲۲ رژیم آخوندی اعلام کرد که قصد دارد یک رآکتور تحقیقاتی جدید در سایت هسته‌ای خود در استان اصفهان بسازد. به نقل از خبرگزاری ایسنا، محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران اظهار داشت: «این پروژه‌ای کاملاً داخلی است که زنجیره تحقیق، ارزیابی، آزمایش و تولید انرژی هسته‌ای در ایران را کامل می‌کند.»

سرتیپ اسرائیلی یوسی کوپرواسر مدیرکل سابق وزارت امور استراتژیک در اواسط ژانویه به اورشلیم پست گفت: «روابط خواهرخواندگی یک شهر آلمانی با شهری تحت کنترل رژیم جمهوری اسلامی، که معترضان را اعدام و جهانیان را برای حذف اسرائیل از روی نقشه بسیج می‌کند، قابل توضیح نیست. این همکاری نباید انجام می‌شد.»

او همچنین گفت: «کسانی را که پشت همکاری فرایبورگ و اصفهان ایستاده‌اند نمی‌توان افرادی در نظر گرفت که علیه یهودستیزی عمل می‌کنند.»

*منبع: اورشلیم پست

*نویسنده: بنجامین وینتال

*ترجمه و تنظیم: لادن بازگان

مایکل بلوم کارمند اداری متهم به یهودستیزی مواجه شدند که اتفاقاً مأمور مبارزه با یهودستیزی و نفرت‌پراکنی جمهوری اسلامی علیه اسرائیل در ایالت بادن-وورتمبرگ در جنوب آلمان است که شهر فرایبورگ نیز در آن واقع شده است. دادگاهی در هامبورگ در ژانویه حکم داد که می‌توان بلوم را به واسطه اظهاراتش علیه یهودیان آلمانی و پدر ارتش اسرائیل، اورده وینگیت، یهودستیز نامید.

کاظم موسوی سخنگوی حزب سبز در تبعید، گفت که از مایکل بلوم ناامید شده «زیرای مردم ایران رادر مبارزه با رژیم اسلامی و اسرائیل را در مبارزه با یهودستیزی رها کرده است». اورشلیم پست در آوریل ۲۰۲۲ گزارش داد که ایرانیان به دلیل برگزاری راهپیمایی سالانه «قدس» در شهرهای ایران با هدف نابودی اسرائیل، از فرایبورگ خواستند که به همکاری خود با شهر اصفهان پایان دهد.

دگراندیشان ایرانی و فعالان حامی اسرائیل از سال ۲۰۲۱ با مخالفت همه احزاب اصلی در شورای شهر (به استثنای حزب کوچک یوپی)، مارتین هورن شهردار فرایبورگ و همچنین انجمن دوستی آلمان و اسرائیل در این شهر مواجه شده‌اند. سیمون والدنسپول عضو شورای شهر از حزب یوپی اظهار کرد: «با توجه به نقض حقوق بشر که در ایران سابقه‌ای چندین ساله دارد، اما اکنون به واسطه تظاهرات شجاعانه علیه رژیم در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است، این اقدام مدت‌هاست که به تعویق افتاده است.»

گروه پارلمانی یوپی نیز گفت: «به نظارت انتقادی بر همکاری فرایبورگ با اصفهان ادامه خواهیم داد. روابط سیاسی تنها زمانی می‌تواند از سر گرفته شود که حکومت ایران حقوق اولیه بشر را رعایت کند، دیگر به زنان ظلم نکند، همجنسگرایان را مورد آزار و اذیت قرار ندهد و همچنین حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد.»

یوپی تنها حزبی است که بطور مداوم طی سال‌ها به دلیل انکار هولوکاست و یهودستیزی جمهوری اسلامی، که دولت اسرائیل را هدف قرار داده، از همکاری و خواهرخواندگی فرایبورگ و اصفهان انتقاد کرده است.

● یک دگراندیش آلمانی- ایرانی: این اقدام شکست بزرگی برای رژیم ایران و سیاست مداخلات در فرایبورگ است.

● یک دگراندیش ایرانی که به از آزار رژیم به آلمان پناهنده شده می‌گوید: «من شخصاً از فرایبورگ درخواست می‌کنم که مسئولیت همکاری بلندمدت خود را با اصفهان، شهر توماج صالحی، بر عهده بگیرد. توماج خواننده رپ ایرانی است که از زمان دستگیری توسط رژیم طی قیام اخیر ایران در سلول انفرادی بسر می‌برد. حمایت از شهروندان اصفهان به معنی مبارزه برای حقوق آنها و نجات آنها از اعدام است.»

بنجامین وینتال (اورشلیم پست) - تلاش بین‌المللی برای وادار کردن شورای شهر فرایبورگ در آلمان، در روز سه‌شنبه منجر به توقف ادامه رابطه این شهر با رژیم ایران در شهر اصفهان و پیروزی مخالفان ایرانی و یک حزب سیاسی کوچک شد که همگی از سال ۲۰۲۰ برای لغو این مشارکت مبارزه کرده‌اند.

در جریان این شکست بزرگ مارتین هورن، شهردار فرایبورگ و از حامیان این مشارکت، ۴۸ عضو شورای شهر خواستار آن شدند که او «نه به دنبال تماس با نمایندگان نظام سیاسی در ایران و نه به آنها پاسخگو باشد، بلکه تنها ارتباطاتی را که در راستای تبادلات مدنی است حفظ کند». گروه‌های پارلمانی نقض حقوق بشر در ایران را محکوم و همبستگی خود را با زنان ایرانی در فرایبورگ و اصفهان، که علیه ظلم بر زنان ایران مبارزه می‌کنند، اعلام کردند.

شینا وجودی دگراندیش ایرانی که برای فرار از آزار رژیم جمهوری اسلامی به آلمان پناهنده شده است، به اورشلیم پست گفت: «این اقدام بی‌شک حرکتی مثبت در راستای دفاع از حقوق بشر در ایران است. تلاش ما برای جلوگیری از وحشیگری رژیم در ایران و قطع بازوهای گسترده تروریستی آن در منطقه و همچنین در اروپا است.»

وجودی یکی از همکاران موسسه استراتژی بین‌المللی گلد است که نقشی کلیدی در مبارزات انتخاباتی علیه همکاری دو شهر فرایبورگ و اصفهان ایفا کرده است. وی گفت: «من شخصاً از فرایبورگ درخواست می‌کنم که مسئولیت همکاری بلندمدت خود را با اصفهان، شهر توماج صالحی، بر عهده بگیرد. توماج خواننده رپ ایرانی است که از زمان دستگیری توسط رژیم طی قیام اخیر ایران در سلول انفرادی بسر می‌برد. حمایت از شهروندان اصفهان به معنی مبارزه برای حقوق آنها و نجات آنها از اعدام است.»

کاظم موسوی دگراندیش آلمانی- ایرانی نیز که نقش مهمی در کمپین توقف همکاری این دو شهر داشته است، به روزنامه اورشلیم پست گفت که توقف این همکاری «شکست بزرگی برای رژیم ایران و همچنین برای سیاست مداخلات در فرایبورگ است. این اتفاق درست زمانی افتاد که مردم ایران انتظار حمایت علیه رژیم را دارند.»

او ادامه داد: «سال‌هاست که علیه همکاری و خواهرخواندگی فرایبورگ با اصفهان تحت مدیریت آخوند‌های یهودی‌ستیز اعتراض می‌کنیم. حالا از حمایت شما متشکریم.» کارمند دولت آلمان به اتهام یهودستیزی مورد انتقاد قرار گرفت

دگراندیشان ایرانی و فعالان حامی اسرائیل با مخالفت



دو راهکار غرب برای مقابله با اتمی شدن جمهوری اسلامی: ایستادن کنار مردم ایران برای «تغییر رژیم» یا اقدام نظامی

روسیه در مذاکرات اتمی هم همین حرف را می‌زند. میخائیل اولیانوف نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین در مصاحبه با خبرگزاری روسی «اسپوتنیک» تأکید کرده مذاکرات اتمی «به بن‌بست» رسیده است. او تأکید کرده جمهوری اسلامی خواهان احیای برجام است اما غرب اراده‌ای برای آن ندارد.

در سه ماهه گذشته این دومین بار است که مقامات جمهوری اسلامی ادعا کردند که آمریکا برای ادامه مذاکرات پیام فرستاده اما اولیانوف گفته مذاکرات به بن‌بست رسیده و غربی‌ها دنبال احیای برجام نیستند.

کاترین کولونا وزیر خارجه فرانسه نیز در سفر به عربستان گفت مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی به بن‌بست رسیده است. جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا یک سال پیش به مقامات جمهوری اسلامی توصیه کرده بود که تا دیر نشده پیشنهادات غرب را برای توافق بپذیرد. وی تأکید کرده بود در صورت عدم توافق اتمی «گزینه بعدی چیز خوبی نخواهد بود.»

اکنون در مورد مقابله با دستیابی جمهوری اسلامی به تسلیحات اتمی غربی‌ها دو مسیر را طی می‌کنند:

- ۱) حمایت از خیزش ضدحکومتی در ایران
- ۲) گفتگو و هماهنگی در مورد اقدام نظامی علیه تأسیسات اتمی و استراتژیک جمهوری اسلامی

شماری از مقامات غربی می‌گویند آنچه سبب ایجاد صلح و ثبات دائمی در خاورمیانه خواهد شد «تغییر رژیم» در ایران است. به ویژه پس از سرکوب وحشیانه‌ی معترضان در ایران و اجرای احکام اعدام انگیزه غربی‌ها برای شنیدن خواست مردم ایران بیشتر شده است. علاوه بر این همدستی رژیم ایران با روسیه در جنگ اوکراین برای اروپایی‌ها قابل تحمل نیست.

شمار زیادی از مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند غربی‌ها با همراهی شرکای منطقه‌ای خود به ویژه اسرائیل برای «براندازی نظام» توطئه می‌کنند اما اخیراً رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در یک مصاحبه اگرچه کمک‌های آمریکا به «اعتراضات در داخل ایران» را تأیید کرد اما گفت که آمریکا به دنبال «تغییر رژیم» نیست. او تأکید کرد: «ما در کار تغییر رژیم نیستیم و فکر می‌کنم به اندازه کافی تجربه غم‌انگیز در زمینه مهندسی کردن تغییر رژیم به ویژه در خاورمیانه داشته‌ایم. این وظیفه ما نیست. وظیفه ما ایستادن در کنار مردم ایران و انجام دادن کارهایی از جمله تحریم، بسیج جامعه بین‌المللی، قرار دادن ایران در قانون توجیه و اطمینان از شنیده شدن صدای ایرانی‌ها است.»

اتمی را به همراه دارد. این چهار دولت که عضو شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند تأکید کردند «ما اقدامات [رژیم] ایران را بر اساس گزارش‌های بی‌طرفانه و عینی آژانس قضاوت می‌کنیم، نه بر اساس نیت زمامداریش.»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی در مورد ابعاد تازه از پنهانکاری‌های اتمی جمهوری اسلامی اعلام کرد بازرسان آن نهاد در بازدید سرزده از تأسیسات «فردو» قم متوجه شده‌اند جمهوری اسلامی بدون اطلاع آژانس، تغییرات مهمی در نحوه اتصال ماشین‌های غنی‌سازی اورانیوم داده است.

محمد اسلامی: با ایران دشمنی دارند!
این تغییرات شامل اتصال دو آبشار سانتریفیوژ IR-۶ است که آژانس می‌گوید روشی برای افزایش غنای اورانیوم در سطوح نزدیک به تسلیحات اتمی است اما مقامات جمهوری اسلامی این تغییرات را انکار کرده‌اند.

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در واکنش به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید مسئله آنها با ایران «سیاسی و از سر دشمنی است و نمی‌خواهند ایران به فناوری هسته‌ای دست یابد.»

یکی از خبرنگاران با اشاره به اینکه «قبلاً یکی از بازرسان آژانس سابقه داشته که مواد مشکوک به داخل تأسیسات برده» درباره «درز اطلاعات هسته‌ای ایران» و ادامه همکاری با آژانس پرسید که اسلامی پاسخ داد: «همکاری ما در قالب برجام طبق قانون راهبردی است و در بخش فعالیت‌های پادمانی هم ما در همان چارچوب فعالیت می‌کنیم. موارد بیرون از پادمان که سیاسی و دیکته شده از حنجره آژانس و شخص مدیرکل بیرون می‌آیند، مورد اعتراض ما بوده و اتفاقاً نامه‌ای به آژانس دادیم که یک بازرس که خودش با نماینده ارشد پادمان فرستاده شده و از تأسیسات ما بازدید کرده، اشتباه کرده و گزارش نادرستی داده است ولی باز مدیرکل آژانس این مسئله را رسانه‌ای کرد! این رفتار غیرحرفه‌ای است و پذیرفته نیست و امیدواریم این رویه توسط مدیرکل آژانس تداوم نیابد زیرا این کار برای اعتبار وی و آژانس پذیرفته نیست.»

رافائل گروسی پیش از انتشار این گزارش هشدار داده بود «جمهوری اسلامی به حد کافی مواد برای چندین سلاح هسته‌ای جمع‌آوری کرده‌اند، نه برای یکی.»

در چنین شرایطی حسین امیرعبداللهیان وزیرخارجه جمهوری اسلامی در چند نوبت ادعا کرده که آمریکایی‌ها برای ادامه مذاکرات اصرار دارند اما نه فقط مقامات آمریکا تأکید می‌کنند که قصدی برای ادامه مذاکره ندارند بلکه نماینده

● چهار کشور غربی عضو هیأت مدیره شورای حکام در بیانیه‌ای اعلام کردند تغییراتی که جمهوری اسلامی «بدون اطلاع آژانس» در پیکربندی سانتریفیوژهای تأسیسات فردو ایجاد کرده مغایر تعهداتش است و هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارد.

● محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی: آنها نمی‌خواهند ما به فناوری هسته‌ای دست پیدا کنیم و حرف‌هایی که می‌زنند از سر دشمنی است... موارد سیاسی از حنجره آژانس و شخص مدیرکل بیرون می‌آیند که مورد اعتراض ماست.

● در حالی که حسین امیرعبداللهیان وزیرخارجه جمهوری اسلامی در چند نوبت ادعا کرده آمریکایی‌ها برای ادامه مذاکرات اصرار دارند، میخائیل اولیانوف نماینده دائم روسیه در مذاکرات اتمی اعلام کرده مذاکرات اتمی «به بن‌بست» رسیده است. او تأکید کرده جمهوری اسلامی خواهان احیای برجام است اما غرب اراده‌ای برای آن ندارد.

جمهوری اسلامی غنی‌سازی اورانیوم را به سطحی رسانده که فاصله چندانی با تولید سلاح اتمی ندارد. همزمان که مسئله مقابله با اتمی شدن رژیم ایران مطرح است گزینه‌های مختلفی از سوی دولت‌های غربی و همچنین کشورهای منطقه مطرح می‌شود.

مقامات جمهوری اسلامی معتقدند غربی‌ها به دنبال براندازی نظام‌اند. موضوعی که اخیراً در پارلمان اروپا طی نشست‌هایی که به رأی قاطع به تروریست بودن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجامید بطور جدی از سوی نمایندگان پارلمان مطرح شد. یکی دیگر از گزینه‌ها که بار دیگر جدی‌تر در مورد آن صحبت می‌شود اقدام نظامی است. چنانکه گفته می‌شود اسرائیل و فرانسه در حال مذاکره در مورد تشکیل یک ائتلاف برای این هدف هستند.

دولت‌های فرانسه، آلمان، بریتانیا و ایالات متحده در بیانیه‌ای اعلام کردند تغییراتی که جمهوری اسلامی «بدون اطلاع آژانس» در پیکربندی برخی از سانتریفیوژهای خود در فردو اعمال کرده تا با آن غنی‌سازی اورانیوم را به بیش از ۶۰ درصد برساند مغایر تعهدات جمهوری اسلامی ایران در توافقنامه پادمانی جامع NPT است.

طبق این بیانیه که بر اساس گزارش آژانس تنظیم شده تغییر جدید در پیکربندی آبشارهای سانتریفیوژهای مورد استفاده برای تولید اورانیوم با درجه نزدیک به تسلیحات فاقد هرگونه توجیه غیرنظامی است و خطرات مرتبط با گسترش تسلیحات

نتیجه نظرسنجی مؤسسه «گمان»:

نه به جمهوری اسلامی، اصل «یکپارچگی» ایران» و اعتماد به شاهزاده رضا پهلوی



تصاویر به ترتیب نتیجه نظرسنجی مؤسسه گمان چیده شده است

برای شکل دادن به افکار عمومی است تا سنجش آنها، وی می‌گوید «مثلاً در برابر رضا پهلوی، دهها اسم قرار می‌دهد حتا افرادی که هیچ ادعای رهبری ندارند (مانند کریمی و دایی) یا گزینه هیچکدام و ۱۲ درصد حامی جمهوری اسلامی تا رای شاهزاده به زیر ۵۰ درصد کشیده شود و به این نتیجه برسد که باید ائتلاف کرد و جالب اینکه ائتلاف در بین گزینه‌ها نیست! یا در برابر پادشاهی مشروطه، دو گزینه جمهوری پارلمانی و جمهوری ریاستی را قرار می‌دهد تا به این نتیجه برسد که جمهوری از پادشاهی محبوب‌تر است!»

حجت کلاشی فعال سیاسی مشروطه‌خواه می‌گوید «نظرسنجی گمان بازتاب یک ابتذال است؛ ابتدالی که در آن یک خواننده رپ چون ترانه اعتراضی خوانده، می‌تواند با رانت صاحب «گمان» نامش در لیست افراد سیاسی برجسته سبز شود!» به اعتقاد وی تبدیل امر سیاسی به مبتذل‌ترین وجه ممکن، هنر صاحب «گمان» است که از «حقیقت» موضوع چیزی نمی‌داند.

همچنین «مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» با انتشار ویدئویی تحت عنوان «علمی یا علمی-تخیلی» شیوه این نظرسنجی را در طرح پرسش‌ها و نتایج آن مورد نقد قرار داده است. این مؤسسه با برشمردن دلایلی یادآوری می‌کند که چنین نظرسنجی‌هایی با هدف انحراف افکار عمومی از واقعیت‌های جاری در ایران طراحی و منتشر می‌شوند تا از این طریق بر افکار عمومی تأثیر بگذارند.

طبق نظرسنجی مؤسسه گمان، ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان داخل کشور با اقدامات تنبیهی غرب همچون تروریست شناختن سپاه، اخراج سفیران جمهوری اسلامی، حفاظت بین‌المللی از معترضان، تحریم مقامات سرکوبگر و توقیف دارایی‌های حکومت در خارج موافق هستند.

در همین حال ۷۳ درصد پاسخ‌دهندگان داخل کشور خواستار حمایت کشورهای غربی از اعتراضات و تشدید فشار آنها بر جمهوری اسلامی هستند و ۱۹ درصد دیگر نیز با دخالت کشورهای غربی مخالف‌اند و اعتراضات را مسئله‌ای داخلی می‌دانند.

طبق این نظرسنجی، ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان خواهان براندازی جمهوری اسلامی به عنوان پیش‌شرط هر تغییر، ۱۶ درصد خواستار تحولات ساختاری و گذار از جمهوری اسلامی، ۱۱ درصد خواهان حفظ اصول نظام و رهبری و شش درصد خواهان اصلاحات تدریجی هستند.

اسماعیلیون، حسین رونقی، نازنین بنیادی، فاطمه سپهری، مسیح علینژاد و نسرين ستوده قرار دارند. بر اساس گزارش مؤسسه گمان در پی اعتراضات اخیر، درصد حامیان براندازی جمهوری اسلامی نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد افزایش یافته است.

بر اساس این نظرسنجی اصل تمامیت ارضی مورد توافق



اکثریت مطلق مردم ایران است. همچنین طبق این نظرسنجی درباره اعتماد به نهادهای حکومت در ایران، بیش از ۸۰ درصد مردم داخل کشور به تمامی نهادهای حکومت (به غیر از ارتش و بانک‌ها) بی‌اعتماد هستند. میزان اعتماد به ارتش بطور نسبی از دیگر نهادها بیشتر است. پس از آن بانک‌ها با کسب ۲۴ درصد اعتماد در جایگاه دوم قرار دارند.

بر اساس این نظرسنجی فقط حدود ۱۱ درصد از افرادی که به پرسش‌ها پاسخ داده‌اند همچنان به «نهاد رهبری» (علی خامنه‌ای) بسیار اعتماد دارند اما حتا همین گروه رأی‌شان به دادگاه‌ها و سیستم قضایی جمهوری اسلامی، دولت، صداوسیما رژیم و مجلس شورای اسلامی اعتمادشان کمتر است!

این نظرسنجی با انتقاداتی هم روبرو شده است. اصغر سپهری آموزگار و برادر فاطمه سپهری که از حامیان شاهزاده پهلوی است و اتفاقاً اسم خواهرش در میان ۱۰ نفر نخست مورد اعتماد مردم است می‌نویسد این نظرسنجی بیشتر

بخشی از نظرسنجی «گمان» درباره ترکیب احتمالی افراد یک «شورای همبستگی» است که البته مشخص نیست این افراد با کدام معیارها در فهرست گنجانده شده‌اند. شاهزاده رضا پهلوی، علی دایی و علی کریمی سه نفر نخست این فهرست از نظر پاسخ‌دهندگان هستند و پس از آنها حامد اسماعیلیون، حسین رونقی، نازنین بنیادی، فاطمه سپهری، مسیح علینژاد و نسرين ستوده قرار دارند.

نظرسنجی مؤسسه گمان با انتقاداتی هم روبرو شده است. اصغر سپهری آموزگار و برادر فاطمه سپهری که از حامیان شاهزاده پهلوی است و اتفاقاً اسم خواهرش در میان ۱۰ نفر نخست مورد اعتماد مردم است می‌نویسد این نظرسنجی بیشتر برای شکل دادن به افکار عمومی است تا سنجش آنها.

«مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» با انتشار ویدئویی تحت عنوان «علمی یا علمی-تخیلی» شیوه این نظرسنجی را در طرح پرسش‌ها و نتایج آن مورد نقد قرار داده است. این مؤسسه با برشمردن دلایلی یادآوری می‌کند که چنین نظرسنجی‌هایی با هدف انحراف افکار عمومی از واقعیت‌های جاری در ایران طراحی و منتشر می‌شوند تا از این طریق بر افکار عمومی تأثیر بگذارند.

تازه‌ترین نظرسنجی انجام گرفته توسط «مؤسسه گمان» از میان ایرانیان داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد ۸۱ درصد مردم داخل ایران خواهان پایان دادن به حکومت جمهوری اسلامی هستند.

این نظرسنجی از تاریخ ۳۰ آذر تا ۱۰ دی ۱۴۰۱ انجام شد و به نوشته «گمان» بیش از ۱۵۸ هزار نفر از داخل ایران و ۴۲ هزار نفر از خارج کشور به پرسش‌های این نظرسنجی بطور کامل پاسخ داده‌اند.

در پاسخ به پرسش «جمهوری اسلامی: آری یا نه؟»، ۸۱ درصد پاسخ‌دهندگان داخل کشور به جمهوری اسلامی «نه» گفته و حدود ۱۵ درصد پاسخ «آری» را انتخاب کرده‌اند. در خارج کشور ۹۹ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه «نه» به جمهوری اسلامی را انتخاب کردند.

بخشی از این نظرسنجی درباره ترکیب احتمالی افراد در یک «شورای همبستگی» است که البته مشخص نیست این افراد با کدام معیارها در فهرست «گمان» گنجانده شده‌اند. در هر حال، شاهزاده رضا پهلوی، علی دایی و علی کریمی سه نفر نخست این فهرست هستند و پس از آنها حامد

سید محمد خاچی عکسی را که از دست دادن او با خاچی در سفر ایتالیا منتشر شده است جعلی می‌داند و دوستانش نیز آن را توطئه‌ای برای تخریب شخصیت خاچی قلمداد کرده‌اند. من هم ترجیح می‌دهم قول ایشان را باور کنم و نه ادعای فیلمبردار ایتالیایی را که مدعی است از صحنه فیلم برداشته و عکس واقعی است.

اگر آقای خاچی ترتیب اثر به این غوغاگری نمی‌داد و یار غار ایشان، حجت‌الاسلام ابطی، جهت تطهیر خاچی دلیل و برهان اقامه نمی‌کرد، من چیزی برای گفتن نداشتم. آقای ابطی در وبلاگ خود می‌نویسد «وقتی آقای خاچی برای سفر رسمی به آلمان رفته بود، خانم مرکل که الان صدر اعظم آلمان است رهبر حزب اقلیت بود. جزو برنامه آقای خاچی بود که با وی هم ملاقات کند. ما به وی خبر دادیم که آقای خاچی به خانمها دست نمی‌هد. خیلی ناراحت شد. طبیعی بود که این کار را توهین آشکار تلقی می‌کرد. آمد و دست نداد و بعد هم مصاحبه مفصلی کرد که رئیس جمهور ایران با آنهمه ادعای روشنفکری حتی حاضر نشد دست بدهد. در هامبورگ هم که امام مسجد بود، با این که امام قبلی با خانمها دست می‌داد ایشان به دلیل همان تقیدات دینی این کار را نکرد. وقتی سر و صدای اخیر اینترنتی و کیهانی را دیدم فکر می‌کردم اگر آقای خاچی اهل دست دادن بود آن روزهای سیاست دست می‌داد. الان همه رهبران برجسته سنی و بسیاری از روحانیون شیعی غیر ایرانی رسماً به خانمها دست می‌دهند، حتی اگر حرام باشد استدلال می‌کنند چون طرف آن را اهانت تلقی می‌کند باعث وهن اسلام است.»

همان روزها که دست دادن یا ندادن به عنوان مسأله روز مطرح شد، مقاله‌ای دیدم از آیت‌الله محمدتقی فاضل میبیدی که بسیار دلپذیر و عقل‌پسند به‌نظم رسید. این آیت‌الله را من یک بار از فاصله چند متری دیده‌ام. در نخستین سالهای بعد از انقلاب، روزی با یکی از دوستان در رستورانی نزدیک شانزده‌لیزه پاریس ناهار می‌خوردیم. در سالن مجاور، مرد خوش قامتی با ریش بلند نظرم را جلب کرد که تنها پشت میز نشسته و ظاهراً منتظر کسی یا کسانی بود. به دوستم گفتم این بابا یک آخوند است. گفت او را می‌شناسی. گفتم نه. گفت آخوند بودنش را از کجا فهمیدی. گفتم از گوشه‌هایش، چون آخوندهایی که از دوران نوجوانی عمامه بر سر می‌گذارند گوششان را زیر عمامه پنهان می‌کنند و به تدریج قسمت فوقانی گوش به مجسمه می‌چسبند. در این گفت و گو بودیم که دوست دیگرم «منوچهر. ق» از راه رسید و بر سر آن میز نشست. گفتم این هم یک دلیل دیگر. دقایقی بعد، منوچهر متوجه ما شد. برخاست آمد به سراغمان برای خوش و بش و احوالپرسی. گفتم منوچهر، آخوند را از کجا به تور زده‌ای. خندید و گفت آیت‌الله فاضل میبیدی از نیکان است.

با این سابقه ذهنی، علاقمند شدم و مقاله را به‌دقت خواندم. می‌نویسد:

«در یکی از رسانه‌ها در حمله به آقای خاچی، رئیس‌جمهور سابق، مسأله دست دادن ایشان در یکی از سفرها با یک زن مطرح شد و نویسنده چنین کاری را از موضع دین محکوم کرد و فریاد «واشربعنا» را به گوش خلق رسانید. به یاد شعر مرحوم ایرج میرزا:

بر سردر کاروانسرای تصویر زنی به گچ کشیدند...
در اینجا با صدق و کذب خبر کاری نیست. ولی ذکر نکاتی برای طرح یک مسأله و حل آن ناچار می‌نماید.

* مقدمتاً: امام علی(ع) عامل فروپاشی یک نظام را چهار چیز می‌داند:

الف: تقدیم الارادل – به فرومایگان مسؤولیت سپردن
ب: تأخیرالافاضل – شایستگان را به انزوا بردن

بازش

دست دادن یا ندادن مسأله این است! (۲)

(کیهان لندن شماره ۱۱۷۴-۱۱۶۳)

تیر تا مهر ۱۳۸۶

احمد احرار



سیدمحمدخاچی در ایتالیا

ج: تزییع الاصول – مسائل اصلي و حیاتی جامعه را رها کردن

د: والتمسک بالفروع – و به مسائل فرعی روی آوردن (غررالحکم)

* مسأله حرمت دست دادن با زن در کشوری که جزو عرف و عادات آن کشور به حساب می‌آید مورد اتفاق فقها نیست و در این زمان برخی از فقها، آن را بی‌اشکال می‌دانند. اگر اجماع فقها چنین کاری را به عنوان اولی حرام بدانند ولی بر اساس مبانی فقه شیعه، گاهی ترک چنین کاری که به توهین به طرف مقابل یا وهن به دین منجر شود، دچار اشکال می‌شود.

با این بیان: اگر انجام کاری که از دستورات شریعت است، باعث وهن به اسلام شود یا عده‌ای را از دین فراری دهد، انجام چنین کاری باید، هر چند به عنوان ثانویه، تعطیل شود. نمونه بارز آن، دستور امام خمینی مبنی بر ترک اجرای حکم سنگسار به تعبیر حجه‌الاسلام والمسلمین دکتر نوبهار: «انجام هر عملی که موجب بی‌زاری و نفرت مردم از دین شود، حرام است.

حتی اگر عمل به یک حکم الزامی شرعی هم موجب گریزان شدن مردم از دین شود می‌توان و بلکه باید از عمل به آن خودداری کرد؛ جز در مورد احکامی که شارع مقدس

در هیچ حالی به ترک آن راضی نیست.

اگر در کشوری، بانویی به عنوان احترام دست بدهد، آیا خودداری کردن از پاسخ به آن، نفرت‌آور نیست؟ و این حرکت نازیبا باعث وهن به اسلام نمی‌شود؟»

پس از این مقدمه، آیت‌الله فاضل میبیدی، اشاره‌ای دارد به مبحث حرام و حلال از دیدگاه فقهی و نتیجه می‌گیرد که «در این روزگار پاره‌ای از شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جهان زن می‌باشند و در سطح این مقامات، ملاقات‌هایی برای منافع کشور صورت می‌گیرد، آیا می‌توان دست دادن را یک حرام ابدی دانست، هر چند به منافع ملی کشور ضربه وارد کند؟ اگرچه در اینجا بحث منافع کشور نیست و ممکن است منافع تهدید نشود؛ ولی احترام به آداب و رسوم یک جامعه از مسائلی است که حفظ آن در حفظ روابط ضروری است، همانطور که دیگران در جامعه دینی شتون آن را احترام می‌گذارند. امام علی(ع) به مالک اشتر فرمود: سنت‌های مردم مصر را محترم بشمار.

جا دارد فقهایی شیعه در امثال چنین مسائل با در نظر داشتن موضوع و حفظ آداب و رسوم، مجدداً بازنگری کنند و به تعبیر امام خمینی زمان و مکان را در اجتهاد لحاظ کنند. به تعبیر یکی از فقهای معاصر: «بر فقیه و وکلای وی لازم است از هر کاری که موجب بدبینی نسبت به اسلام است پرهیز کنند و کارهایی که ضرر آنها بیش از نفع آن است را ترک کنند.»

امروز آیا گروهی مانند القاعده باعث بدنامی اسلام نشده است؟ اینها بشریت را در ظرف زمان امام احمد حنبل، مالک و شافعی می‌شناسند و دختران را از رفتن به مدارس و مراکز علمی و اجتماعی بازمی‌دارند و زنها را همچون کنیزکان عصر جاهلیت می‌پندارند.

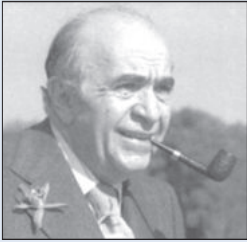
اصول مهمی چون: اصل بر برائت افراد، اصل در حرمت اشیا، اصل طهارت و... و قواعدی چون: الضرورات تبيح المحذورات، عسر و حرج، اهم و مهم، شریعت سمحه سهله، حفظ حقوق افراد و کرامت ذاتی انسان در ادبیات ما کمرنگ شده است. روشن نیست که این قواعد و اصول تا کجا کاربرد دارد یا اصلاً کاربردی ندارد.

ما اگر این اصول و قواعد را از شریعت اسلام بگیریم، زندگی دینی بی‌معنا می‌شود. مگر نه این است که دین در بعد اجتماعی، صبغه عرفی دارد و آداب و رسوم و قوانین عقلایی را لحاظ می‌کند. همانطور که پیامبر قوانین عرف‌پسند و عقلایی جامعه خود را که منافی با اصل توحید نبود، امضا کرد و اصل را بر این قرار داد که آدمیان می‌توانند با عقول جمعی واضح قوانین مفید باشند...»

میبید، مثل اردکان (زادگاه آقای خاچی) از توابع استان یزد است و آیت‌الله میبیدی به دفاع از همولایتی خود تیغ قلم از نیام برکشیده است، حیف که طرف خطاب مقاله، تنها غوغاگران و غائله‌سازانند. جا داشت شلاقی هم بر گرده همولایتی بکشد و او را از باب این همه بزدلی و زبونی ملامت کند. ناگزیر، این خدمت به گردن ما روزنامه‌نویسها می‌افتد که در شرح وظایفمان نوشته‌اند آنچه را دیگران نمی‌توانند بگویند شما بگویید.

در «زینت‌المجالس» آمده است که زنی جوان شوهر خود را به قاضی برد و گفت این مرد حق همخوابگی من ادا نمی‌کند. مرد گفت من هر شب، زیاده از سه نوبت حریم حرمت را طواف نتوانم کرد. زن به کمتر از پنج نوبت راضی نمی‌شد. قاضی گفت من در امر قضا عجب کم طالعم که باید مقداری از مال خود را به یکی از اصحاب دعوی بدهم تا دعوا خاتمه پذیرد. اکنون نیز به جهت قطع این منازعت چاره‌ای نیست جز آن که دو نوبت دیگر را من تکفل کنم! (در شماره بعد)

در باره «معمای هویدا»



سید مهدی پیراسته

مردی مذاکرات جلسه «مشاوران» و قضیه بازداشت هویدا

من هرگز نگفتم ام که شاه می‌خواست هویدا را توقیف کند و برای متقاعد کردن «مشاوران»
صحنه سازی صورت گرفت

(تاریخ نشر در کیهان لندن:

آبان ماه ۱۳۸۰

شماره ۸۸۱)

باشم

چندی پیش، دکتر میلانی که هیچ سابقه آشنایی با هم نداشته‌ام از امریکا به من تلفن کرد و گفت شماره تلفن مرا از دوستان گرفته و چون درصدد نوشتن کتابی در خصوص سقوط رژیم سلطنتی و شخص هویداست میل دارد با من هم چند کلمه‌ای صحبت کند.

در شماره ۸۶۷ کیهان متن فارسی قسمتی از کتاب ایشان را دیدم و مطالبی که نوشته شده بکلی با آنچه در دو مکالمه تلفنی بین ما گذشت متفاوت است.

مقدمتاً یادآور شوم که من همیشه معتقد بوده و هستم که شاهان پهلوی خدمات زیادی به ایران کرده‌اند و این پدر و پسر (من در مقام تجلیل می‌گویم نه مانند خمینی برای تحقیر) ایران را از قرون وسطی به قرن بیستم رساندند. البته معصوم هم نبودند و ما شیعیان جز ۱۴ نفر هیچکس را معصوم نمی‌شناسیم. عده‌ای که نمی‌توانستند منکر تحولات ایران در عصر پهلوی شوند می‌گفتند این پیشرفت‌ها «چیر زمان» بوده و نمی‌دانم حالا چه می‌گویند که در طول ۲۳ سال ایران ترقی معکوس کرده و به عقب برگشته و اگر حکومت آشخ‌ها به هدف خود یعنی بردن ایران به عصر صحرانشینی و شتر چرانی نایل نشد باز هم نتیجه تحولات دوره پهلوی و تربیت جوانان این نسل است.

در هر حال من از اول جوانی راه طرفداری از سلطنت پهلوی را انتخاب کردم و از وقتی که محمدرضا شاه فقید مرا شناخت مورد اعتماد و مرحمت ایشان قرار گرفتم و تمام مناصب اداری و سیاسی من مستقیماً از طرف شاه تعیین شد. از جمله مرحوم علم به من گفت که او مرحوم دکتر خانلری را (که در زمان وزارت کشور علم معاون آن وزارتخانه بود) برای وزارت کشور در نظر گرفته بود و شاه فقید مرا که آن موقع استاندار خوزستان بودم بدون آنکه خود کمترین اطلاعی داشته باشم به وزارت کشور برگزید و دکتر خانلری به وزارت آموزش و پرورش منصوب شد.

از چند سال قبل از ۱۳۵۷ من می‌دیدم چند نفری که به آنها «گروه براندازی» نام می‌دهم با رفتار و گفتار خویش تیشه به ریشه سلطنت و مملکت می‌زنند و برجسته‌ترین فرد این گروه هویدا بود.

به خاطر داریم که هویدا مکرر می‌گفت «ایران یک فرمانده دارد و بقیه همگی فرمانبردار هستیم!» این تملق‌های (به نظر من با برنامه) وضعی به وجود آورده بود که مردم همه اعمال خلاف، حتی تخلفات مامورین گم‌گم و ژاندارمری بندر لنگه را از چشم شاه می‌دیدند.

من مثل هر فرد دیگر ایرانی معایب این روش را درک می‌کردم و با اعتماد به سوابقم به طور کتبی و یا در



هویدا و علم در حضور شاه

بوسیدن و دیگری برای پول گرفتن.

ضمناً پیشنهادات دیگری هم داشتم که یکی از آنها انتصاب جمال‌الدین جمالی رئیس کانون سردفتران به تولیت آستانه حضرت معصومه در قم بود.

راجع به مجلس گفتم بیشتر این شلوغ‌بازی را دواطلبان شکست خورده وکالت که زمینه محلی دارند دامن می‌زنند. مثلاً در کازرون جلوی سید عبدالحسین طباطبائی را که نفوذ محلی دارد گرفته‌اند و سرلشکر ژاندارم جباری را به عنوان این که در درجه سروانی در ژاندارمری کازرون خدمت می‌کرده وکیل کرده‌اند. آیا امثال طباطبائی حق ندارند در این موقعیت تلاقی کنند؟

پیشنهاد این بود که مجلس رستاخیزی منحل شود و من با کمک گروهی از دوستان که مملکت و مردم را می‌شناسند با دواطلبان نمایندگی دوره بعد تماس بگیریم و شرط موفقیت آنها را در انتخابات، نشان دادن لیاقت و کفایت و درجه احترامشان بین مردم در فرو نشاندن اغتشاشات و آرام کردن حوزه انتخابیه کنیم. با این ترتیب، آنها بین خودشان برای آرام کردن محل مسابقه خواهند گذاشت. موضوع انحلال مجلس که پیشنهاد کردم این بود نه آن که آقای میلانی نوشته و برداشتن مانع از جلوی قدرت شاه عنوان کرده است. آن مجلس در این گونه امور مطلقاً اثری نداشت.

جلسات مشاورین

من در تمام جلسات مشاورین آن موقع شرکت کردم اما در حضور کسانی که نمی‌دانستم سرشان به کجا بند است و آنها را نمی‌شناختم و اولین بار بود که می‌دیدمشان مثل سایرین از لزوم پیدا کردن «راه حل سیاسی!» سخن می‌گفتم ←

شرفیابها ضرر این کار را به عرض می‌رساندم اما در آن موقع تحت تاثیر همین تملق‌گویی‌ها، حرف‌های من به عنوان «فضولی» و «نصیحت بیجا» تلقی می‌شد.

یک روز از مرحوم علم که در سمت وزارت در بار بر عکس دوره نخست وزیری با من میانه خوبی پیدا کرده بود شنیدم که گفت «دیشب در موقع شام اسم شما را آوردم. اعلیحضرت فرمودند کدام پیراسته؟ آنکه خیال می‌کند همه چیز را می‌داند و می‌خواهد بیاید ما را نصیحت کند؟!» به هر حال، شاه فقید کم کم نسبت به من کم‌مهر و حتی بی‌مهر شده بود به طوری که آن اواخر مقام و منصبی نداشتیم و به وکالت دادگستری و کارهای آزاد پرداخته بودم.

جبهه پاسداران قانون اساسی

در سال ۱۳۵۷ وقتی شلوغ‌بازی بالا گرفت به سهم خود در مقام مقاومت برآمدم و به کمک دوستان همفکر «جبهه پاسداران قانون اساسی» را به وجود آوردم. بالاخره بعد از چندین سال مجدداً به حضور شاه فقید راه یافتیم.

شرح مذاکرات و پیشنهادات من در ملاقات با شاه مفصل است و چند صفحه از دفتر خاطراتم را پر کرده است. احتمالاً عرض کردم که من آخوندها را می‌شناسم و تعجب می‌کنم که چرا دولت با وجود برقراری حکومت نظامی در مقابل آخوندها مرتباً عقب نشینی می‌کند در حالی که اگر بگیر و ببنند شروع آخوندها در بازارپهایی که به آنها کمک می‌کنند هر کدام به اصطلاح دنبال سوراخ موش می‌گردند که خود را پنهان کنند. در این زمینه چند مثال هم از رفتار خودم در استانداری فارس با آخوندها ذکر کردم و یادآور شدم که آخوند اول باید بترسد، بعد هم دو دست دارد یکی برای

بنیاد در آن وقت شریف امامی بود که از نخست وزیری استعفا داده و به خارج رفته بود) شاه فقید پرسید چه کسی را پیشنهاد می‌کنید؟ من در این مورد مطالعه کرده بودم. و میر سید احمد امامی دادستان کل سابق و نایب التولیه و استاندار خراسان در زمان دولت دکتر مصدق را پیشنهاد کردم که بلافاصله قبول کرد و به اردلان وزیر دربار دستور داد ترتیب کار داده شود.

این پیشنهاد خیرخواهانه من متأسفانه به ضرر امامی که از قضات برجسته و شریف دادگستری بود تمام شد و پس از سقوط مملکت اموال او را مصادره کردند و هنگامی که برای استرداد منزلش مراجعه کرد به او گفتند چون منشی خمینی آنجا را تصرف کرده برگرداند نیست!

«محاکمه هویدا محاکمه رژیم است» پس از مدتی گفت و شنود تلفن مخصوص زنگ زد و کسی که حدس می‌زنم سهپید مقدم رئیس ساواک بود مطالبی گفت که البته ما نمی‌شنیدیم. در این موقع شاه خطاب به تلفن کننده گفت عده‌ای اینجا هستند که عقیده به بازداشت هویدا دارند. پس از آن دست روی گوشی تلفن گذاشت و با تبسم تلخی گفت «او هم می‌گوید از شام شب واجبتر است» بالاخره ایشان تلفنی به یک نفر که تصور می‌کنم ارتشید اویسی فرماندار نظامی تهران بود دستور بازداشت هویدا را صادر کرد. چون من اصرار به انحلال مجلس داشتم شاه فقید رو به من کرد و پرسید به نظر شما کدام خبر مهمتر است، انحلال مجلس یا بازداشت هویدا؟ عرض کردم این دو خبر را ممکن

→ زیرا بر عکس دوره جوانی قدری محتاط شده بودم و می‌دانستم برای گروهی که همه روزه علناً به بانکها و سینماها حمله می‌کنند و همه جا را آتش می‌زنند خراب کردن خانه محقر من بر سر همسر و فرزندانم کار مشکلی نیست.

عقاید واقعی و پیشنهادات بدون وا همه خود را یا در شرفیابیهای خصوصی به عرض می‌رساندم یا در جلسات منزل امام جمعه. توضیح این که یک مجلس محرمانه مشاورین هفته‌ای سه بار با شرکت سرلشکر پاکروان و سرتیپ صفاری و من در منزل مرحوم دکتر امامی (امام جمعه تهران) تشکیل می‌شد و مسائل را بررسی می‌کردیم و همگی معتقد به شدت عمل بودیم و هر کس زودتر شرفیاب می‌شد گزارش جلسه را به عرض اعلیحضرت می‌رساند اما ترتیب اثری داده نمی‌شد و بعدها، مخصوصاً وقتی کتاب پاسخ به تاریخ شاه فقید انتشار یافت همه فهمیدند که طبق توصیه سفرای امریکا و انگلیس (از راه دلسوزی و مصلحت اندیشی!) اعلیحضرت پذیرفته بودند راه حل مسائل ایران سیاسی است و نه نظامی.

به یاد دارم که مرحوم امام جمعه می‌گفت آخوندها قبلاً از چهار منبع ساواک، اوقاف، دربار و نخست وزیری پول می‌گرفتند و در زمان حکومت آموزگار همه اینها یک مرتبه قطع شد و در نتیجه آخوندهای ملایم و معتدل هم به آخوندهای جنجالی پیوستند مخصوصاً که از منابع دیگری هم برای کمک به انقلاب و توسعه اغتشاشات پول سرازیر شد.

بازداشت هویدا

قبل از آنکه من دوباره به دربار راه یابم می‌دیدم و می‌شنیدم که حکومت نظامی عده‌ای را بازداشت می‌کند. بعد ها فهمیدم که این بازداشتها برای «آرام کردن مردم» و بر مبنای پرونده‌هایی است که در بازرسی شاهنشاهی وجود دارد. این اقدامات به نظر من غیر لازم و حتی زیانبخش بود و موجب می‌شد که طرفداران رژیم هم از بیم گرفتار شدن خود را کنار بکشند یا از کشور خارج شوند. شاید هم دانسته یا ندانسته مقصود اصلی طراحان این برنامه همین بود.

جلسات مشاوران در یکی از اتاقهای کاخ نیاوران تشکیل می‌شد و خلاصه تصمیمات به عرض شاه فقید می‌رسید. یک روز این جلسه در حضور شاه فقید تشکیل شده و موضوع بازداشت هویدا مطرح بود. شاه فقید مطلبی را که قبلاً هم از زبان دیگران شنیده بود تکرار کرد و گفت



مکالمه شاه و شهبانو

موضوع مکالمه و مشاجره شاه فقید و شهبانو فرح که در کتابهای میلانی آمده بکلی بی‌اساس است زیرا من تا آخر جلسه در آنجا بودم و با آقای دکتر نهاوندی از در کاخ نیاوران خارج شدیم و ناظر تمام جریانات روز بودم و چنین امری روی نداد. مطالبی که نویسنده کتاب «معمای هویدا» از قول من نوشته که شاه می‌خواست هویدا را بازداشت کند و برای متقاعد کردن «مشاوران» حتی تلفنی که به شاه شد صحنه سازی بود کذب محض است و هر چه فکر می‌کنم نمی‌توانم علت این دروغ را درک کنم. قطعاً کسی که از طریق مصاحبه تلفنی با اشخاص کتابی آنهم بدین اهمیت می‌نویسد نوارهای مکالمه را نگه داشته و خوبست با مراجعه به آن نوارها این اشتباه را هر چه زودتر شرافتمندانه جبران کند. مگر ما «مشاوران» قضات یک دادگاه مستقل در کشورهای غربی بودیم که شاه بنا به اظهار نویسنده کتاب می‌خواست با «صحنه سازی» ما را به صدور رأی مبنی بر بازداشت هویدا متقاعد کند؟

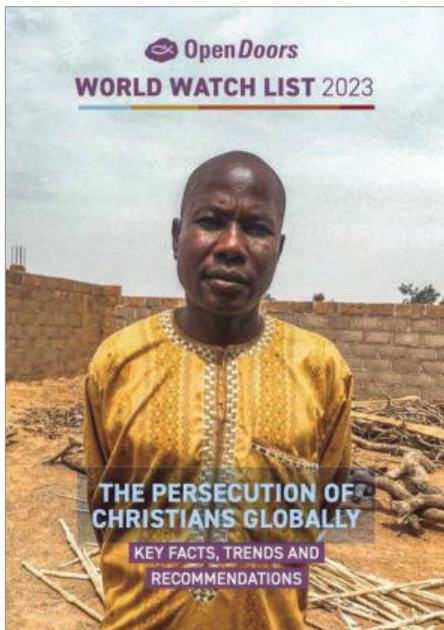
این نکته بسیار جالب توجه است که هویدا اگر هم در بازداشت نبود از ایران خارج نمی‌شد. حتی عده‌ای از دوستان خود را هم تشویق به ماندن در ایران کرد. پروفیسور پویان وزیر بهداشتی کابینه هویدا که با تحمل مشقات فراوان خود را به خارج رسانده بود در پاریس به من گفت که هویدا عقیده داشت باید در ایران ماند زیرا اگر شاه برگشت ما عزیزتر می‌شویم و اگر «انقلاب اسلامی» پیروز شد اینها کسی را برای اداره مملکت ندارند و ناگزیر به سراغ ما می‌آیند. اگر این مطلب را خودم از پویان نشنیده بودم باور نمی‌کردم.

است در دو روز منتشر کرد. در پایان جلسه که همگی ایستاده بودیم من از شاه فقید پرسیدم دخالت اعلیحضرت همایونی در بنیاد پهلوی چه اندازه است؟ شاه فقید با لحن تأثر گفت: هیچ! حتی آن دو درصد پیش بینی شده در اساسنامه را من نگرفتم. عرض کردم پس چرا چوب آن را می‌خوردید و رئیس بنیاد پهلوی را عوض نمی‌کنید؟ (رئیس



هویدا و شریف امامی

جمهوری اسلامی در فهرست ده کشوری که مسیحیان را سرکوب می‌کنند



«البته در ایران تنها اقلیت‌های مذهبی سرکوب نمی‌شوند. ما امروز شاهد اعتراض گسترده مردم در پیامد قتل مهسا امینی هستیم، معترضینی که مخالف اجبارهای حکومتی از حجاب اجباری تا ایدئولوژی اجباری هستند و می‌خواهند طبق میل و عقیده خود زندگی کنند.» این فعال حقوق مسیحیان در همین رابطه می‌افزاید «مردم امروز با خواست رهائی از اجبارها به خیابان آمده‌اند و خواست اصلی‌شان زندگی در رفاه و آزادی و بدون اجبارهای حکومتی است و در این راستا به اتحادی کم‌نظیر دست یافته‌اند. ما شاهد هستیم که ایرانی‌ها همه یک هدف را دنبال می‌کنند: آزادی.» دابرینا بت‌تمرز می‌گوید شک ندارد که با «چنین اتحاد گسترده‌ای به این هدف مشترک دست خواهند یافت و پایان این حکومت سرکوبگر و مخالف آزادی را رقم خواهند زد.»

دابرینا بت‌تمرز جامعه جهانی را متهم می‌کند که «حمایت از خواست‌های مردم ایران را در سطح حداقلی و خیلی کمتر از آنچه باید انجام می‌دهد.» او در ادامه می‌افزاید «اولویت بسیاری از کشورها منافع خوشان است و با آغاز جنگ اوکراین و روسیه، غرب وضعیت حقوق بشر در ایران را در محاسبات خود مد نظر ندارد و منظورم تنها حقوق مسیحیان یا دیگر اقلیت‌های مذهبی نیست. متأسفانه جامعه جهانی در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران و زیر پا گذاشتن کلیه معاهدات بین‌المللی که جمهوری اسلامی امضای خود را زیر آن گذاشته است نیز هیچ واکنش جدی از خود نشان نمی‌دهد و تهران را برای عدم اجرای این معاهدات به پرسش نمی‌کشد. غرب و اروپا در هر مذاکره‌ای با جمهوری اسلامی باید بخواهند که این حکومت به تعهدات خود در مورد حقوق بشر و حقوق اقلیت‌های دینی عمل کند.»

حکومت ایران که کلیساهای فارسی‌زبان را تعطیل کرده، با حمله به کلیساهای خانگی و منازل مسیحیان، آنها را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهد. مسیحیان فارسی‌زبان پرسش ساده‌ای از حکومت ایران داشته و دارند: «من مسیحی فارسی‌زبان کجا می‌توانم عبادت کنم که کارم به زندان ختم نشود؟!»

در جمهوری اسلامی مسیحیان آشوری و ارامنه در کنار یهودیان و زرتشتیان به رسمیت شناخته شده و دارای نمایندگانی در مجلس شورای اسلامی هستند. نمایندگان برای حفظ موقعیت خویش مجبورند طوطی‌وار اتهامات مقامات جمهوری اسلامی را در مورد کسانی که قرار است آنها را نمایندگی کنند، تکرار کنند. نماینده سابق آشوری‌ها اخیراً کلیسای تبشیری را که عمدتاً نوکیشان مسیحی را در بر می‌گیرد «غده سرطانی» خوانده است. جمهوری اسلامی مدعی است که ارمنی‌ها و آشوری‌ها از آزادی کامل برای اجرای مراسم دینی خود و حقوق شهروندی برخوردارند، در حالی که در ۴ دهه گذشته همیشه با تبعیض شدید و ساختاری روبرو بوده‌اند و بسیاری مجبور به ترک کشور شده‌اند.

در جمهوری اسلامی بسیاری از پیروان مسیحیت، به ویژه پیروان کلیساهای انجیلی و نوکیشان مسیحی تهدیدی برای «امنیت ملی» به حساب می‌روند و آنها را متهم به جاسوسی برای آمریکا و اسرائیل می‌کنند. حکومت ایران دهه‌هاست که کلیساهای فارسی‌زبان را تعطیل کرده و مسیحیانی را که برای نیایش در خانه جمع می‌شوند بازداشت می‌کند. دابرینا بت‌تمرز در گفتگوی اختصاصی با کیهان لندن می‌گوید «ایران یکی از ۵۰ کشوری است که در آنها به مسیحیان جفا می‌شود و پیروان مسیحیت هدف سرکوب قرار دارند. در ده سال گذشته جمهوری اسلامی همیشه در فهرست ده کشوری قرار داشته که با شدت پیروان مسیحیت را سرکوب می‌کند و امسال نیز در جایگاه هشتم است.» دابرینا بت‌تمرز در ادامه یادآوری می‌کند که «در جمهوری اسلامی نه تنها مسیحیان بلکه پیروان کلیه مذاهب غیر از مذهب رسمی تحت ستم قرار دارند و سرکوب می‌شوند و در شرایط سختی بسر می‌برند.»

وی در همین رابطه به بازداشت ۱۳۰ مسیحی در سال گذشته میلادی اشاره می‌کند که «نیمی از آنها هنوز در زندان هستند و برخی به خاطر تعلقات مذهبی حتی به ده سال زندان محکوم شده‌اند.» دابرینا بت‌تمرز در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌گوید

● سازمان جهانی «درهای باز» از گزارش سالانه خود در رابطه با سرکوب مسیحیان در جهان در نشست در پارلمان اروپا با محوریت ایران رونمایی کرد.

● در این گزارش، ایران یکی از ۵۰ کشوری است که پیروان مسیحیت در آن هدف سرکوب حکومت قرار دارند. در ده سال گذشته جمهوری اسلامی همیشه در فهرست ده کشور سرکوبگر مسیحیان قرار داشته و امسال در رده هشتم است.

● در ۴ دهه گذشته مسیحیان ایران همیشه با تبعیض شدید و ساختاری روبرو بوده‌اند و بسیاری از آنها چون دابرینا بت‌تمرز مجبور به ترک کشور شده‌اند.

● در سال گذشته میلادی دست‌کم ۱۳۰ مسیحی بازداشت شده‌اند که نیمی از آنها هنوز در زندان هستند و برخی حتی به ده سال زندان محکوم شده‌اند. اتهام بسیاری از آنها «اقدام علیه امنیت ملی» و «جاسوسی برای آمریکا و اسرائیل» است.

احمد رأفت - به مناسبت انتشار گزارش سالانه سازمان جهانی مسیحی «درهای باز» (Open Doors)، نشست در پارلمان اروپا در بروکسل با محوریت ایران برگزار شد. سخنران مهمان در کنار تنی چند از نمایندگان پارلمان اروپا و اعضای سازمان «درهای باز»، دابرینا بت‌تمرز، دختر روحانی آشوری ویکتور بت‌تمرز بود.

دابرینا بت‌تمرز پس از خروج اجباری از ایران در پیامد بازداشت و زندان به اروپا آمد و در کشور سوئیس مستقر شد. پدرش ویکتور بت‌تمرز به اتهام «فعالیت تبشیری»، «فعالیت غیرقانونی تشکیل کلیسای خانگی»، و «اقدام علیه امنیت ملی» به ده سال زندان محکوم شد. اتهام مادرش شامیرام عیسوی نیز «اقدام علیه امنیت ملی» به دلیل شرکت در کلیساهای خانگی بود که حکم پنج سال حبس دریافت کرد. برادرش رامئیل هم با اتهامات مشابه ۴ ماه را در زندان گذراند. خود دابرینا نیز در زندان و پس از آزادی بارها تهدید به تجاوز شده بود و بهمین دلیل ایران را ترک کرد.

آنها چشم خود را از دست دادند اما «شوق آزادی» رانه: «همیرد دلی که بترسد»



شماری از شهروندان که چشم خود را در تظاهرات از دست دادند با هم دیدار کردند

نیلوفر می‌نویسد: «هیچکس و هیچ چیز بر زنی که با خواندن کتاب و شعر، گوش دادن به موسیقی و نوشیدن قهوه، حالش خوب می‌شود، پیروز نخواهد شد.»

حسین عابدینی پسر جوان ۲۰ ساله که بعد از سه بار عمل، پزشکان موفق به بازگرداندن بینایی او نشدند با انتشار عکسی از خود نوشته است: «این چشم نابینا حقیقت تاریک این جهان را خواهد دید.»

کوثر (مهبانو) خشنودی کیا ورزشکار اهل کرمانشاه که نایب قهرمان تیراندازی آسیا بود از جمله کسانی است که یک چشم خود را در تظاهرات از دست داده است. او در ویدئویی گفته نه تنها پشیمان نیست بلکه از اینکه به خاطر یک هدف بینایی چشم خود را از دست داده «احساس غم» ندارد. او می‌گوید: «همیرد دلی که بترسد.»

چند هفته پیش از این ۱۴۰ پزشک متخصص چشم در نامه‌ای به رئیس انجمن چشم‌پزشکی ایران اعلام کردند تعداد زیادی از شهروندان بر اثر اصابت ساچمه و گلوله پینت‌بال در اعتراضات بینایی یک یا هر دو چشم خود را از دست داده‌اند.

آنها شهادت دادند تعداد زیادی از بیماران با صدمات چشمی در اثر اصابت گلوله به مراکز درمانی مراجعه کرده‌اند. به گفته این متخصصان، در بسیاری از موارد ضربه وارده منجر به از بین رفتن بینایی یک یا هر دو چشم این شهروندان شده است.

سردار پاسدار حسن کرمی که یکی از مقامات مسئولی است که نقش اصلی در سرکوب مردم معترض را دارد در یادداشتی که در روزنامه «همشهری» روز ۱۱ بهمن منتشر کرد به دفاع از عملکرد خود و نیروهای تحت امرش پرداخته و ادعا کرده است «در مرام آنها نیست با مردم رفتار غیرحرفه‌ای داشته باشند!» و تأکید کرد هرکسی ثابت کند ما کسی را کشتیم به او جایزه خواهیم داد!

اعلام کرد که بررسی‌های این سازمان نشان می‌دهد که شلیک نیروهای جمهوری اسلامی به سر و صورت معترضان که منجر به نابینایی شماری از آنان شده کاملاً هدفمند و سیستماتیک انجام شده است.

در این گزارش با اشاره به تعداد زیاد شهروندانی که چشم خود را در اعتراضات از دست داده‌اند تأکید شده شلیک به سر و صورت معترضان اقدامی «نظام‌مند» بوده است.

محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران در این‌باره می‌گوید «یکی از مهم‌ترین گام‌ها در راستای دادخواهی برای قربانیان نقض حقوق بشر و اجرای عدالت آشکار کردن ابعاد جنایات از طریق مستندسازی است؛ و این امر مستلزم همکاری و مشارکت همه شهروندان است.» وی تأکید کرده که «علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگر تحت فرمان او باید بدانند که از هیچ‌یک از جنایاتشان چشم‌پوشی نخواهد شد و باید در قبال تمام جنایاتشان پاسخگو باشند.»

طبق این گزارش، چشم‌پزشکان سه بیمارستان تهران (فارابی، رسول اکرم و لبافی‌نژاد) در مجموع بیش از ۵۰۰ بیمار با آسیب چشمی را در جریان اعتراضات پذیرش کردند. پزشکان در استان کردستان نیز از دست‌کم ۸۰ مورد پذیرش مجروحان چشم خبر داده‌اند.

بسیاری از آنهایی که با مصادومیت‌ها و نقض عضوهای مشابه مواجه شده‌اند از اینکه آن را اعلام کنند بیم دارند. سازمان حقوق بشر ایران از آنهایی که با وضعیت مشابه روبرو هستند خواسته تا اطلاعات خود را برای تکمیل این پرونده در اختیار آن سازمان قرار دهند.

اخیراً نیلوفر آقایی متخصص مامایی که در تجمع اعتراضی پزشکان با شلیک مستقیم مأموران امنیتی یک چشم خود را از دست داد، تصویری از خود به همراه الهه توکلیمان معترضی که او نیز چشم خود را در تظاهرات از دست داده منتشر کرد.

● سازمان حقوق بشر ایران با انتشار گزارشی تکانه‌دهنده اعلام کرد که بررسی‌های این سازمان نشان می‌دهد که شلیک نیروهای جمهوری اسلامی به سر و صورت معترضان که منجر به نابینایی شماری از آنان شده کاملاً هدفمند و سیستماتیک انجام شده است.

● نیلوفر آقایی متخصص مامایی که چشم خود را در تظاهرات از دست داده می‌گوید «هیچکس و هیچ چیز بر زنی که با خواندن کتاب و شعر، گوش دادن به موسیقی و نوشیدن قهوه، حالش خوب می‌شود، پیروز نخواهد شد.»

● حسین عابدینی جوان ۲۰ ساله با انتشار عکسی از خود نوشت: «این چشم نابینا حقیقت تاریک این جهان را خواهد دید.»

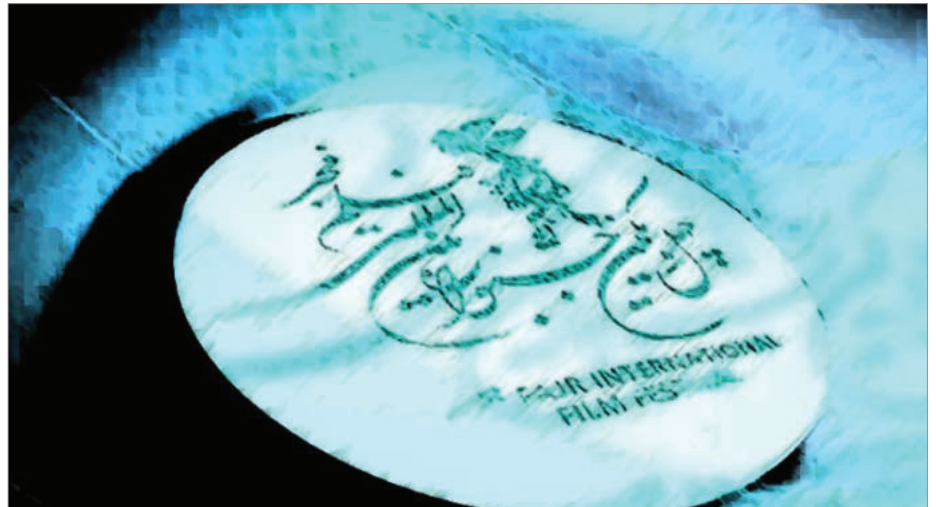
● کوثر (مهبانو) خشنودی کیا ورزشکار اهل کرمانشاه که نایب قهرمان تیراندازی آسیا بود در ویدئویی گفته نه تنها پشیمان نیست بلکه از اینکه به خاطر یک هدف بینایی چشم خود را از دست داده «احساس غم» ندارد. او می‌گوید: همیرد دلی که بترسد.

در جریان خیزش ضدحکومتی اخیر در ایران حدود ۶۰۰ نفر جان باختند و شمار زیادی از معترضان به دلیل اصابت انواع گلوله از جمله گلوله‌های ساچمه‌ای و پلاستیکی دچار نقض عضو شدند.

بر اساس گزارش شاهدان عینی مأموران بی‌رحمانه بارها از فاصله نزدیک معترضان را هدف قرار دادند. در همین هفته‌های اخیر مشخص شد خیلی‌ها هستند که در استان‌های مختلف دست‌کم یک چشم خود را به دلیل اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای از دست داده‌اند. شماری از آنها یکدیگر را در شبکه‌های اجتماعی پیدا می‌کنند و از دردها و انگیزه‌های مشترک خود می‌گویند.

سازمان حقوق بشر ایران با انتشار گزارشی تکانه‌دهنده

صندلی‌های خالی «فجر» و اعلام شرکت فیلم‌های خارجی بدون اجازه و اطلاع سازندگانشان!



که جشنواره حکومتی «فجر» را تحریم کرده‌اند و یا در ۴ ماه گذشته در کنار مردم قرار گرفتند و از قیام «زن، زندگی، آزادی» حمایت کردند تهدید به «برخورد قضائی» کرده و به ویژه هنرپیشگان زن را که در این هفته‌ها بدون حجاب در خیابان و مراسم مختلف حاضر شدند تهدید به زندان می‌کند. البته برخی از این بازیگران زن در هفته‌های گذشته به علت بی‌حجابی بازداشت و زندانی هم شدند، که از جمله می‌توان به ترانه علیدوستی، کتابون ریاحی و هنگامه قاضیان اشاره کرد.

به گفته مهدی کوهیان مستندساز و تهیه‌کننده، که مسئولیت کمیته پیگیری هنرمندان بازداشتی را در «خانه سینما» بر عهده دارد، از نیمه سپتامبر تا کنون بیش از ۱۵۰ سینماگر معروف و کمتر شناخته شده از سوی دستگاه قضائی احضار شده‌اند. ۴۰ نفر آنها نیز پس از احضار بازداشت شدند و تا ۲۸ ژانویه ۱۳ نفر هنوز در زندان بوده‌اند. البته این آمار سینماگران سرشناس چون محمد رسول‌اف، جعفر پناهی و مصطفی آل‌احمد را که قبلاً بازداشت شده بودند در بر نمی‌گیرد. محمد رسول‌اف این روزها به خاطر وضعیت نگران‌کننده سلامتی‌اش در مرخصی بسر می‌برد و مصطفی آل‌احمد نیز به قید وثیقه آزاد شده و در انتظار برگزاری دادگاه است. اما کارگردان سرشناس ایرانی، جعفر پناهی، با وجود درخواست بهداری زندان هنوز نتوانسته برای درمان زندان اوین را ترک کند و ۱۲ بهمن اعتصاب غذای خشک را آغاز کرده است. جعفر پناهی در اعلام اعتصاب غذای خشک می‌گوید: «آنقدر در این وضعیت باقی خواهم ماند، تا شاید جسم بی‌جانم از زندان رهایی یابد.»

خانه سینما با انتشار بیانیه‌ای درباره وضعیت سلامت جسمی جعفر پناهی و مژگان ایلانلو، دیگر فیلمساز زندانی، ابراز نگرانی کرده است. در متن این بیانیه که ۱۳ بهمن منتشر شده، ادامه حضور جعفر پناهی و مژگان ایلانلو در زندان، «خلاف مسیر قانونی» عنوان شده و ضمن «ابراز نگرانی شدید» از وضعیت سلامتی این دو سینماگر و جلوگیری از «هزینه‌های بیشتر» از مسئولان قضائی و امنیتی خواسته شده که آنها را «سریع» و «بی‌قید و شرط» آزاد کنند. مژگان ایلانلو مستندساز و فعال اجتماعی که اواخر مهرماه

جشنواره اختیاری داشتیم مانع حضور آن می‌شدیم.» هانیبه توسلی نیز در حساب کاربری خود در اینستاگرام می‌نویسد «در نقش کوتاهی حدود پنج سکانس در فیلم «چرا گریه نمی‌کنی» بازی کردم و در چند ماه گذشته برخلاف عنوان این فیلم خیلی گریه کردم و توان روحی و روانی شرکت و حضور در جشنواره را ندارم.»

کارگردان «چرا گریه نمی‌کنی» نیز مخالف حضور فیلم‌اش در این جشنواره است و می‌گوید «تهیه‌کننده بدون اطلاع و موافقت من این فیلم را در این جشنواره ثبت نام کرد و هربار از او در اینباره پرسیدم به دروغ این مسئله را انکار کرد.» تهیه‌کننده «چرا گریه نمی‌کنی» سیدرضا محقق است که پدر همسرش عدل هاشمی‌پور از فرماندهان سپاه انقلاب اسلامی و نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی است.

کیومرث پوراحمد کارگردان فیلمی با عنوان «پرونده باز است» نیز در نامه‌ای که نسخه‌ای از آن در اختیار کیهان قرار گرفت، نوشته بود «چند سال است که جشنواره فیلم فجر دیگر جشن سینمای ایران نیست بلکه جشن دو سه ارگان خاص است. در این چند ساله جشنواره برای من هیچ ارزش و اهمیتی نداشته، بخصوص در این سال خونبار و دردناک، اما مالک فیلم تهیه‌کننده است.»

این کارگردان در خاتمه می‌نویسد «با اینهمه داغی که در دل داریم، دیگر چه جشنی و چه جشنواره‌ای.»

بسیاری دیگر از سینماگران هم اگرچه فیلمی در این جشنواره ندارند، ولی حاضر نیستند حتی به عنوان تماشاگر نیز قدم به آن بگذارند. یکی از آنها علی نصیریان از پیشکسوتان سینما و تئاتر ایران است. رضا کیانیان دیگر بازیگر سینمای پس از انقلاب نیز اعلام کرده است که اگرچه این جشنواره با تحریم می‌کند ولی در آن حضور نخواهد یافت. برخورد برخی از مقامات جمهوری اسلامی با فرشته حسینی یکی از هنرپیشگان «چرا گریه نمی‌کنی» نیز واقعا خجالت‌آور است. آنها فرشته حسینی را که اگرچه تابعیت ایران را دارد ولی افغان‌تبار است، با جملاتی که بوی متعفن نژادپرستی می‌دهد مورد حمله قرار دادند.

محمد خزائی رئیس سازمان سینمایی وابسته به وزارت ارشاد اسلامی تمام عوامل این فیلم و دیگر سینماگرانی را

تمام نقش‌آفرینان فیلم «چرا گریه نمی‌کنی» اعلام کردند که نه تنها مخالف اکران این فیلم در جشنواره هستند بلکه در آن حضور نخواهند یافت.

کیومرث پوراحمد کارگردان فیلمی با عنوان «پرونده باز است» نیز در نامه‌ای که نسخه‌ای از آن در اختیار کیهان قرار گرفت، نوشته بود «چند سال است که جشنواره فیلم فجر دیگر جشن سینمای ایران نیست بلکه جشن دو سه ارگان خاص است. در این چند ساله جشنواره برای من هیچ ارزش و اهمیتی نداشته، بخصوص در این سال خونبار و دردناک، اما مالک فیلم تهیه‌کننده است.»

با تحریم گسترده جشنواره حکومتی «فجر» آثاری نیز که با حضور فیلم خود در این جشنواره مخالفت نکرده‌اند، از حضور در اکران آن و نشست خبری طفره رفتند.

چند سینماگر سرشناس بین‌المللی نیز اعلام کرده‌اند که از نمایش آثارشان در جشنواره فیلم «فجر» بی‌اطلاع بوده‌اند. ژان پی‌یر و لوک داردن کارگردانان سرشناس بلژیکی با صدور بیانیه‌ای خواستار فحش داده نشدن فیلم‌شان در جشنواره فیلم «فجر» شدند.

احمد رأفت - ۴۱امین جشنواره سینمایی- حکومتی «فجر» ۱۲ بهمن آغاز به کار کرد. امسال با توجه به خیزشی که از اواخر شهریورماه پس از قتل مهسا (ژینا) امینی که سه روز بعد از بازداشت وی به دلیل «بدحجابی» آغاز شده، بسیاری از سینماگران سرشناس ایرانی و خارجی نه تنها در این جشنواره شرکت نمی‌کنند بلکه رسماً آن را تحریم کرده‌اند. تمام نقش‌آفرینان فیلم «چرا گریه نمی‌کنی» اعلام کردند که نه تنها مخالف اکران این فیلم در جشنواره هستند بلکه در آن حضور نخواهند یافت. در این فیلم که توسط علیرضا معتمدی کارگردانی شده، شماری از چهره‌های معروف سینما ایران چون هانیبه توسلی، فرشته حسینی، نهال دشتی، باران کوثری، امیرحسین فتحی، علی مصفا و مانی حقیقی حضور دارند.

این نقش‌آفرینان در بیانیه مشترکی می‌نویسند «اگر در چند سال اخیر از جشنواره فجر پرهیزی می‌کردیم امسال از دیدن نام خود در آن ننگ داریم و اگر در ارائه فیلم به

→ به دلیل انتشار تصاویر بدون حجاب در شبکه‌های اجتماعی بازداشت شده بود، از سوی دادگاه انقلاب به ۱۰ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. این مستندساز هم‌اکنون با پای شکسته در زندان بسر می‌برد. خانه سینما احکام صادرشده علیه این فیلمساز را «تحقیرآمیز» خوانده است.

در این ماه‌ها بسیاری از سینماگران نیز ممنوع‌الخروج شده‌اند که آخرین آنها مسعود کیمیائی یکی از معروف‌ترین کارگردانان ایران است. مسعود کیمیائی ۸۱ ساله قرار بود برای اکران آخرین فیلم‌اش «خائن‌کشی» در جشنواره روتردام راهی هلند شود، ولی در فرودگاه خیردار شد که حق خروج از کشور را ندارد. ۲۳ مهر نیز در فرودگاه تهران پاسپورت مانی حقیقی را که قرار بود در جشنواره سینمائی لندن برای اکران «تفریق» حضور پیدا کند توقیف کردند. در دو سال گذشته بسیاری از سینماگران ایرانی به همین سرنوشت دچار شدند و نتوانستند در جشنواره‌های بین‌المللی حضور پیدا کنند.

حالا با تحریم گسترده جشنواره حکومتی «فجر» آنتهای نیز که با حضور فیلم خود در این جشنواره مخالفت نکرده‌اند، از حضور در اکران آن و نشست خبری طفره رفتند. نشست خبری فیلم «جنگل پرتقال» در محل سینمای رسانه جشنواره فیلم «فجر» با حضور تهیه‌کننده و بدون حضور بازیگران و عوامل فیلم برگزار شد و تنها رسول صدر عاملی تهیه‌کننده و آرمان خوانساریان کارگردان پشت میز قرار گرفتند.

چند سینماگر سرشناس بین‌المللی نیز اعلام کرده‌اند که از نمایش آثارشان در جشنواره فیلم «فجر» بی‌اطلاع بوده‌اند. ژان پی‌یر و لوک داردن کارگردانان سرشناس بلژیکی با صدور بیانیه‌ای خواستار نمایش داده نشدن فیلم‌شان در جشنواره فیلم «فجر» شدند.

برادران داردن با انتشار بیانیه‌ای در روزنامه بلژیکی «لو سوار» اعلام کردند تازه‌ترین فیلم آنها با نام «توری و لکیتا» بدون اجازه آنها در فهرست فیلم‌های خارجی جشنواره تحریم شده‌ی «فجر» قرار گرفته است. برادران داردن با توجه به قیام «زن، زندگی، آزادی» در این بیانیه نوشته‌اند: «ما در اعلام همبستگی در کنار آنتهای ایستاده‌ایم که در برابر این رژیم می‌جنگند و به شجاعت‌شان درود می‌فرستیم».

کامیلا اندینی نویسنده و فیلمساز اندونزیایی هم روز پنجشنبه اعلام کرد فیلم «قبل، اکنون و بعد» تازه‌ترین ساخته‌اش، بدون اطلاع و اجازه او در فهرست فیلم‌های خارجی جشنواره فیلم فجر قرار گرفته و خواهان خروج این فیلم از برنامه نمایش جشنواره «فجر» شد. کریستین مونچو کارگردان رومانیایی هم خواهان حذف فیلم‌اش در جشنواره «فجر» شده است. مونچو اعلام کرده که فیلم او بدون اجازه و اطلاع او در برنامه نمایش این جشنواره قرار گرفته است. آلیس دیوپ نویسنده و کارگردان سرشناس فرانسوی هم در اعتراض به اکران فیلم‌اش در جشنواره «فجر» می‌گوید: «تصور حضور فیلم من در جشنواره‌ای که توسط رژیم برگزار می‌شود که سال‌هاست سیاست خشونت و سرکوب علیه مردم خود را اعمال می‌کند، غیرممکن است.» این سینماگر فرانسوی در ادامه با اشاره به بازداشت سینماگران معترض می‌افزاید جمهوری اسلامی «سینماگران را به خاطر شجاعت‌شان در بیان درخواست آزادی زندانی می‌کند».

عادل العربی و بلال فلاح سازندگان فیلم «شورش» محصول مشترک بلژیک و لوکزامبورگ نیز با انتشار بیانیه‌ای گفتند از نمایش فیلم‌شان در جشنواره «فجر» بی‌اطلاع بوده‌اند و در حال خارج کردن آن به صورت رسمی هستند. آنها ضمن اعلام همراهی با معترضان ایرانی نوشته‌اند که «فشار حکومت بر مردم و هنرمندان به حداکثر رسیده».

نامه شماری از زندانیان سیاسی به سازمان ملل متحد، رؤسای جمهور، پادشاهان و رهبران کشورهای جهان:

ما وکالت می‌دهیم!



شده و خفقان به جناب آقای رضا پهلوی که برای ما نهاد و الگوی شرافت، انسانیت، عدالت و آزادگیست وکالت می‌دهیم در خصوص مراودات، مذاکرات، مناسبات، فراخوان‌ها، پیمان‌ها، انتخابات و هرگونه برنامه‌ریزی و عملکرد در راستای ساقط کردن رژیم معلوم‌الحال و روی کار آمدن حکومت مردمی که برای جهانیان نیز بی‌ضرر و مفید است، اقدامات لازم را به عمل آورد.

بدینوسیله به جهانیان اعلام می‌داریم.

جناب آقای رضا پهلوی نماینده رسمی و وکیل ما در انقلاب جاری و در حال انجام ایران می‌باشند. تأکید می‌نماییم جناب شاهزاده رضا پهلوی را برای مدیریت انقلاب فعلی ایران به رسمیت می‌شناسیم و برای رهبری آن ایشان را که معرف جهانیان می‌باشند وکالت می‌دهیم.

همچنین از سازمان‌های بین‌المللی و تمام کشورها رسماً دعوت می‌نماییم در روند انقلاب امروز تا براندازی جمهوری اسلامی و روی کار آمدن حکومت مردمی تحت انتخابات آزاد، تمام سازوکارها و مذاکرات و روابط خود را در رابطه با ایران فردا با جناب آقای رضا پهلوی و نمایندگان معرفی شده از سوی ایشان تنظیم نمایند.

به امید صلح جهانی و ایران آزاد.

امضاکنندگان:

● در راستای انقلاب اجتماعی و سیاسی فعلی ایران، ما زندانیان سیاسی در بند رژیم کودک‌کش جمهوری اسلامی با دستان بسته از زندان‌ها و جامعه‌ی سرکوب شده و خفقان به جناب آقای رضا پهلوی که برای ما نهاد و الگوی شرافت، انسانیت، عدالت و آزادگیست وکالت می‌دهیم در خصوص مراودات، مذاکرات، مناسبات، فراخوان‌ها، پیمان‌ها، انتخابات و هرگونه برنامه‌ریزی و عملکرد در راستای ساقط کردن رژیم معلوم‌الحال و روی کار آمدن حکومت مردمی که برای جهانیان نیز بی‌ضرر و مفید است، اقدامات لازم را به عمل آورد.

● تأکید می‌نماییم جناب شاهزاده رضا پهلوی را برای مدیریت انقلاب فعلی ایران به رسمیت می‌شناسیم و برای رهبری آن ایشان را که معرف جهانیان می‌باشند وکالت می‌دهیم. درود بر فرزندان نیک‌سرشت آدم و حوا در سراسر جهان مقامات سازمان ملل متحد، رؤسای جمهور، پادشاهان و رهبران کشورهای جهان.

همه شما می‌دانید بیش از ۴۳ سال است که برادران و خواهران شما در ایران به واسطه‌ی رژیم تروریستی و جنایتکار جمهوری اسلامی گروگان گرفته شده‌اند و در راه آزادی ایران در چهار دهه‌ی اخیر هزاران نفر توسط این رژیم ترور و اعدام شده‌اند. اکنون نیز بیش از چهار ماه است در سراسر ایران، مردم یکسره فریاد جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم سر می‌دهند و خواستار انقلاب بنیادین و سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی می‌باشند.

اما در پاسخ با قتل آشکار و اعدام و زندان مواجه می‌شوند و شما فرزندان آزادیخواه آدم در سراسر جهان از درد و رنج و خواست ملت ایران همانند هولوکاست کاملاً آگاه هستید و نیک میدانید مکتب انسان‌سالار کوروش بزرگ برای آزادی مردم جهان پندار، گفتار و کردار نیک به همراه داشت. امروز نیز فرزندان کوروش در ایران با منشور حقوق بشر برای مردم جهان آرزوی برابری و آزادی دارند، اما آیا شایسته است خود، اینگونه در چنگال رژیم سراسر پلیدی گرفتار باشند؟ شما مردم و کشورهای آزاد جهان بهتر می‌دانید برای انقلاب و مناسبات آن در راستای صلح و ثبات و منافع جهانی و برای رسیدن به دموکراسی، رهبری شایسته، انسان دوست، صلح‌طلب و مردمی نیاز است.

به همین منظور و در راستای انقلاب اجتماعی و سیاسی فعلی ایران، ما زندانیان سیاسی در بند رژیم کودک‌کش جمهوری اسلامی با دستان بسته از زندان‌ها و جامعه‌ی سرکوب

رضا نوروزی

مجتبی توکل

مصطفی رضائی

محسن صادق پور کرد مهین

صادق قمیدی

آرشام رضایی

شهرزاد رمضان افشار

مهدی ساور اولیا

مجید روشن نژاد

میثم محمدی اقدم

محمد دانایی

محمد ترکمانی

علی موسی نژاد فرکوش

رضا محمد حسینی

سهراب حسن خانی

حجت الله رافعی

علی اصغر حسینی راد

حمیدرضا حسینی

میلا حسینی

سیروس قرچه

سعید نسیمی

حجت الله رافعی

رضا صلواتی

مجید حسینی نژاد

شهرام حمزه ای

مهدی قراقرزلو

احسان زندیه

عظیم علینژاد

ناصر ناصر

علی اصغر حسینی راد

سید مهدی مصطفوی

رضا احمدی

زهره داوری

شکیلا منفرد

رضا سلمانزاده

سمانه سعیدی شاه کیله

میثم غلامی

محبوبه رضایی

بیژن رضایی



تشییع جنازه یکی از نیروهای «مدافع حرم» در گرمسار

اطلاعات محموله‌های تسلیحاتی ارسالی جمهوری اسلامی به سوریه را از داخل ایران به اسرائیل لو می‌دهند

می‌گوید که بسیاری از سوریه‌ها، از جمله برخی در ارتش، از رفتار رژیم ایران در داخل کشور خود راضی نیستند و بسیاری از این حملات که به روحیه بشار اسد لطمه می‌زند نگران هستند. با این حال او اعتقاد دارد که بعید است تنش‌ها بین تهران و دمشق باعث ایجاد شکاف جدی بین این دو متحد شود. لندیس تاکید می‌کند که تصمیم ایران برای توقف فروش نفت ارزان به سوریه، بحران اقتصادی شدید در داخل سوریه را تشدید کرده و مردم را به شدت ناراضی می‌کند و هیچ راه قابل پیش‌بینی برای خروج از این مارپیچ باقی نمی‌گذارد.

این استاد دانشگاه استدلال می‌کند: «تنش‌ها بدتر هم شده است، زیرا تحریم‌ها علیه روسیه و ایران و فشار نظامی بر ایران با آخرین حمله [به کاروان ایران در نزدیکی پاسگاه مرزی البوکمال] به نظر می‌رسد که اوضاع بدتر هم خواهد شد.»

مهرداد خونساری تحلیلگر ایرانی مقیم لندن به صدای آمریکا می‌گوید که کاهش کمک‌های ایران به سوریه به دلیل «مسدود شدن پول ایران به دلیل بن‌بست در احیای برجام است. او استدلال می‌کند که سپاه پاسداران «می‌خواهد توافق هسته‌ای را احیا کند تا بتواند از برخی منابع خود در مناطقی مانند سوریه استفاده کند.»

با اینهمه خوانساری در مورد شکاف جدی بین تهران و دمشق تردید دارد. او با طرح این پرسش که «اسد به چه کسی بیشتر از ایرانی‌ها می‌تواند اعتماد کند؟» می‌گوید: «شاید در حال حاضر وضعیت ایده‌آلی نباشد، اما اگر به ۱۰ یا ۱۵ سال گذشته نگاه کنید، ایران قابل اعتمادترین شریکی بوده است که او داشته است.»

در جریان چند حمله هوایی به کاروان‌های تسلیحاتی ارسالی از جمهوری اسلامی به سوریه اطلاعات آنقدر دقیق بود که از میان چند کامیون که در مسیر حرکت می‌کردند، همانهایی که حامل محموله مورد نظر بودند هدف قرار گرفتند.

است: آیا برخی فرماندهان ارتش سوریه در مورد تحرکات خود به اسرائیل اطلاعات می‌دهند؟! بخش بین‌المللی صدای آمریکا ۴ فوریه (۱۴ بهمن) در گزارشی می‌نویسد به نظر می‌رسد پس از حمله پهپادی در اواخر ژانویه (اوایل بهمن) به کاروان کامیون‌های شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در نزدیکی مرز سوریه و عراق، روابط استراتژیک ایران و سوریه را بهم ریخته است. گفته می‌شود منابع سوری اطلاعاتی در مورد محموله‌های تسلیحاتی ایران به اسرائیل داده‌اند.

رامی عبدالرحمن تحلیلگر سوری مستقر در لندن به رسانه‌های عربی گفت که رژیم ایران و حزب‌الله و متحدان شبه‌نظامی عراقی آن به سرعت در حال تغییر نیروهای پست مرزی البوکمال بین سوریه و عراق نزدیک مواضع شبه‌نظامیان طرفدار ایران پس از حمله اسرائیل هستند. مشخص نیست که آیا این تغییرات شامل نیروهای دولتی سوریه می‌شود یا نه. عبدالرحمن معتقد است که سوری‌ها در دادن اطلاعات به اسرائیل نقشی نداشتند.

وی می‌گوید اطلاعاتش این است که کسانی برای اسرائیل کار می‌کنند و حزب‌الله از آن آگاه است، اما آنها لبنانی و ایرانی هستند نه سوری. تحرکات نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی به آمریکا و اسرائیل تلگراف می‌شود. او همچنین می‌گوید: «این واقعیت که برخی از کاروان‌ها سالم عبور می‌کنند در حالی که برخی دیگر آسیب ندیده‌اند، نشان‌دهنده آن است که اطلاعات در مورد آنچه کاروان‌ها حمل می‌کنند از داخل ایران به اسرائیل می‌رسد.»

روزنامه الشرق الاوسط ۲۸ ژانویه در مقاله‌ای مدعی شد که روابط تهران و دمشق به دلیل نگرانی ایران مبنی بر اینکه منابع سوری ممکن است اطلاعاتی درباره تحرکات ایران و متحدانش در داخل اسرائیل در اختیار اسرائیل قرار دهند بهم ریخته است.

جاشوا لندیس استاد دانشگاه اوکلاهاما و مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه به صدای آمریکا

● به نظر می‌رسد پس از حمله پهپادی به کاروان کامیون‌های شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در نزدیکی مرز سوریه و عراق، روابط استراتژیک ایران و سوریه را بهم ریخته است. گفته می‌شود منابع سوری اطلاعاتی در مورد محموله‌های تسلیحاتی رژیم ایران به اسرائیل داده‌اند.

● رامی عبدالرحمن مسئول سازمان حقوق بشر سوریه (از مخالفان اسد): «این واقعیت که برخی از کاروان‌ها سالم عبور می‌کنند در حالی که برخی دیگر آسیب ندیده‌اند، نشان‌دهنده آن است که اطلاعات در مورد آنچه کاروان‌ها حمل می‌کنند از داخل ایران به اسرائیل می‌رسد.»

● روزنامه الشرق الاوسط در مقاله‌ای می‌نویسد که روابط تهران و دمشق به دلیل نگرانی ایران مبنی بر اینکه منابع سوری ممکن است اطلاعاتی درباره تحرکات ایران و متحدانش در داخل اسرائیل در اختیار اسرائیل قرار دهند بهم ریخته است.

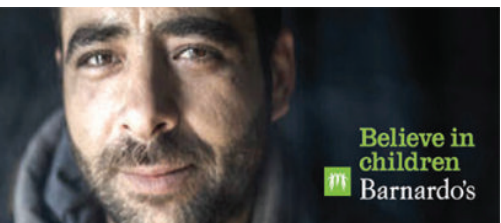
● جاشوا لندیس استاد دانشگاه اوکلاهاما و مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه به صدای آمریکا می‌گوید که بسیاری از سوریه‌ها، از جمله برخی در ارتش، از رفتار رژیم ایران در داخل کشور خود راضی نیستند.

در جمهوری اسلامی ادعا می‌شد قاسم سلیمانی فرمانده نیروی‌های قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حتا به اتاق خواب مقامات اسرائیلی دسترسی دارد! این توهم وقتی فرو ریخت که گزارش شد ردگیری اسرائیلی‌ها سلیمانی را به کشتن داد. رژیم ایران همواره در مورد قدرت نظامی و اطلاعاتی خود بلوف می‌زند.

رسانه‌های عربی گزارش می‌دهند که روابط جمهوری اسلامی و سوریه پس از توقف ارسال فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای از سوی تهران به دمشق، رو به وخامت گذاشته است. حملات مداوم اسرائیل به نیروهای شبه‌نظامی وفادار به رژیم ایران اکنون مقامات جمهوری اسلامی و نیابتی‌های متحد آن را با یک پرسش مهم روبرو کرده

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's



عکاس خبرگزاری قوه قضائیه (میزان) قبل از اعلام رسمی عفو زندانیان در زندان اوین حاضر بود تا از شادی آنها عکس بگیرد!

همکاری اصلاح طلب‌ها و اصولگراها برای ترمیم چهره منفور علی خامنه‌ای در افکار عمومی

حکومتی مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد اسلامی آغاز شد بازداشت شده‌اند. اما هیچکدام از مقامات و نهادهای رسمی آمار دقیقی از تعداد بازداشتی‌ها اعلام نکرده‌اند و به نظر می‌رسد با توجه به دامنه‌ی اعتراضات در سراسر کشور دستگیری‌های گسترده، اساساً آمار دقیقی از دستگیرشدگان وجود ندارد.

در جریان انقلاب ملی ایران که بیش از چهار ماه از آن می‌گذرد، دست کم ۵۵۰ نفر کشته و صدها تن مصدوم شده‌اند. حکم اعدام ۴ جوان معترض، محسن شکاری، محمدمهدی کرمی، محمد (کیان) حسینی و مجیدرضارهنورد، نیز به اجرا گذاشته شد که خشم و انزجار همگانی را نسبت به جمهوری اسلامی و شخص خامنه‌ای بیش از پیش تشدید کرد.

حسین موسوی تبریزی دبیر مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه یکی دیگر از چهره‌های سرشناس اصلاح طلب گفته «فرمان عفو رهبری باعث امیدواری به آینده می‌شود!» در این میان محسن مهدیان مدیرعامل مؤسسه «همشهری» در حالی که صحنه‌های سرکوب وحشیانه مردم و جوانان و کودکان دنیا را تکان داده، در یادداشتی به «۱۰ رفتار پدران رهبر انقلاب از روز اول اغتشاشات» پرداخته است.

تملق و چاپلوسی برای خامنه‌ای در حالی توسط مقامات و دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم اوج گرفته که مردم در جریان اعتراضات دیدگاه خود را نسبت به او علنی و در شعارهایی صریح و بدون تفسیر به گوش دنیا رسانده‌اند.

ابوالفضل پورعرب بازگیر سینمای جمهوری اسلامی یکی از کسانیست که در مراسم «شب پلدا» از علی خامنه‌ای تقاضای بخشش بازداشتی‌ها را کرده بود. حالا بعد از اعلام رسمی «عفو»، خبرنگاران در حاشیه «چشنواره فیلم فجر» به سراغ او رفتند و پورعرب در اینباره گفت «بخشش معترضان با عفو ملی صورت گرفت؛ امیدوارم آشتی ملی هم اتفاق بیفتد!»

برخی موافقت خامنه‌ای با «عفو» و «تخفیف مجازات» بازداشتی‌ها را حتا «آشتی ملی» و «وفاق ملی» خوانده‌اند! اما محمدرضا باهنر نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی می‌گوید تعبیر «آشتی ملی» از دستور عفو رهبری، درست نیست زیرا مردم هیچوقت با هم قهر نبودند که آشتی کنند! زهره الهیان نماینده اصولگرای مجلس شورای اسلامی نیز عنوان کرده «عفو رهبری نشانه اقتدار و قابلیت نظام برای ترمیم اعتماد عمومی است.»

اینهمه تبلیغ و تملق در حالیست که جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین موقعیت خود در طول چهار دهه بسر می‌برد و در کنار هشدار خودی‌ها به نظام، بسیاری از تحلیلگران معتقدند اعتراضات مردم آتش زیر خاکستر است که به زودی با شدتی بیشتر از گذشته شعله خواهد کشید.

مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی شماری از زندانیان مورد «عفو» قرار می‌گیرند. امسال این سالگرد در شرایط ویژه‌ای همزمان با انقلاب ملی ایران علیه رژیم اسلامی و دستگیری نزدیک به بیست هزار تن طی چهار ماه گذشته فرا رسیده است. در همین ارتباط، محمداقربالقیاب رئیس مجلس شورای اسلامی دوشنبه ۱۷ بهمن در نطق پیش از دستور خود گفت «دستور حکیمانه مقام معظم رهبری» برای عفو متهمان حوادث اخیر نشان و جلوه دیگری از «رویکرد محبت‌آمیز ایشان با فرزندان خودشان» است و نقشه دشمنان را بهم زد! قالیباف با تأکید بر اینکه «عفو متهمان حوادث اخیر جلوه‌ای از رویکرد پدران رهبر انقلاب بود» بطور ضمنی هدف از این «عفو» را مقابله با انقلاب ملی ایران و تداوم اعتراضات عنوان کرده و گفته است که «موضع محبت‌آمیز» خامنه‌ای نقش بی‌بدیلی در ترمیم اجتماعی و احیای اتحاد و «همدلی ملی از موضع قدرت نظام اسلامی» خواهد داشت و نقشه دشمنان برای تبدیل جوانان و نوجوانان به آشوبگران را نقش بر آب کرد. رئیس مجلس شورای اسلامی تأکید کرده «بر همه ما مسئولان واجب است با تأسی از رویکرد ایشان ترمیم اجتماعی را سر لوحه کار خویش قرار داده و با مواضع محبت‌آمیز خود اجازه ندهند دشمنان و آشوبگران سازمان‌یافته مانع از احیای اتحاد ملی شوند.»

محمود واعظی رئیس دفتر حسن روحانی در دوران ریاست جمهوری وی نیز با اشاره به اینکه «رهبر انقلاب آغوش نظام را به روی همه فرزندان این کشور گشودند» گفته «نگاه پدران رهبری» به بهترین وجه می‌تواند انقلاب اسلامی را در سالگرد پیروزی‌اش برای نسل جوان تبیین و تعریف و پایگاه مردمی نظام را تقویت کند!

اعضای خانواده اکبر هاشمی‌رفسنجانی هم برای عقب نماندن از غافلگی مجیزگویی خامنه‌ای به میدان آمده‌اند. محسن هاشمی‌رفسنجانی عضو شورای مرکزی حزب اصلاح طلب «کارگزاران سازندگی» مانند محمداقربالقیاب گفته است که «عفو محکومان تحریکات ضدانقلاب را بی‌اثر می‌کند.» وی افزود «البته می‌دانم این عفو شامل فائزه [خواهرش] می‌شود یا نه؛ اگر این اتفاق بیفتد خانواده ما هم خوشحال می‌شود.» محمدعلی وکیلی فعال سیاسی اصلاح طلب و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی نیز در همین ارتباط به تسلیم گفته «اقدام رهبر انقلاب یک پلیتیک تاریخی» بود و «رهبری با عفو حکیمانه بهانه را از اپوزیسیون خارج نشین گرفت!»

روزنامه «کیهان» چاپ تهران و «وطن امروز» هم عفو مشروط بازداشتی‌ها را «موضع رأفت و اقتدار» خامنه‌ای خوانده‌اند. بر اساس آمارهای اعلام شده تا بیست هزار نفر در جریان خیزش ملی اخیر که از اواخر شهریورماه پس از قتل

● هم در دوران خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی و هم خامنه‌ای جانشین وی هر سال در بهمن‌ماه به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی شماری از زندانیان مورد «عفو» قرار می‌گیرند. امسال این سالگرد در شرایط ویژه‌ای همزمان با انقلاب ملی ایران علیه رژیم اسلامی و دستگیری نزدیک به بیست هزار تن طی چهار ماه گذشته فرا رسیده است.

● اصلاح‌طلبان و اصولگرایان موافقت علی خامنه‌ای با «عفو» و تخفیف «مجازات» شماری از بازداشتی‌ها را «رویکرد پدران»، «موضع محبت‌آمیز»، «دستور حکیمانه»، «نگاه پدران»، «پلیتیک تاریخی» و «عفو حکیمانه» خوانده‌اند!

● محمداقربالقیاب با تأکید بر اینکه «عفو متهمان حوادث اخیر جلوه‌ای از رویکرد پدران رهبر انقلاب بود» بطور ضمنی هدف از این «عفو» را مقابله با انقلاب ملی ایران و تداوم اعتراضات عنوان کرده و گفته است «موضع محبت‌آمیز» خامنه‌ای نقش بی‌بدیلی در ترمیم اجتماعی و احیای اتحاد و «همدلی ملی از موضع قدرت نظام اسلامی» خواهد داشت و نقشه دشمنان برای تبدیل جوانان و نوجوانان به آشوبگران را نقش بر آب کرد.

● حسین موسوی تبریزی دبیر مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه از چهره‌های سرشناس اصلاح طلب گفته «فرمان عفو رهبری باعث امیدواری به آینده می‌شود!»

● محسن هاشمی‌رفسنجانی عضو شورای مرکزی حزب اصلاح طلب «کارگزاران سازندگی» گفته «عفو محکومان تحریکات ضدانقلاب را بی‌اثر می‌کند!»

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران و «وطن امروز» عفو مشروط بازداشتی‌ها را «موضع رأفت و اقتدار» خامنه‌ای خوانده‌اند. با اعلام خبر «عفو» و «تخفیف» مجازات شماری از محکومان اعتراضات اخیر در ایران، مقامات و چهره‌های سیاسی از هر دو جریان حکومت تبلیغات تازه‌ای با تعریف و تمجید از علی خامنه‌ای به راه انداخته و با جملات و عبارات پرطمطراق و توخالی به خاطر موافقت وی با آزادی زندانیانی که هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند، آغاز کرده‌اند.

در شرایطی که مردم معترض شعارهای بسیاری علیه شخص علی خامنه‌ای به عنوان رهبر نظام جمهوری اسلامی سر داده‌اند، حالا به نظر می‌رسد کارزاری برای پاک‌نمایی از چهره او در افکار عمومی به راه افتاده و هر دو جریان نظام (اصولگرا و اصلاح طلب) برای تقویت آن همکاری صمیمانه‌ای را پیش می‌برند. هزاران شهروند به ویژه جوان و حتا کودک طی انقلاب ملی ایران در چهار ماه گذشته دستگیر شده‌اند که اساساً می‌بایست به زندان می‌افتادند تا حالا مورد «عفو» خامنه‌ای قرار گیرند! هم در دوران خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی و هم خامنه‌ای جانشین وی هر سال در بهمن‌ماه به



مسئولیت حمایت در حقوق و روابط بین‌الملل: از تئوری تا عمل (بخش یک)

اساسی حقوق و روابط بین‌الملل را نادیده انگاشته و در جهت حمایت از قربانیان نقض فاحش حقوق بشر دست به مداخله بشردوستانه بزند؟ به عبارت روشن‌تر، چگونه می‌توان به سازش و دیالوگی میان اصل حق حاکمیت ملی و اجرای موثر حقوق بشر توسط جامعه بین‌المللی دست یافت؟

این پرسش‌ها در کانادا جایگاه ویژه‌ای یافت. لوید نورمن اکسورسی [۲] به عنوان متفکر و در عین حال سیاستمدار انسان‌دوست کانادایی مسئولیت تعریف و دستیابی به همکاری درباره مداخله انسان‌دوستانه را به عهده گرفت؛ اقدامی که موجبات اشتیاق بین‌المللی «مسئولیت حمایت» به عنوان هنجاری در حال ظهور را فراهم آورد. به عنوان وزیر امور خارجه، اکسورسی کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت [۳] را با ترکیبی از اعضای مجمع عمومی ملل متحد و با ریاست مشترک گرت ایوانز [۴]، دیپلمات کانادایی و محمد سنهون [۵] دیپلمات الجزایری در سال ۲۰۰۰ بنیانگذاری کرد. این کمیسیون زیر نظر دولت کانادا مسئولیت تعریف و شرایط مداخله بشردوستانه را به عهده گرفت. هدف این کمیسیون دستیابی به پاسخ برای پرسشی بود که کوفی عنان مطرح ساخته بود: اگر مداخله بشردوستانه نوعی مداخله در حاکمیت دولت‌ها به حساب می‌آید، چگونه می‌توان به نقض فاحش و سیستماتیک حقوق انسان‌ها که انسانیت بشری را مورد تعرض قرار می‌دهد، پاسخ گفت؟ گزارش کار کمیسیون در کتابی ۴۰۸ صفحه‌ای با عنوان «مسئولیت حمایت: پژوهش، منابع و پیش‌زمینه‌ها» توسط مرکز تحقیقات توسعه بین‌الملل کانادا در سال ۲۰۰۱ انتشار یافت. در اینجا بخش‌هایی از این گزارش را انتخاب کرده و توضیح می‌دهیم.

اولین و حیاتی‌ترین موضوعی که در گزارش یادشده مورد توجه قرار گرفته، یعنی موضوعی که در قلب دکترین مسئولیت حمایت قرار دارد، مفهوم حاکمیت ملی است. به عنوان اصلی‌ترین مفهوم بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی و همچنین منشور ملل متحد، حاکمیت جزء اصلی صلح و امنیت بین‌المللی، و در عین حال حفاظت از کشورهای ضعیف در برابر قدرتمندان به حساب می‌آید و به همین دلیل نظام بین‌المللی دولت‌ها همواره آنرا به عنوان پایه‌ای‌ترین جزء روابط بین‌الملل مقدس شمرده است. بنابراین بی‌دلیل نیست که منشور ملل متحد آنرا به عنوان اصلی‌ترین پایه‌های نظام بین‌المللی نوین معرفی می‌نماید: «سازمان (ملل متحد) بر اساس اصل برابری حاکمیت همه اعضا شکل گرفته است». در نتیجه اینهمه اصرار بر اصل خلل‌ناپذیر حاکمیت ملی، چنین مفهومی به یک دژ مستحکم تبدیل شده که به هیچ عنوان امکان نادیده انگاشتن آن قابل تصور و عملی نیست؛

بشریت را بر عهده گیرند. آنها همچنین متعهد شده‌اند تا در صورتی که دولتی آشکارا ناتوان در حمایت از جمعیت خود باشد، جامعه بین‌المللی این مسئولیت را به عهده می‌گیرد. حتی در شرایطی که ساز و کارهای بین‌المللی در حفاظت از حقوق انسان‌ها ناکارآمد باشند، استفاده از روش‌های قهرآمیز اجتناب‌ناپذیر است.

این نگرش جدید که با اراده سیاسی دولت‌ها همراه بود، موجبات ظهور هنجار نوین و امیدبخشی را فراهم ساخت که به «مسئولیت حمایت» معروف شده است. به لحاظ تئوریک این مسئولیت می‌تواند بر تضاد ذاتی موجود در حقوق و روابط بین‌الملل، یعنی فاصله و تضادی که میان مفهوم سنتی حاکمیت دولت به عنوان سنگ‌بنای حقوق بین‌الملل و حقوق بشر دارد، غلبه کند. با همه امیدهایی که با ظهور این قاعده در حال تکوین برای حمایت از قربانیان نقض فاحش حقوق بشر به وجود آمد، اجرای آن با مشکلات ساختاری مواجه بوده است. هدف این نوشتار این است که با معرفی دکترین «مسئولیت حمایت»، و سپس توضیح مراحل تکمیلی آن، مشکلات ساختاری را توضیح دهد. از آنجا که مدتی است فضای رسانه‌ای با انتشار مطالب سطحی و گمراه‌کننده‌ای در رابطه با مسئولیت حمایت همراه شده است، این نوشتار کوتاه می‌تواند برای علاقمندان مفید باشد.

سوابق تاریخی

دکترین مسئولیت حفاظت توضیح دهنده هنجاری بین‌المللی است که می‌کوشد جامعه بین‌المللی را به توقف جنایات وحشیانه گسترده نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت وادارد. بنابراین ظهور مسئولیت بین‌المللی را باید به عنوان واکنشی نسبت به جنایتهایی دانست که به شیوه‌ای گسترده و سازمانیافته علیه مردمان جوامع مختلف انجام می‌گیرد و جنایتکاران نیز زیر عنوان شناسایی حق حاکمیت ملی از هر نوع مجازاتی مصون می‌مانند. از آنجا که شدت یافتن جنایات بین‌المللی مانند نسل‌کشی و دیگر جنایات در بخش‌هایی از جهان بعد از جنگ سرد، یعنی رواندا و یوگسلاوی سابق شوک عمیقی را به وجدان جهانیان وارد ساخت، صرف نظر از اینکه اینگونه جنایات در کجا و توسط چه کسانی انجام می‌شود، این پرسش برای جامعه مطرح شد که آیا می‌توان برای نجات جان آن انسان‌ها به مداخله بشردوستانه دست زد؟ در حقیقت، موضوع این بوده، و هنوز هست، که با توجه به ممنوعیت مداخله در منشور ملل متحد، و احترام به برابری حاکمیت کشورهای مختلف، آیا جامعه بین‌المللی می‌تواند آن اصول

● با توجه به ممنوعیت مداخله در منشور ملل متحد، و احترام به برابری حاکمیت کشورهای مختلف، آیا جامعه بین‌المللی می‌تواند آن اصول اساسی حقوق و روابط بین‌الملل را نادیده انگاشته و در جهت حمایت از قربانیان نقض فاحش حقوق بشر دست به مداخله بشردوستانه بزند؟ به عبارت روشن‌تر، چگونه می‌توان به سازش و دیالوگی میان اصل حق حاکمیت ملی و اجرای موثر حقوق بشر توسط جامعه بین‌المللی دست یافت؟

● در شرایط کنونی جهان، دیگر می‌توان حاکمیت را امری مطلق و برآمده از اراده قوای حاکمه‌ای دانست که مورد قبول مردم خود نیست! در حقیقت، تنها دلیل ممکن برای مشروعیت حاکمیت اراده مردمی است که حاکم بر سرنوشت خویش‌اند. این مردم هستند که روح حاکمیت را تعیین کرده و مرزهای اعمال آنرا تعیین می‌نمایند. بدون اراده مردم و حق تعیین سرنوشت خویش، اساساً هیچ مفهومی از حاکمیت قابل تصور و معنی نمی‌تواند باشد.

● حکومت/ دولت فقط نماینده‌ای از سوی مردم است. این حاکمیت انسان‌های به لحاظ عقلانی مستقل و به لحاظ اخلاقی مسئول است که به دولت انتقال می‌یابد. هرگاه حکومت/ دولت این نمایندگی از سوی مردم را نادیده انگارد مانند این است که ضرورت وجودی خود را انکار کرده است.

محمود مسائلی - وقوع رخدادهای خونینی که در سال‌های بعد از جنگ سرد و همچنین هفته اول هزاره جدید در دارفور لیبیا، سیرالئون، رواندا، و یوگسلاوی سابق، قلب بشریت را به درد آورد، ذهنیت پاره‌ای از متفکران و سیاست‌گذاران نوع‌دوست را به سمت طرح این پرسش هدایت کرد که در شرایط کنونی دولت و حاکمیت‌محور حقوق و روابط بین‌الملل، که در آن حقوق مردم به اراده دولت‌ها منوط و وابسته شده است، چگونه می‌توان از حقوق بشر انسان‌ها دفاع به عمل آورد. این پرسش را کوفی عنان دبیرکل فقید سازمان ملل متحد با جامعه بین‌المللی در میان گذاشت: «اگر مداخله بشردوستانه نوعی مداخله در حاکمیت دولت‌ها به حساب می‌آید، چگونه می‌توان به نقض فاحش و سیستماتیک حقوق انسان‌ها که انسانیت بشری را مورد تعرض قرار می‌دهد، پاسخ گفت؟» [۱] به دنبال اجلاس سران در سال ۲۰۰۵ کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرد که رهبران جهان به اتفاق آرا متعهد شده‌اند تا در صورت وقوع رواندای دیگری اقدام نمایند. مهمترین ابعاد این تعهد جهانی این است که دولت‌ها توافق کرده‌اند که مسئولیت حفاظت از مردم خود در برابر جنایت نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی، و جنایت علیه

گویا دیو سپید به عنوان حاکم مطلق قلعه سپاه سرکوب تنها خدای تصمیم‌گیرنده زندگی مردم ستمدیده‌ای است که آنجا به سختی روزگار می‌گذرانند. در ارتباط با چنین قداست حاکمانه و برتری تمامیت‌خواهانه‌ای که به دست آورده، در اغلب کشورهای غیردمکراتیک همان مفهوم حاکمیت ملی مانند گرز آتشین بر سر مردم محروم فرود آمده و نظام بین‌المللی را از اندیشه مداخله بشردوستانه بر حذر داشته است. اما امروزه، این مفهوم دیگر نمی‌تواند به معنای سنتی خود تنها ابزاری برای پنهان ساختن سرکوب مردم و حقوق ذاتی آنان بوده و به تقدیس زورمندی حاکمیت مطلق بپردازد و آنگونه که پتروس غالی توضیح داده بود «دوران حاکمیت مطلق گذشته است... این تئوری هرگز با واقعیت انطباق نداشت» [۶] در شرایط کنونی جهان، دیگر نمی‌توان حاکمیت را امری مطلق و برآمده از اراده قوای حاکمه‌ای دانست که مورد قبول مردم خود نیست! در حقیقت، تنها دلیل ممکن برای مشروعیت حاکمیت اراده مردمی است که حاکم بر سرنوشت خویشانند. این مردم هستند که روح حاکمیت را تعیین کرده و مرزهای اعمال آنرا تعیین می‌نمایند. بدون اراده مردم و حق تعیین سرنوشت خویش، اساسا هیچ مفهومی از حاکمیت قابل تصور و معنی نمی‌تواند باشد. بنابراین، بسیار مهم است که دامنه و اهمیت مفهوم حاکمیت به روشنی توضیح داده شود.

در پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری مفهوم حاکمیت به معنای امروزی کلمه، این دو رویکرد متناقض، یعنی امر حاکمیت مطلق و حاکمیت برآمده از اراده آزاد مردم، همواره قابل توجه بوده‌اند. در اندیشه‌های هابس، حاکمیت به معنی اقتدار مطلق و غیرقابل تردیدی است که در اختیار فرمانروای جامعه قرار می‌گیرد تا از طریق آن جامعه تحت فرمان خویش را در نظم اجتماعی قرار دهد. مردم نیز امر حاکمیت مطلق را درک کرده و می‌پذیرند زیرا این توانایی را دارند تا با عقلانیت حسابگر به مزایای تسلیم شدن در مقابل اراده حاکم مطلق که مدافع منافع آنان است بر هرج و مرج غلبه کنند. آنها می‌دانند که انسان ذاتاً منفعتمند و طالب قدرت است تا شرایط را برای خویش امن سازد. این حرص خودخواهی و تلاش برای تحقق آن، امکان هر نوع نظم اجتماعی را زایل می‌سازد به گونه‌ای که جنگی پایان‌ناپذیر توسط همه مردم علیه خودشان پدید می‌آید. اما «ماهیت این جنگ نه در نبرد واقعی، بلکه در گرایش شناخته شده به آن در همه زمان‌هاست» [۷]. به این ترتیب آشکار می‌شود تا زمانی که انسان‌ها نتوانند با اراده‌ای مشترک با یکدیگر زندگی کنند «همه آنها در هراس از یکدیگر باقی خواهند ماند؛ در شرایطی که جنگ نامیده می‌شود؛ جنگی که هر انسان علیه هر انسان دارد.» نتیجه واقعاً اسفبار و خوفناک است چرا که:

در چنین شرایطی جایی برای صنعت باقی نمی‌ماند، زیرا ثمره آن نامشخص است، و در نتیجه هیچ فرهنگ به وجود نمی‌آید، دریانوردی و استفاده از کالاهایی که ممکن است از طریق دریا وارد شوند امکان‌ناپذیر می‌شود... هیچ تصویر روشنی از چهره زمین شکل نمی‌گیرد. نه هنر، نه ادبیات، نه جامعه، بلکه و بدتر از همه ترس و خطر مرگ خشونت‌بار زندگی انسان را با انزوا، فقر، زشتی، توخس همراه می‌سازد. [۸]

در این شرایط مفاهیم حق و باطل، عدالت و بی‌عدالتی هیچ جایگاهی ندارند. جایی که قدرتی مشترک برای هدایت جامعه وجود ندارد، قانون وجود ندارد. جایی که هیچ قانونی وجود ندارد، هیچ چیز خلاف عدالت نیست. بنابراین باید برای غلبه بر مرگ خشونت‌بار و ناگزیر برای همه مردم، همان عقلانیت محاسبه‌گر را به کار گرفت و جامعه‌ای را به وجود آورد که با اراده آزاد مردم شکل گرفته و سپس فردی با اختیار مطلق بر آن گماشته می‌شود تا از نظم و آرامش در

آن حفاظت به عمل آورد. این اختیار مطلق که هیچ صدای متفاوتی را بر نمی‌تابد، حاکمیت سیاسی مطلق است. به نظر توماس هابس این قانون طبیعت است که به هیچ‌کس اعتماد نکنیم مگر همان خداوندگار سیاسی حفظ نظم در جامعه که می‌تواند مردم را با یکدیگر در مرزهای مشخصی با یکدیگر متحد نگهدارد. بنابراین «پیش از اینکه مفاهیمی مانند عدالت و بی‌عدالتی جا بیفتد، باید نیروی قهری وجود داشته باشد که مجازات‌هایی را بیش از سودی که از طریق نقض عهد برای کسانی حاصل می‌شود، آنها را وادار تا به اجرای عهد خویش وفادار باقی بمانند.» [۹] به همین دلیل در نظر هابس، که هنوز اندیشه حاکم بر مفهوم حاکمیت در جهان امروز است، دارنده قدرت حاکمه خدایی است که مردم خود ساخته‌اند تا بر شئونشان و بر حیات آنان حکمرانی کند. مردمی که ناخواسته و از روی غفلت، و یا خواسته به دلیل منفعتی که برای خود تصور می‌کنند، به ضرورت وجود مطلق امر حاکمیت باور دارند، می‌بایست در این باور تجدید نظر نمایند. این نکته‌ای است که جان لاک معمار حاکمیت مشروط توضیح می‌دهد. توضیحات او زیربنای مفهوم حاکمیت در جوامع لیبرال دمکراسی را پایه‌گذاری کرد.

لاک در کتاب «دو رساله در باب دولت» بعد از عمیقاً به چالش کشیدن دیدگاه‌های هواداران موضوع حاکمیت که همه از میان روحانیون و افراد بانفوذ و اشراف بر می‌خاستند،



دکتر محمود مسائلی

این نظریه‌ها پس را تصدیق می‌کند که شرایط بی‌نظمی موجباتی را فراهم می‌آورد که در آن هیچ فرد انسانی نمی‌تواند احساس امنیت و آرامش داشته باشد. بنابراین وی نیز مانند هابس قراردادهای اجتماعی را به منزله بدیلی در نظر می‌گیرد که از طریق آن جامعه می‌تواند به آرامش دست یابد. اما تفاوت عمده میان نقطه نظرات لاک و هابس در این موضوع حیاتی قرار دارد که آن مردمی که هابس آنها را با عقلانیت محاسبه‌گر تعریف می‌کند، لاک آنها را انسان‌هایی می‌داند که عبور از بی‌نظمی را لازمه شکوفایی انسانی خود تلقی می‌کنند. بنابراین نه از موضع حساب و کتاب منافع فردی، یعنی فرار از نابودی تحمیل شده بر آنان، بلکه از زاویه دید انتخاب آزاد می‌پذیرند که می‌بایست در متن شرایط اجتماعی تابع قوانینی باشند که توسط خود آنان شکل گرفته‌اند. بی‌تردید قوای حاکمه سیاسی نیز به تابعی از اراده آزاد مردم تبدیل می‌شود. در این شرایط مفهوم آزادی به معنی اجازه داشتن برای انجام هر کاری نیست. بلکه هم مردم و هم قوای حاکم باید مشروعیت نقش سیاسی و اجتماعی خویش را از اراده آزاد همگانی دریافت نمایند. این در حالیست که هواداران قدرت مطلقه پادشاهی و توجیه‌گران مذهبی آن حاکمیت را امری موروثی می‌دانند که نسل به نسل منتقل می‌شود. این نوع قدرت آقابالاسر را نمی‌توان با اراده آزاد انسان قابل انطباق

دانست. بنابراین آزادی انسان و آزادی تصمیم‌گیری اقدام بر اساس آن، بر ظرفیت عقلانی او بنا نهاده شده است. این است که او را قادر می‌سازد تا قانونی را که باید بر او حکومت کند بشناسد و بداند که محدوده آزادی که به او اعطا شده، در کجا قرار می‌گیرد. [۱۰]

در جامعه آزادی که با انتخاب شهروندان شکل می‌گیرد، آزادی به معنی زیرپا گذاشتن ظرفیت عقلانی انسان‌ها از طرف قوای حاکم نیست. اساسا امر جامعه و سیاست با این آزادی ملازمه و پیوند دارد. پس نمی‌توان آزادی را مانند خیابان یکطرفه‌ای دانست که در آن حاکم با ماشین سرکوب خود می‌راند و قوانین را نیز تعیین می‌کند. آزادی را نمی‌توان فقط در اختیار حاکم قرار داد تا آنگونه که می‌خواهد بر جامعه حکومت کند «اگرچه انسان در آن حالت آزادی غیرقابل کنترلی برای تصاحب شخص یا دارایی خود دارد، با این حال او این آزادی را ندارد که خود یا به اندازه هر موجودی که در اختیار دارد، نابود کند.» [۱۱] از این رو، جامعه سالم آنست که بر اساس اراده آزاد مردم شکل می‌گیرد، قوانین آن تعیین می‌شود، و توسط خود مردم اداره می‌شود. یعنی اینکه از صدر تا ذیل امر جامعه و سیاست بر بنای اراده آزاد مردم بنا شده است. این اراده آزاد، یا به عبارتی حاکمیت اراده است که یک جامعه آزاد و لیبرال دمکراسی بر پایه‌های آن بنا می‌شود. کمیسیون مداخله و حاکمیت دولت آغاز مطالعات خود را با به چالش کشیدن نگرش سنتی مفهوم حاکمیت که بر اساس مقاله‌نامه مونته ویدیو [۱۲] قرار گرفته است، و همچنین تکیه بر ماده دوم از منشور ملل متحد [۱۳] آغاز کرده، و سپس نگرش نوین مفهوم حاکمیت را که از آرای جان لاک سرچشمه گرفته بود، مورد توجه قرار داد: «حاکمیت، بنابراین، مسئولیت اصلی در حمایت از مردم و دارایی خصوصی آنان را به عهده دارد... به ویژه با تأسیس سازمان ملل متحد تعهدات گسترده‌ای در زمینه حقوق بشر به وجود آمده است... حاکمیت در پرتو تحولات اقتصادی، فرهنگی، محیط زیستی فرسایش است.» [۱۴] سازمان ملل متحد نیز می‌بایست مأموریت اصلی خود یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مسئولیت پیشبرد منافع و رفاه مردم تعادل و هماهنگی ایجاد کند. اساسا سازمان ملل متحد بر پایه ارزش انسانی همین مردم بنا شده است. بی‌دلیل هم نیست که منشور ملل متحد در فراز آغازین خود می‌گوید «ما مردم ملل متحد... این استدلال کمیسیون یادشده شرح و بسط بیشتر و عمیق‌تری را ایجاد می‌کند. باید گفت که هرگاه مفهوم حاکمیت مورد توجه قرار گیرد، ضرورتاً با خود همین مفهوم حق حاکمیت را به اذهان یادآوری می‌کند. همانگونه که جان لاک به روشنی توضیح داده، حاکمیت در اختیار اراده آزاد انسان است. یعنی این انسان است که به دلیل ظرفیت فهمیدن و استدلال کردن واجد دریافت مفهوم انسان بودن است و به همین دلیل هم باید بر سرنوشت خویش حاکم باشد. این حاکمیت با رضایت خاطر کامل انسان به دولت انتقال می‌یابد تا عهده‌دار امور جامعه باشد. بنابراین حکومت/ دولت فقط نماینده‌ای از سوی مردم است. این حاکمیت انسان‌های به لحاظ عقلانی مستقل و به لحاظ اخلاقی مسئول است که به دولت انتقال می‌یابد. هرگاه حکومت/ دولت این نمایندگی از سوی مردم را نادیده انگارد مانند این است که ضرورت وجودی خود را انکار کرده است. بنابراین نمی‌توان از صلحی عادلانه در جهان سخن گفت اگر رابطه‌ای هماهنگ و سازنده میان این دو نوع حاکمیت تعریف نشود. حتی از نقطه نظر منبع شکل‌گیری مفهوم حاکمیت، افراد انسان، یعنی بازیگران واقعی اجتماعی، بر مفهوم انتزاعی حاکمیت دولت وجوه برتر حقوق و اخلاقی پیشی می‌گیرند.

سرگردانی مردم

زلزله زده و جو

امنیتی در شهر

خوی؛ کمبود بودجه

و تجهیزات

«هلال احمر»

● پس از زلزله خوی جمهوری اسلامی شرایط را برای مردم مصیبت زده «امنیتی» کرده و نیروهای ضدشورش با صورت‌های پوشیده و اسلحه به دست در میدان شهر مستقر شده‌اند.

● بر اساس بودجه پیش‌بینی شده «هلال احمر» برای سال آینده، به ازای هر شهروند ساکن ایران فقط حدود ۹۰ هزار تومان بودجه اختصاص یافته آنهم تازه در حالی که واقعا همین مقدار نیز صرف کمک به شهروندان در حوادث گوناگون شود!

● سازمان «هلال احمر» امسال با کمبود ۹۲ هزار میلیارد تومانی روبروست و تنها ۸ درصد از بودجه مورد نیازش را تا پایان سال دریافت خواهد کرد!

● مقامات جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهند بجای تقویت این سازمان و تأمین بودجه مورد نیاز آن سازمان‌ها و نهادهای بی‌خاصیت و تبلیغاتی را تقویت کنند.

شیوه کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان شهرستان خوی در روزهای گذشته بار دیگر نشان داد مدیریت بحران در جمهوری اسلامی با «بحران» روبروست و مردم در سرمای شدید همچنان بر ویرانه‌های خانه و کاشانه خود سرگردان و نیازمند نان و غذای گرم و وسایل گرم‌کننده و اسکان موقت هستند. در این میان بودجه ناچیز و ناکافی سازمانی چون «هلال احمر» که در شرایط بحران وظیفه حضور و حمایت از مردم را دارند نشان می‌دهد در اینباره نیز «خانه از پای‌بست ویران است» و سازمان‌های بی‌خاصیت حکومتی و نهادهای تبلیغاتی ایدئولوژیک اقبال بلندتری نسبت به «هلال احمر» در اختصاص و دریافت بودجه دارند!

با گذشت چند روز از وقوع زلزله‌ای به بزرگی ۹/۵ ریشتر در شهرستان خوی در استان آذربایجان غربی و وجود سرمای شدید هوا، همچنان شهروندان منتظر ارائه کمک‌رسانی موثر و کارآمد مسئولان هستند. ساعاتی پیش نیز زلزله بزرگی ترکیه و سوریه را لرزاند و بلافاصله مقامات جمهوری اسلامی برای کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان سوری اعلام آمادگی کردند و چراغی را که به «منزل» رواست برای «مسجد» در نظر گرفتند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد حدود ۱۰ روز پس از وقوع زلزله‌ای که شنبه هفته گذشته خوی و روستاهای اطراف آن را لرزاند همچنان مراحل اولیه و فوری امدادرسانی

بار دیگر تأکید می‌کند که «مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن» اعلام می‌دارند.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی این وامداری حق حاکمیت ملی به حاکمیت فرد انسانی را با روشنی بیشتر و مفصل‌تری توضیح می‌دهد:

کشورهای طرف این میثاق با توجه به اینکه طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، با اذعان به اینکه حقوق یادشده ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است.

با اذعان به اینکه طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهائی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی او ایجاد شود.

باتوجه به اینکه دولت‌ها طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر و رعایت حقوق و آزادی‌های بشر ملزم هستند. اندک تاملی در بیان بدیع بالا نشان می‌دهد که میثاق یادشده همه کمال مطلوب جهان آزاد و دموکراتیک را به احترام به حقوق ذاتی انسان، یعنی برخورداری از اراده آزاد او، منوط می‌سازد. بدون حاکمیت انسان امکان هیچ جهان آزادی قابل تصور نیست، همچنانکه هیچ دولتی هم نمی‌تواند بدون انطباق سیاست‌های خود بر حاکمیت و اراده آزاد انسان، خود را ساختار سیاسی و اجتماعی مشروع و برحق تصور نماید، مگر اینکه با ارباب و اجبار آنرا حفظ نماید.

[ادامه دارد]

[۱] Kofi Annan, Millennium Report of the Secretary-General of the United Nations, We the Peoples, 2000. Available at: <https://www.un.org.millennium/sg/report>

[۲] Lloyd Norman Axworthy, currently the rector of the University of Winnipeg, the capital city of Manitoba

[۳] The independent International Commission on Intervention and State Sovereignty (ICISS)

[۴] Gareth John Evans

[۵] Mohamed Sahnoun

[۶] Evans, G. and Sahnoun, M. (2001). Responsibility to Protect: Research, Sources, and Background. Ottawa: IDRC

[۷] Hobbes, T. (1651/2010). Leviathan. Revised edition by Martinich, A.P. and Battiste, B. Peterborough, Canada: Boradview Editions, p. 215

[۸] P. 216

[۹] P. 139

[۱۰] Locke, J. (1689/1823). Two Treaties of Government. London: Printed for Thomas Tegg; W. Sharpe and Son; Offor; G. and J. Robinson; J. Evans and Co., p. 131

[۱۱] P. 107

[۱۲] Monte Video Convention, article 1. See: <https://www.ilsa.org/Jessup/Jessup15/Montevideo%20Convention.pdf>

[۱۳] "The Organization is based on the principle of the sovereign equality of all its members", the Un Charter, article 2(1)

[۱۴] Evans, op cit., p. 8

→ یک چنین تفاسیر وسیعی از مفهوم حاکمیت مبتنی بر اراده انسان و حقوق مترتب و ناظر بر آن، در شرایط تحولات شرایط معاصر که از فروپاشی اهمیت هنجاری مرزهای سیاسی و همچنین محدودیت‌های اندیشه سرچشمه می‌گیرد، چالشی جدی را در برابر مفهوم سنتی حاکمیت دولت و قداست آن به وجود می‌آورد. به همین دلیل هم هست که جامعه بین‌المللی مشروعیت حاکمیت ملی را به رعایت و احترام به حقوق بشر منوط و وابسته می‌سازد. اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند اول مقدمه این برتری حق حاکمیت انسان را به عنوان شرط لازم برای برقراری صلح و عدالت در جهان بر شمرده است: «شناسائی حیثیت ذاتی کلیه اعضاء خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد.» سپس ماده ۲۸ اعلامیه زیر عنوان حق مشارکت دموکراتیک مردم در تعیین سرنوشت خود اصل حاکمیت اراده آنان را به عنوان شالوده اصلی جامعه‌ای سالم معرفی می‌نماید: «هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده تأمین کرده و آنها را به مورد عمل بگذارد.» بدون احترام به چنین حق ذاتی و تلاش برای اجرا و پیشبرد آن، اساساً مردم نمی‌توانند مسئولیتی در قبال جامعه خویش به عهده گیرند. به سخن بهتر، هنگامی می‌توان مردم را به مشارکت در امور جامعه، و مقابله در برابر خطرات احتمالی در برابر آن، مسئول نگه داشت که اراده حاکمیتی آنان زیربنای همه تصمیم‌گیری‌ها باشد: «هر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر می‌سازد.» (ماده ۲۹) نکته بسیار حائز اهمیت است که باید در نظر گرفت این است که ماده ۱ تا ماده ۲۷ اعلامیه ناظر بر حقوق ذاتی و همه آحاد بشری است. ماده ۲۸ با چنین پیش‌زمینه‌ای حق حاکمیت افراد انسانی را به عنوان شرط ضروری شکل‌گیری حاکمیت جمعی (ملی) و مشروعیت آن بر می‌شمرد.

دلیل دیگری هم بر این پیشی گرفتن حق حاکمیت فرد بر حاکمیت ملی، و به عبارت بهتر وابستگی مشروعیت حاکمیت ملی به حاکمیت فرد، وجود دارد که می‌توان آن را در توضیح هوشمندانه‌ای دید که بنیانگذاران اعلامیه در مقدمه آن بیان داشته‌اند. اگر حاکمیت اراده انسان آزاد مورد توجه قرار نگیرد، به این معنی خواهد بود که هستی انسان و هویت او انکار شده است. به عنوان واکنشی طبیعی، این عدم شناسایی، روح انسانی را به عصیان علیه همه ساختارهای سلطه و می‌دارد. بنابراین، برای داشتن جهانی عاری از خشونت و برخورداری از صلح پایدار باید حاکمیت اراده انسان برای بیان هویت خویش و انتخاب کردن شیوه زندگی شرافتمندانه مورد شناسایی رسمی همه اعضاء جامعه بین‌المللی قرار گیرد: «از آنجا که عدم شناسائی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیائی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است.»

این آرزوی دیرپای بشری است که فارغ از هر نوع فشار و اجبار، و یا ترس و سرکوب، بتواند حاکمیت اراده خود را به عنوان سنگ‌بنای همه امور اجتماعی و سیاسی قرار دهد. اهمیت این آرزو تا آنجاست که نه تنها می‌تواند بنیاد جهانی آزاد و انسانی را نوید دهد، بلکه مفهوم آزادی را نیز از مفاهیم سنتی آن رهایی بخشیده و در اختیار خود انسان قرار می‌دهد. این آزادی ضامن شکل‌گیری جهانی آرام و صلح‌آمیز است. «از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد»، به همین دلیل، همان مقدمه اعلامیه جهانی



افزایش حدود سه هزار میلیارد تومان و وزارت ارشاد اسلامی هم حدود پنج هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بودجه دریافت خواهند کرد.

ستاد اسیای امر به معروف و نهی از منکر از دیگر نهادهای حاکمیتی خرساز و پرحاشیه و مردم‌آزار است که بودجه آن در لایحه با ۳۳ درصد رشد، به ۷۶ میلیارد تومان رسیده است. بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس که نهادی فعال در حوزه جنگ هشت ساله ایران و عراق است نیز بودجه‌اش با ۱۵۹ درصد افزایش، مبلغ ۴۳۳ میلیارد تومان پیشنهاد شده است. همچنین بودجه موسسه نشر آثار روح‌الله خمینی به ۱۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته و بودجه جداگانه‌ای نیز برای مقبره خمینی در تهران به میزان ۳۶ میلیارد تومان در نظر گرفته شده که نسبت به سال ۱۴۰۱ بیش از ۷۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. بودجه موسسه نشر آثار روح‌الله خمینی و مقبره خمینی بطور مستقیم به خانواده خمینی اختصاص دارد. حسن خمینی نوه روح‌الله خمینی و متولی این دو بخش، در عمل کاری انجام نمی‌دهد اما بخش مهمی از بودجه مردم را سالانه به جیب می‌زند.

بودجه‌پاشی به سازمان‌ها و نهادهای تبلیغات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی دامنه گسترده‌ای دارد. بجز موارد یاد شده، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی معروف به «نور» در سال ۱۴۰۲ بیش از ۵۸ میلیارد تومان بودجه دریافت می‌کند؛ بودجه این مرکز امسال ۳۸ میلیارد تومان بوده است.

«حوزه نت»، «مجلات تخصصی (نورمگز)»، «کتاب‌خانه دیجیتال نور» از زیرمجموعه‌های این مرکز هستند و به گفته دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی روی هوش مصنوعی در منابع حوزوی کار می‌کند که یک نوع اجتهاد هوشمند در این حوزه است!» مرکز «الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت» نیز با افزایش ۱۷۰ درصدی بودجه نسبت به امسال قرار است سال آینده حدود ۲۴ میلیارد تومان بودجه دریافت کند.

همچنین بودجه نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی نیز در سال آینده با افزایش چشمگیری روبرو خواهد شد. یکی از بخش‌های بودجه سرکوب که افزایش می‌یابد مربوط به سازمان زندان‌های کشور است که از ۶۳ درصد افزایش به حدود ۹ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان رسیده و سطح بودجه فرماندهی کل انتظامی هم با افزایشی ۴۴ درصدی به بیش از ۶۲ هزار میلیارد تومان رسیده است.

محسن زنگنه عضو کمیسیون برنامه بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی هم همراه امسال گفته بود که بودجه محدود «هلال احمر» تناسبی با وظایف گسترده این نهاد از جمله امدادسانی در مواقع بحران ندارد.

محسن زنگنه گفته بود «مسئله اول هلال احمر در زمینه نیروی انسانی است که حقوق و دستمزد نیروهای این جمعیت بسیار اندک است. این جمعیت مأموریت‌های زیادی دارد و بر اساس قانون این مأموریت‌ها در سقف حقوق و دستمزد لحاظ می‌شود. مسئله دوم هلال احمر درباره تجهیزات است چون تجهیزاتی که این جمعیت استفاده می‌کند عمدتاً تجهیزاتی است که به‌روز نیست.»

پیرحسین کولبوند رئیس جمعیت «هلال احمر» نیز حقوق و مزایای ناچیز کارکنان، فرسوده بودن ناوگان، لزوم تقویت انبارهای امدادی «هلال احمر» را برای پاسخ مناسب به موقع به حوادث و بحران‌ها و همچنین نبود بودجه برای امدادسانی سوانح ناشی از تغییرات اقلیمی را به عنوان چهار مشکل اساسی این سازمان مطرح کرده است.

مهدی ولی‌پور رئیس سازمان امداد و نجات «هلال احمر» نیز گفته که بر اساس نیازسنجی، این سازمان نیاز به ۵۴ هلی‌کوپتر دارد ولی هم‌اکنون ۲۲ هلی‌کوپتر در اختیار دارد که ۱۹ عدد از آنها نیاز به «اورهال» دارند و گرنه زمینگیر می‌شوند. مهدی ولی‌پور افزوده بود که «هلال احمر» به ۱۱ هزار خودرو امدادرسان نیاز دارد که هم‌اکنون ۵ هزار خودرو امداد رسانی در اختیار داریم که یک سوم آنها فرسوده است و همچنین بر اساس پایش‌های انجام گرفته به ۳ هزار پایگاه امدادی در کشور نیاز که تنها ۶۰۰ پایگاه ایجاد شده است.» کمبود منابع ملی و تجهیزات در «هلال احمر» در حالیست که مقامات جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهند بجای تقویت این سازمان و تأمین بودجه مورد نیاز آن، سازمان‌ها و نهادهای بی‌خاصیت و تبلیغاتی را تقویت کنند. برای فونه در حالی که در بودجه سال آینده تنها هشت درصد از بودجه مورد نیاز سازمان «هلال احمر» برای این سازمان در نظر گرفته شده، سازمان‌های تبلیغات اسلامی و پروپاگاندای جمهوری اسلامی بودجه‌های کلانی در تناسب با حجم مجموعه و فعالیت بی‌خاصیت و زیانبار خود دریافت خواهند کرد.

مرکز خدمات حوزه علمیه قم حدود شش هزار میلیارد تومان، شورای عالی حوزه‌های علمیه قم با بیش از ۶۰ درصد

انجام نشده است. شهروندان زلزله‌زده با مشکلات زیادی روبرو هستند و بسیاری از آنها هنوز در انتظار اسکان موقت و دسترسی به وسایل اولیه گرم‌کننده و غذای گرم بسر می‌برند.

روزنامه «اعتماد» در شماره دیروز، یکشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۱، گزارشی میدانی با عنوان «صدای ما را از قلب شهری غمگین و زلزله‌زده می‌شنوید» منتشر کرد که بیانگر وضعیت دردناک مردم زلزله‌زده است. جمهوری اسلامی طبق معمول در اولین اقدام شرایط را برای مردم مصیبت‌زده «امنیتی» کرده و به گزارش «اعتماد» نیروهای ضد شورش در فلکه هوشناسی با صورت‌های پوشیده و اسلحه به دست ایستاده‌اند.

در این گزارش به نقل از مردم زلزله‌زده آمده که «اینجا مسئولی نیست. بوده‌اند. آمده‌اند. اما سرک کشیده و رفته‌اند. قول‌هایی داده‌اند و رفته‌اند پی کارشان». مردم می‌گویند هنوز غم‌انده شهرشان نیامده که ببینند مردم چه حال و روزی دارند.

در این گزارش تأکید شده که «زلزله بخش‌های زیادی از شهر را ویران کرده است. مردم مبهوت و ترس‌زده منتظر چیزی هستند که خود نمی‌دانند چیست. چون ارواحی سرگردان در میان خرابه‌های خانه‌ای که درست تا یک هفته قبل، محل سکنی و آرامش‌شان بوده، راه می‌روند و زمین زیر پای‌شان، مکرر می‌لرزد. مردهای زیادی از فرط نومیدی گریه می‌کنند و زن‌ها، با چادرهای بسته‌شده به کمر، به دیوارهای فروریخته و اثاثیه‌های منزل محبوب خود دست می‌کشند.» شاید برای مردمی که با این حجم اندوه و بی‌توجهی مقامات استانی و کشوری در روزهای گذشته روبرو بوده‌اند، شنیدن اینکه جمهوری اسلامی برای کمک به زلزله‌زدگان سوریه و ترکیه که شب گذشته زلزله شدیدی زندگی آنها را زیر و رو کرد دردناک باشد. در آنسو اما این نخستین بار نیست که حوادث طبیعی چون سیل و زلزله و حوادثی چون فرو ریختن ساختمان «پلاسکو» در تهران «بحران جمهوری اسلامی در مدیریت بحران» را به نمایش می‌گذارد.

ضعف ساختاری در مدیریت و سازماندهی، مشکلی فراگیر در جمهوری اسلامی است اما از سوی دیگر یکی از موانع «مدیریت بحران» در کشور کمبود منابع مالی و تجهیزات عنوان می‌شود. در چنین شرایطی و درست در روزهایی که ده‌ها هزار شهروند در شهرستان خوی و روستاهای اطراف زیر برف و باران و سرما، بی‌خانمان هستند و در مجلس شورای اسلامی لایحه بودجه در حال بررسی نهایی است، نگاهی به بودجه سازمان «هلال احمر» بخشی از مشکل «مدیریت بحران» را بیش از پیش نمایان می‌کند.

بودجه سازمان «هلال احمر» به عنوان مهم‌ترین نهاد امدادسانی کشور در سال ۱۴۰۰، سه هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان، سال ۱۴۰۱، ۶ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان و سال ۱۴۰۲، هشت هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شد. بر اساس بودجه پیش‌بینی شده برای سال آینده، به ازای هر شهروند ساکن ایران فقط حدود ۹۰ هزار تومان بودجه اختصاص یافته آنهم تازه در حالی که واقعا همین مقدار نیز صرف کمک به شهروندان در حوادث گوناگون شود!

نامدار عبداللهیان معاون برنامه‌ریزی و امور مجلس جمعیت «هلال احمر» آبان امسال بر ضرورت افزایش بودجه این سازمان تأکید کرده و گفته است که این سازمان نیازمند بودجه ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی است. به بیان دیگر سازمان «هلال احمر» حتی در سال ۱۴۰۲ و با وجود افزایش بودجه نسبت به سال گذشته باز هم با کمبود ۹۲ هزار میلیارد تومانی روبروست و تنها ۸ درصد از بودجه مورد نیازش را دریافت خواهد کرد!

به کمترین مقدار خود رسیده و بیشترین کاهش این شاخص در بخش خدمات و کشاورزی بوده است.

حجم سفارش‌ها و فشار هزینه نهاده‌ها بر تصمیمات شرکت‌ها در کاهش جذب نیروی کار جدید نیز تأثیرگذار بوده است. بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده از بنگاه‌های صنعتی، شاخص «مدیران خرید صنعت» در ماه دی روی عدد ۴۵ بوده است، عددی که از افت فعالیت‌های بخش صنعت در مقایسه با ماه پیش از آن حکایت دارد.

شاخص «مقدار تولید محصولات صنعتی» در ماه دی، ۳۹ اعلام شده که حاکی از کاهش شدید تولیدات صنعتی است و به کمترین مقدار طی چهار سال گذشته رسیده است. از یک سو تعطیلی کارخانه‌ها ناشی از بحران انرژی گاز و برق و از سوی دیگر افزایش شدید قیمت مواد اولیه همراه با ادامه روند کاهش تقاضا، باعث تضعیف شدید تولید در بخش صنعت شده است.

شاخص «میزان سفارشات جدید مشتریان» نیز در این ماه، ۴۴ اعلام شده و به شدت کاهش یافته و به کمترین حد خود در ۱۷ ماه اخیر رسیده است. هم‌چنین به دلیل افزایش شدید قیمت نهاده‌های تولید، ناشی از صعود بی‌رویه نرخ ارز و نبود اطمینان از شرایط اقتصادی و سیاسی، سطح تقاضا به شدت کاهش یافته است.

شاخص «میزان صادرات کالا» نیز در ماه دی، عدد ۴۴ عنوان شده و برای هفتمین ماه متوالی همچنان در رکود به‌سر می‌برد. بازگشت ارز حاصل از صادرات به‌خصوص به کشورهای همسایه که به صورت مبادلات ریالی صورت می‌گیرد در تضعیف صادرات تأثیرگذار بوده است.

شاخص «میزان فروش محصولات» در این ماه نیز به ۳۷ رسیده که شدیدترین نرخ کاهش را طی ۱۸ ماه گذشته به ثبت رسانده است. این کاهش شدید نشان‌دهنده تقاضای ضعیف ناشی از شرایط جامعه و عدم اطمینان به قیمت‌ها، هم‌چنین افزایش شدید نرخ ارز و فشار هزینه نهاده‌های تولید و زنجیره تامین است.

در گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، مهمترین مشکل بیشتر صنایع، کمبود و قطعی‌های گسترده گاز عنوان شده و آمده که اعمال محدودیت در مصرف انرژی (گاز و برق) موجب شده تا کارخانه‌ها از طرف دولت تعطیل و با توقف تولید مواجه شوند و با توان کمتر از ظرفیت تولید خود فعالیت کنند. بر اساس پیش‌بینی که در این گزارش آمده، افزایش بی‌رویه نرخ ارز که طی ماه گذشته به شدت بر واردات و قیمت خرید مواد اولیه و موجودی آن تأثیر گذاشته، امکان تولید با قیمت‌های کنونی در ماه‌های آتی را از بین برده است.

کمبود نیروی کار و سطح پایین دستمزدها نیز از دیگر مشکلات اقتصادی عنوان شده است. این در حالی است که با توجه به تورم بالا و هزینه تولید، امکان افزایش دستمزد وجود ندارد. در همین حال اختلال در اینترنت، فعالیت شرکت‌ها در بخش خدمات از جمله حمل‌ونقل، اطلاعات و ارتباطات را به شدت گند کرده است.

اینهمه درحالیست که محمد قاسمی رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران هفته گذشته در گفتگو با روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته بود که «ما از نقشه تجارت بین‌الملل حذف شده‌ایم و این جدا از تبعاتی که برای رشد اقتصادی ما دارد، خطراتی برای امنیت ملی ما دارد.» به گفته محمد قاسمی «دردآورترین نتیجه مطالعات و پژوهش‌های اتاق بازرگانی که بر مبنای محاسبات صورت گرفته به دست آمده، این است که «بود و نبود اقتصاد ایران» اثرچندانی بر اقتصاد بین‌الملل ندارد؛ موضوعی که بسیار تاسف‌بار است و بزرگ‌ترین اثر این وضعیت آن است که آسیب رساندن به اقتصاد کشور به سادگی ممکن خواهد شد.»

کاهش شدید تولید و افزایش رکود در اقتصاد کشور؛ ایران عملاً از نقشه تجارت بین‌الملل حذف شده است



ذبیح الله اعظمی ساردویی گفته که «با این بودجه‌ای که مقرر کرده‌اند باید فاتحه کشاورزی را خواند. برای اولین بار نام محیط زیست در تبصره ۸ اضافه شده است که اقدام خوبی است، اما اگر تورم را در نظر بگیریم این میزان بودجه، خیلی موثر نخواهد بود. در بخش آب هم سال قبل بودجه را تقویت کردیم و امسال هم بودجه قابل توجهی مقرر شده است. اما بخش‌هایی از جیب کشاورز هزینه می‌شود یعنی وقتی بر اساس کنترل هوشمند اضافه آب مصرف می‌کند از او گرفته و در جای دیگر هزینه می‌کنیم که قابل قبول نیست.»

عضو هیئت رئیسه کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی گفته که «در بخش کشاورزی وضعیت بودجه اسفناک است مثلاً الگوی کشت، یارانه نان، بخش آبخیزداری و آبیاری نوین تحت فشار و کانال‌های زهکشی زیر سدها و ... به اندازه‌ای این اعداد و ارقام پایین و نامناسب است که من فکر می‌کنم کمیسیون امیدش را نسبت به بخش کشاورزی از دست داده است.»

مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی هم‌چنین در ادامه گزارش خود افزوده که شاخص «موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده» در ماه دی، ۳۹ واحد گزارش شده که طی ۲۷ ماه گذشته شدیدترین نرخ کاهش را داشته است. صعود قابل توجه نرخ ارز و قیمت‌های داخلی نیز باعث شده تا فشار هزینه‌های نهاده‌های تولید برای کسب‌وکارها به شدت افزایش یابد و در پی آن شرکت‌ها در زنجیره تامین مواد مورد نیاز با مشکل روبرو شوند.

در گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران هم‌چنین آمده که شاخص «میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی» در ماه پیش، ۴۶ بوده که به شدت کاهش داشته و طی ۱۰ ماه اخیر

«فعالیت‌ها در هر سه بخش اصلی اقتصاد ایران یعنی صنعت، خدمات و کشاورزی کاهش داشته‌اند و افزایش قابل توجه هزینه نهاده‌های ناشی از صعود نرخ ارز و تعطیلی به دلیل قطعی‌های ناشی از کمبود انرژی باعث افت شدید میزان فعالیت‌ها شده است.»

اتاق بازرگانی: افزایش بی‌رویه نرخ ارز که طی ماه گذشته به شدت بر واردات و قیمت خرید مواد اولیه و موجودی آن تأثیر گذاشته، امکان تولید با قیمت‌های کنونی در ماه‌های آتی را از بین برده است.

رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران: «ما از نقشه تجارت بین‌الملل حذف شده‌ایم و این جدا از تبعاتی که برای رشد اقتصادی ما دارد، خطراتی برای امنیت ملی ما دارد.»

آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران از کاهش شدید و هشداردهنده تولید در کشور و تشدید رکود خبر می‌دهد. این گزارش نشان می‌دهد ایران عملاً از نقشه تجارت بین‌الملل حذف شده و نبود اقتصاد ایران اثرچندانی بر اقتصاد بین‌الملل ندارد.

مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران روز جمعه ۱۴ بهمن ۱۴۰۱ آخرین گزارش از وضعیت تولید در کشور را با بررسی شاخص مدیران خرید «شامخ» منتشر کرده است. بر اساس این گزارش «شامخ» اقتصاد ایران با کسب رکوردی نگران‌کننده به رقم ۴۱ واحد در دی‌ماه امسال رسیده که نشان از تشدید رکود عمیق در اقتصاد کشور دارد.

شامخ یا همان شاخص مدیران خرید (PMI) مقیاسی است که از طریق دریافت پاسخ بنگاه‌های نمونه در صنایع مختلف به سوالات مشخص استخراج می‌شود. این شاخص که معمولاً از سوی اتاق بازرگانی ایران به صورت ماهانه منتشر می‌شود رونق، رکود یا ثبات کسب‌وکارهای مورد بررسی و چشم‌انداز انتظاری آنها در آینده را نشان می‌دهد. اگر عدد شامخ بیش از ۵۰ واحد باشد، نشان می‌دهد که اقتصاد در حال توسعه است، درحالی‌که هر رقمی زیر ۵۰ واحد، از قرار داشتن اقتصاد در شرف انقباض و رکود حکایت دارد.

آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران درباره شامخ ماه دی ۱۴۰۱ نشان از کسب رکودی جدید در سقوط این شاخص دارد که این رکورد منفی ناشی از عواملی نظیر رشد هزینه‌ها ناشی از تورم و تنش نرخ ارز است که پیش از این نیز بنگاه‌های اقتصادی را در تنگنا قرار داده بود؛ اما این بار چالش کمبود انرژی نیز به معادله اضافه شده است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران شاخص «میزان فعالیت‌های کسب‌وکار» در ماه دی، ۳۹ واحد محاسبه شده که شدیدترین کاهش را در سری زمانی چهار دوره داشته است. هم‌چنین فعالیت‌ها در هر سه بخش اصلی اقتصاد ایران یعنی صنعت، خدمات و کشاورزی کاهش داشته‌اند و افزایش قابل توجه هزینه نهاده‌های ناشی از صعود نرخ ارز و تعطیلی به دلیل قطعی‌های ناشی از کمبود انرژی باعث افت شدید میزان فعالیت‌ها شده است.

این گزارش در حالی نسبت به وضعیت بخش صنعت، خدمات و کشاورزی هشدار داده که جدا از دلایل زیربنایی مانند به روز نبودن تجهیزات و از بین رفتن زیرساخت‌ها و گرانی مواد اولیه، شیوه مدیریت و بودجه‌نویسی از سوی دولت مشکلات بخش‌های مختلف را تشدید کرده و حتی امنیت غذایی شهروندان را نیز به خطر انداخته است.

برای نمونه ذبیح‌الله اعظمی ساردویی عضو هیئت رئیسه کمیسیون کشاورزی مجلس نسبت به خطر افتادن امنیت غذایی در بودجه سال آینده و اعتراضاتی که در پی آن شکل خواهد گرفت هشدار داده است.



جرج سوروس

ائتلاف مخفی جرج سوروس و شرکاء برای احیای معامله اتمی با جمهوری اسلامی در پوشش «حمایت از مردم ایران»! نایاک و دیده بان حقوق بشر پشت صحنه همکاری دارند

واشنگتن فری بیکن این ادعا نیز بخشی از طرحی است که هدف آن احیای برجام و حفظ کانال‌های معامله اتمی با رژیم است!

«واشنگتن فری بیکن» می‌نویسد، دیده بان حقوق بشر از اظهار نظر مستقیم در مورد این لابیگری خودداری کرد. سخنگوی این گروه با اشاره به پیش‌نیوس رسمی توافق با رژیم ایران گفت که این گروه «در مورد برجام موضعی نمی‌گیرد و با سیاست‌گذاران و دیگر مقامات سیاست خارجی در مورد چگونگی ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در ایران همکاری می‌کند.»

در همین ارتباط الی گرانمایه در مقاله‌ای در ماه اکتبر برای مؤسسه کوئینسی نوشت: «با تشدید نگرانی‌ها در مورد استفاده فزاینده دولت ایران از خشونت علیه معترضان، پایتخت‌های غربی تحت فشار گروه‌هایی قرار دارند که مدت‌هاست با دیپلماسی با [رژیم جمهوری اسلامی] ایران مخالفت می‌کنند تا مذاکرات هسته‌ای لغو شود.» وی تأکید می‌کند «اروپا و ایالات متحده نباید در برابر این فشارها تسلیم شوند.»

سارا فلاچی رئیس کمیته هسته‌ای کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با اشاره به سفر اخیر وزیر خارجه قطر به ایران، گفته بود «آمریکایی‌ها پیام‌های متعددی درباره برگزاری مجدد جلسات مذاکرات از طریق کشورهای قطر و عمان به ایران داده و می‌دهند.»

وی همچنین ادعا کرد «آمریکا از طریق قطر به ایران پیام داده که خواستار مذاکره مستقیم با ایران است و پاسخ ما هم به آنها این است که ابتدا باید تمام شرایط ایران را برآورده کنند.»

فریدون مجلسی دیپلمات سابق جمهوری اسلامی در یادداشتی می‌نویسد «سیاست آمریکا همواره بر این اصل استوار است که در میان تهدید و فشار دریاچه مذاکره را باز می‌گذارد. امروز هم آن روزنه باز است ولی تصمیم به ایران واگذار شده که یا بپذیرد یا نه! شیوه آمریکا این است که طرف مقابل را در گیر هزینه تقابل می‌کند که ضعیف شود و از شدت ضعف از پا در بیاید.»

در چنین شرایطی است که لابیگران جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند برای پیشبرد سیاست مداخلات با رژیم سرکوبگر ایران، می‌بایست از پوشش «حمایت از خواست مردم» و همچنین «دفاع از حقوق بشر» استفاده کنند تا راه معامله غرب به ویژه آمریکا با حکومتی که مردم ایران آن را «بچه‌کش» می‌نامند و خواهان سرنگونی آن هستند، همچنان باز بماند.

تحت حمایت جرج سوروس، چارلز گُخ و صندوق «برادران راکفلر» در حال راه‌اندازی یک کمپین لابی مخفی برای «احیای برجام» از طریق مرتبط کردن آن با جنبش حقوق بشر ایران هستند.

در این گزارش آمده سوروس و کخ میزبان جلسه‌ای محرمانه برای طرح احیای برجام در پوشش فعالیت‌های حقوق بشری بودند که دسامبر ۲۰۲۲، یعنی سه ماه پس از آغاز انقلاب آزادیخواهی مردم ایران، برگزار شد. طرحی که گروه‌هایی از جمله شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایاک)، بنیادهای جامعه باز، دیده بان حقوق بشر و صندوق برادران راکفلر پشت طرحی برای لابی کردن قانونگذاران جهت استفاده از لویح حقوق بشر به عنوان پوششی برای احیای توافق اتمی در آن همکاری دارند. گفتنی است که چندی پیش نایاک اعلام کرده بود که از خواست مردم مبنی بر تغییر رژیم در ایران حمایت می‌کند!

این گروه‌های فعال «برنامه‌ای برای پیگیری یک دستور کار قانونگذاری دوگانه را دنبال می‌کنند بطوری که از طریق قانونی بتوان راهی جهت پوشش دموکرات‌های طرفدار توافق اتمی با حمایت از زنان ایران و حقوق بشر در ایران یافت بدون آنکه احیای توافق اتمی برجام با مشکل روبرو شود.»

گفته می‌شود قرار است ائتلافی از اعضای مجلس نمایندگان و سنا ایجاد شود که قصد دارند در نامه‌ای به جو بایدن از وی بخواهند که کانال‌های دیپلماسی را در ارتباط با پرونده اتمی جمهوری اسلامی حفظ کند.

سوروس و گُخ در سال ۲۰۱۹ با بودجه ۵/۳ میلیون دلاری مؤسسه کوئینسی را راه‌اندازی کردند که تریتا پارسلی از بنیانگذاران نایاک نایب رئیس اجرایی آن است. نایاک نقش مهمی در فریب دولت اوپاما و انجام معامله اتمی دولت وی با جمهوری اسلامی ایران داشت.

مخالفان جمهوری اسلامی می‌گویند هرگونه معامله غرب با رژیم ایران بخشیدن جان دوباره به ملاها و خیانت به مردم ایران است که علیه رژیم به خیابان‌ها می‌آیند و دست خالی در مقابل سرکوبگران مسلح ایستاده‌اند و جان خود را فدا کرده و همچنین هزاران تن از آنان با زندان و شکنجه و حکم اعدام روبرو هستند.

با تداوم خیزش ضدحکومتی در ایران نایاک که همسو با جمهوری اسلامی به دنبال خارج کردن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا بود در توییته مدعی شد از خواست مردم ایران برای «تغییر رژیم» حمایت می‌کند اما اکنون طبق گزارش

● لابیگران جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند برای پیشبرد سیاست مداخلات با رژیم سرکوبگر ایران، می‌بایست از پوشش «حمایت از خواست مردم» و همچنین «دفاع از حقوق بشر» استفاده کنند تا راه معامله غرب به ویژه آمریکا با حکومتی که مردم ایران آن را «بچه‌کش» می‌نامند و خواهان سرنگونی آن هستند، همچنان باز بماند.

● حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه دولت سیزدهم که به آمریکای لاتین سفر کرده ادعا می‌کند آمریکایی‌ها «اصرار فراوانی» برای مذاکره مستقیم با جمهوری اسلامی دارند.

● پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» گزارش داد ائتلافی از فعالان تحت حمایت جرج سوروس، چارلز گُخ و صندوق «برادران راکفلر» در حال راه‌اندازی یک کمپین لابی مخفی جهت «احیای برجام» از طریق مرتبط کردن آن با جنبش حقوق بشر در ایران هستند.

● در این گزارش آمده گروه‌هایی از جمله شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایاک)، بنیادهای جامعه باز، دیده بان حقوق بشر و صندوق برادران راکفلر پشت طرحی برای لابی کردن قانونگذاران جهت استفاده از لویح حقوق بشر به عنوان پوششی برای احیای توافق اتمی در آن همکاری دارند. گفتنی است که چندی پیش نایاک اعلام کرده بود که از خواست مردم مبنی بر تغییر رژیم در ایران حمایت می‌کند! به این ترتیب، این «چرخش» نیز در ارتباط با همین طرح بوده است.

با اینکه مقامات رسمی آمریکا طی ماه‌های اخیر پس از تداوم خیزش ضدحکومتی از ایران بارها تأکید کردند که دیگر مذاکرات اتمی در اولویت سیاست‌های آنها قرار ندارد اما حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه دولت سیزدهم که به آمریکای لاتین سفر کرده ادعا می‌کند آمریکایی‌ها «اصرار فراوانی» برای مذاکره مستقیم با جمهوری اسلامی دارند. این در حالیست که دولت بایدن هرگونه پیام به جمهوری اسلامی در مورد آغاز مذاکرات اتمی با هدف «احیای برجام» را تکذیب می‌کند.

اخیراً ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز اعلام کرد «برجام در دستور کار واشنگتن نیست» و ایالات متحده «حمایت از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران» و مقابله با ارتباطات امنیتی میان جمهوری اسلامی و روسیه را در اولویت خود قرار داده است.

در چنین شرایطی پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» اول فوریه (۱۱ بهمن) گزارش داد ائتلافی از گروه‌های فعال

محدودیت بیشتر علیه شهروندان برای فعالیت در فضای مجازی: جرمانگاری برای لایک، هشتگ و اظهارنظر در شبکه‌های اجتماعی!



صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی امروز در گفتگو با «اعتماد» گفته که «آخرین جلسه رسمی این کمیسیون که سیزدهمین جلسه نیز بوده، یک سال قبل تشکیل شده و یک سال قبل که همزمان با ارایه گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس بود و تنش جدی در جلسه کمیسیون پیش آمد.»

نوری قزلبچه توضیح داده که «از آن زمان تا امروز هیچ جلسه دیگری در این باره تشکیل نشده البته تقلاهای زیادی برای تشکیل جلسه و ادامه بررسی طرح صورت گرفته که هم غیرقانونی و هم بی‌نتیجه بوده است.»

غلامرضا نوری قزلبچه همچنین افزوده «بخش زیادی از محتوای طرح صیانت در حال حاضر توسط شورای عالی فضای مجازی مصوب شد و در حال اجراء است و برخی مواد این طرح نیز در لایحه بودجه آمده و در حال بررسی است.» عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح صیانت همچنین تأکید کرده که «آنچه امروز اجرا می‌شود، مصوبه مجلس نیست و این کاهش سرعت و فیلترینگ گسترده و مواردی از این دست به خاطر شرایط اضطرار و براساس مقرر نهادهایی هستند که «نهاد رسمی قانونگذاری» نیستند و اجرای خودشان نیز به منزله اجرای یک قانون نیست، چراکه در شرایط فعلی امکان اصلاح این بخشنامه‌ها و برگشت رویه وجود دارد.»

از شهریور امسال پس از آغاز جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی نیست طرح‌های دیگری جهت محدودسازی فعالیت اینترنتی شهروندان در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. یکی از این اقدامات جرم‌انگاری برای اظهارنظر افراد مشهور در شبکه‌های اجتماعی بود.

شمار زیادی از هنرمندان، ورزشکاران و چهره‌های شناخته شده فرهنگی در پنج ماه گذشته کنار مردم و خواسته‌هایشان قرار گرفته و جمهوری اسلامی را به دلیل سرکوب وحشیانه و سازمانیافته مردم معترض مورد انتقاد قرار داده‌اند. بر اساس طرحی که از سوی نمایندگان مجلس برای جلوگیری از همراهی افراد مشهور با اعتراضات تدوین شده، افراد شناخته‌شده‌ای که به اظهار نظر درباره شرایط

مطالب دیگران مسئولیت قانونی دارد. به گفته ابوالفضل تحریری مدیریت و عضویت در صفحات گروه‌ها و کانال‌هایی که اقدام به انتشار مطالب غیرقانونی می‌کنند، تگ و هشتگ در راستای فراخوان‌ها و اقدامات گروه‌های غیرقانونی و ضد امنیتی، درج نظرات غیرمجاز سایر افراد در صفحه شخصی خود نیز پیگرد قانونی خواهد داشت.

قرار دادن سیم‌کارت و یا گوشی در اختیار افراد دیگر برای انجام اقدامات مجرمانه، جعل عنوان شخصیت‌ها و افراد شناخته شده از طریق ساخت اکانت‌های جعلی از دیگر اقدامات مجرمانه رایج در صفحات مجازی از قول این مقام مسئول است.

معاون دادستان قم همچنین به دارندگان صفحات در فضای مجازی نسبت به مسئولیت قانونی تحرکات و اقداماتشان هشدار داده و گفته که «تمامی اقدامات مجرمانه صورت گرفته در فضای مجازی و بستر شبکه‌های اجتماعی در رصد و اشراف کامل دادستانی و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی استان بوده و با متخلفان طبق ضوابط قانونی برخورد خواهد شد.»

محدودکردن فضای مجازی سال‌هاست از سوی مجلس شورای اسلامی و دولت در دستور کار قرار دارد. طرح به اصطلاح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی معروف یکی از مهم‌ترین طرح‌های جمهوری اسلامی در همین زمینه است که با ادعای حمایت از کاربران فضای مجازی اما برای محدودیت پلتفرم‌ها و رصد فعالیت اینترنتی شهروندان تدوین شده ولی به گفته برخی نمایندگان در حالی که در مجلس به تصویب قطعی نرسیده عملاً در حال اجراء است.

در حالی که بر اساس آخرین اعلام رسمی بررسی طرح صیانت در مجلس شورای اسلامی مدت‌هاست متوقف شده، هفته گذشته مرتضی آقاهیرانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و البته رئیس شورای مرکزی «جبهه پایداری» مدعی شد که طرح معروف صیانت در مراحل پایانی بررسی در مجلس است!

غلامرضا نوری قزلبچه عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح

● معاون دادستان قم معتقد است که هر شخص نسبت به تولید محتوا، انتشار و به اشتراک گذاردن مطلب در صفحه خود، محتوای کامنت‌های دیگران در این صفحه و لایک مطالب دیگران مسئولیت قانونی دارد.

● قرار دادن سیم‌کارت و یا گوشی در اختیار افراد دیگر برای انجام اقدامات مجرمانه، جعل عنوان شخصیت‌ها و افراد شناخته شده از طریق ساخت اکانت‌های جعلی از اقدامات مجرمانه اعلام شده است.

● در حالی که پیشتر طرحی برای جرم‌انگاری اظهار نظر چهره‌های شناخته در شبکه‌های اجتماعی مطرح شده بود، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی به دنبال جرم‌انگاری هر فعالیت مجازی برای همه شهروندان است.

در ادامه تلاش جمهوری اسلامی برای ایجاد محدودیت‌های بیشتر شهروندان در اینترنتی، معاون دادستان قم از جرم‌انگاری برای لایک، هشتگ و اظهار نظر در شبکه‌های اجتماعی خبر داد.

ابوالفضل تحریری معاون دادستان قم در امور فضای مجازی با تأکید بر «ضرورت تبیین مسئولیت افراد در قبال فعالیت در شبکه‌های اجتماعی» گفته که هر شخص نسبت به تولید محتوا در صفحه خود، محتوای کامنت‌های دیگران در این صفحه و لایک مطالب دیگران مسئولیت قانونی دارد.

ابوالفضل تحریری درباره اقدامات مجرمانه در فضای مجازی که منجر به پیگرد قضایی می‌شود گفته که «توهین به مقدسات، شخصیت‌ها، باورها، اعتقادات و اقوام، تبلیغ نژادپرستی، تهدید، انتشار اکاذیب، انتشار شایعات، تولید و انتشار اخبار و اطلاعات و تحلیل‌های غیرواقعی از شرایط، پدیده‌ها و حوادث در شبکه‌های مجازی دارای عناوین مجرمانه است که قانون‌گذار برای آن مجازات در نظر گرفته است.»

معاون دادستان قم معتقد است که هر شخص نسبت به تولید محتوا، انتشار و به اشتراک گذاردن مطلب در صفحه خود، محتوای کامنت‌های دیگران در این صفحه و لایک



نامه میرحسین موسوی برای «نجات ایران» یا «پلان B» برای نجات نظام جمهوری اسلامی؟



میرحسین موسوی

در این نامه که شنبه ۱۵ بهمن منتشر شد موسوی بدون مشخص کردن اینکه پیشنهادش خطاب به کیست و چگونه و توسط چه کسانی باید اجرا شود، خواستار برگزاری «همه‌پرسی»، «تدوین قانون اساسی» و «تشکیل مجلس مؤسسان» شده است. خود وی با صراحت نوشته است: «این پیشنهاد با ابهاماتی همراه است.»

در بخشی از این نامه آمده: «ایران و ایرانیان نیازمند و مهبای تحولی بنیادین‌اند، که خطوط اصلی‌اش را جنبش پاک «زن، زندگی، آزادی» ترسیم می‌کند. این سه کلمه بذرهای آینده روشن‌اند: آینده‌ای پیراسته از ظلم و فقر و تحقیر و تبعیض.» شماری از حامیان موسوی این نامه را به معنای عبور وی از نظام جمهوری اسلامی دانسته‌اند و برخی دیگر نیز عنوان کردند بندهایی از این نامه همان موضوعاتی است که در نامه‌ها و مصاحبه‌های شاهزاده رضا پهلوی بیان شده. شماری نیز این نامه را بخشی از پروژه اصلاح‌طلبان برای نجات جمهوری اسلامی می‌دانند و عنوان می‌کنند که تقویت موقعیت شاهزاده رضا پهلوی در داخل و خارج کشور بخشی از نظام را به تکاپو انداخته تا چاره‌ای بیاندیشند. بسیاری هم معتقدند بجز تأکید بر «یکپارچگی سرزمینی»، محتوای نامه موسوی اشتراکی با بیانه‌ها و اصولی که شاهزاده رضا پهلوی برای اتحاد و همکاری مطرح کرده ندارد. این اصول علاوه بر تمامیت ارضی عبارتند از پایبندی به دموکراسی سکولار (جدایی دین و حکومت) و حقوق بشر و تعیین شکل نظام ایران آینده با رأی مردم در یک انتخابات آزاد.

برخی نیز عنوان می‌کنند که موسوی در نامه خود اشاره‌ای به ضرورت سرنگونی نظام یا تغییر رژیم نکرده و صرفاً حرف‌هایی را تکرار کرده است که پیش از اینهم دیگران در جریان اصلاحات عنوان کرده بودند. البته موسوی در سال ۸۸ معتقد به «اجرای بدون تنازل قانون اساسی» جمهوری اسلامی بود. اما در نامه اخیر آنرا عملی نمی‌داند چرا که خود قانون اساسی رژیم را ظاهراً «برآمده از مردم و برای مردم» نمی‌داند و آنرا «در خدمت حراست از امتیازات ناروا و جایگاه کسانی که خویشتر از مافوق قانون می‌دانند» دانسته است. وی البته آن را به این شکل بیان کرده است: «قانون به عنوان

● در این نامه که شنبه ۱۵ بهمن منتشر شد موسوی بدون مشخص کردن اینکه پیشنهادش خطاب به کیست و چگونه و توسط چه کسانی باید اجرا شود، خواستار برگزاری «همه‌پرسی»، «تدوین قانون اساسی» و «تشکیل مجلس مؤسسان» شده است. خود وی با صراحت نوشته است: «این پیشنهاد با ابهاماتی همراه است.»

● بورقان ناظمی در توییتی می‌نویسد «آن زمان که موسوی هنوز نخست وزیر جمهوری اسلامی بود رضا پهلوی همان چیزهایی را می‌گفت و همان راه‌هایی را پیشنهاد می‌داد که امروز تازه موسوی با آن آسیب‌های خانمانسوز که به ایرانیان زده در ۸۱ سالگی به نتایجی رسیده که پهلوی ۲۹ ساله رسیده است.»

● همایون نادری‌فر کنشگر سیاسی در توییتی می‌نویسد «بیانیه میرحسین موسوی نه برای نجات ایران؛ بلکه برای نجات جمهوری اسلامی صادر شده است.» وی تأکید کرده «ایشان هنوز اطلاع ندارند که ملت ایران از هر آنچه که نشانی از فتنه ۵۷ و یابه قول ایشان انقلاب ۵۷ دارد.»

● رضا علیجانی فعال ملی مذهبی در مصاحبه با ایران اینترنشنال با استقبال از نامه موسوی ادعا کرد او در سمت درست تاریخ ایستاده و مهم نیست شیفتگی‌اش به خمینی را حفظ کند؛ استدلال او این است که «نباید گذشته افراد را نبش قبر کرد.»

● عمار ملکی مسئول مؤسسه نظرسنجی «گمان» می‌گوید «میرحسین موسوی بطور مشخص پایگاه رای دارد که به صورت منسجم قابل توجه است. همراهی او با تغییر نظام می‌تواند جنبش سبزی‌ها را با جنبش سراسری همراه کند.»

انتشار نامه‌ای از میرحسین موسوی از رهبران جنبش سبز همزمان با چهل و چهارمین سالگرد انقلاب اسلامی در ایران با واکنش‌های متفاوتی روبرو شده است. هوادارانش می‌گویند این نامه‌ای برای «نجات ایران» است اما منتقدان و مخالفان وی معتقدند پروژه‌ای است در واکنش به کارزار وکالت به شاهزاده رضا پهلوی و برای نجات جمهوری اسلامی طراحی شده است.

اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور می‌پردازند مجازات‌هایی از جمله ۱۰ تا ۱۵ سال حبس، جزای نقدی و ۵ تا ۱۰ سال محرومیت از حقوق اجتماعی تعیین کرده است. بر اساس این طرح بخش جدیدی به ماده ۵۱۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی افزوده می‌شود که بر اساس آن «هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد.»

بخش جدیدی که کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی آن را با عنوان «ماده مکرر» تدوین کرده، سلبریتی‌ها و افراد مشهور و پرمخاطب را هدف قرار داده است؛ این افراد در صورت اظهار نظر درباره مسائل کشور به مجازات درجه سه که طبق قانون مجازات اسلامی شامل «حبس بیشتر از ۱۰ تا ۱۵ سال» و «جزای نقدی بیشتر از ۳۶۰ میلیون ریال تا ۵۵۰ میلیون ریال» است محکوم خواهند شد.

اکنون به نظر می‌رسد بر اساس آنچه ابوالفضل تحریری معاون دادستان قم در امور فضای مجازی اعلام کرده، نهادهای مسئول به دنبال جرم‌انگاری مشابهی برای همه شهروندان هستند.

محسن برهانی وکیل دادگستری و استاد حقوق دانشگاه تهران در اینباره گفته که «۱. عضویت در کانال و گروه و دنبال کردن یک صفحه و دیدن و خواندن مطالب سایرین، هیچ عنوان مجرمانه‌ای ندارد. ۲. ایجاد گروه مجازی هم جرم نیست. ۳. اگر در گروه فوق، شخصی مطلبی گذاشت ربطی به ادمین ندارد. چرا برخی شبیه کریستف کلمب شده‌اند؛ او قاره کشف می‌کرد و این حضرات عنوان مجرمانه!»

نعمت احمدی حقوقدان نیز در مورد این طرح جدید به وبسایت «خبرآنلاین» گفته که «اول باید جرم بودن یک مسئله در قانون مشخص شود، لذا بیان چنین مسائلی نه جنبه فقهی و شرعی دارد و نه در راستای آزادی‌های مردم است. این فقط یک اظهار نظر غیرکارشناسی است. اگر این موارد در بعضی محاکم اجرا شود باید به خدا پناه برد، چراکه مهمترین اصل در قانون، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است، یعنی اول قانونگذار باید جرم را تعریف کند و بعد برای آن مجازات تعریف کرد.»

نعمت احمدی در ادامه گفته که «درباره هر چیزی اول باید قانونگذاری شود، در همین مورد هم اول باید تشریفات قانونی در مجلس سپری شود، اگر موضوع با طی تشریفات قانونی مصوب شد آن موقع بیاید بگویند لایک کردن جرم است، اما پیش از آن که قانونی مصوب شود و منعی در کار باشد، نمی‌توان گفت لایک زدن و هشتک درست کردن غیرقانونی است.»

این حقوقدان نزدیک به جریان اصلاح‌طلب با بیان اینکه «اصل نهم قانون اساسی می‌گوید هیچ کس نمی‌تواند حتی با قانونگذاری آزادی‌های مشروع مردم را محدود کند» افزوده که «ما به نمایندگان وکالت دادیم تا برای زندگی خوب پیرامون قانون اساسی، قانونگذاری کنند، نه اینکه در مجلس بر خلاف همه موازین بخواهند چنین قانونی تصویب کنند، لذا ماده نهم قانون اساسی چنین اجازه‌ای به آن‌ها نمی‌دهد.»

نعمت احمدی همچنین گفته که «اگر خدایی نکرده مجلس با چنین عنوانی طرحی ارائه کرد و شورای نگهبان هم آن را تایید کرد باید بگویم باز هم متاسفم، چراکه در عصر انفجار اطلاعات ما با قانونگذاری می‌خواهیم جلوی آن را بگیریم، البته چنین اقدامی قانونی نیست، به نظرم میان خودشان هم اختلاف وجود دارد و احتمالاً طرح مورد نظر به منزل مشخصی نرسد.»

تنها راه نجات کشور زمانی معنا می‌دهد که خود بر ناموسی پیشین از عدالت و حقانیت تکیه کند. قانونی بهروزی به بار می‌آورد که برآمده از مردم و برای مردم باشد، نه در خدمت حراست از امتیازات ناروا و جایگاه کسانی که خویشقت را مافوق قانون می‌دانند.»

آخرین نامه موسوی پیش از نامه ۱۵ بهمن در مرداد ۱۴۰۱ منتشر شده بود که در آن هشدار داد «بوی ستم‌شاهی به مشام می‌رسد!» وی در لوی انتقاد از علی خامنه‌ای، شیوه حکمرانی وی را با ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی مقایسه کرد و بدون اینکه اسمی از رضا پهلوی بیاورد از موروثی شدن حکومت انتقاد نمود. در همین نامه وی به دفاع از روح‌الله خمینی پرداخت و نوشت «آن جان بیدار اگر امروز حضور داشت چه واکنشی نشان می‌داد؟ احتمالاً می‌گفت غلط می‌کنند ملتی را به قهقرا برگردانند.»

شماره از هواداران شاهزاده پهلوی می‌گویند این نامه موسوی واکنشی به کارزار «#من_وکالت_میدهم» است. بورقان نامی ساکن واشنگتن می‌نویسد آن زمان که موسوی هنوز نخست وزیر جمهوری اسلامی در دوران ریاست جمهوری علی خامنه‌ای بود رضا پهلوی همان چیزهایی را می‌گفت و همان راه‌هایی را پیشنهاد می‌داد که امروز تازه موسوی با آن آسیب‌های خامناسوز که به ایرانیان زده، ظاهراً رسیده است. موسوی در ۸۱ سالگی آنچه را مطرح می‌کند که رضا پهلوی ۲۹ ساله مطرح کرده بود.

همایون نادری فر کنشگر سیاسی در توپیتی می‌نویسد «بیانیه میرحسین موسوی نه برای نجات ایران بلکه برای نجات جمهوری اسلامی صادر شده است.» وی تأکید کرده «ایشان هنوز اطلاع ندارند که ملت ایران از هر آنچه که نشانی از فتنه ۵۷ و پایه قول ایشان انقلاب ۵۷ دارد، عبور کرده‌اند و ایتروزها و در سالگرد این پدیده شوم، شعار «فتنه ۵۷ عامل هر فلاکت» سر می‌دهند.»

احسان آریان از فعالان مشروطه‌خواه ویدئوی از مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی با بخش فارسی بی‌بی‌سی منتشر کرده است که در آن عنایت فانی مجری برنامه از وی می‌پرسد چرا فکر می‌کنید هواداران «جنبش سبز» با این محبوبیت رهبران‌شان با فراخوان‌های شما تغییر عقیده می‌دهند؟ و شاهزاده می‌گوید «چون جامعه یک تغییر اساسی می‌خواهد و رهبرانی که همچنان در قالب این نظام باقی می‌مانند، جامعه را از دست خواهند داد!» حالا بر اساس گفته خود میرحسین موسوی که پیشنهادش را دارای «ابهام» می‌داند، معلوم نیست وی از «قالب این نظام» خارج شده و یا اینکه فقط می‌خواهد قالب در چارچوب نظام جمهوری اسلامی کمی «اصلاح» شود و «تحول» پیدا کند.

از سوی دیگر، در شرایطی که عده‌ای نامه موسوی را «پلان B» برای نجات نظام می‌دانند، رضا علیجانی فعال ملی-مذهبی در مصاحبه با ایران اینترنشنال با استقبال از نامه موسوی ادعا کرده است که او در سمت درست تاریخ ایستاده و مهم نیست شیفتگی‌اش به خمینی را حفظ کند! استدلال او این است که «نباید گذشته افراد را نبش قبر کرد!» علیجانی تأکید کرده: «وقتی رضا پهلوی از انتخابات آزاد صحبت می‌کند حالا مهم نیست پدرش را که ۹۰ درصد انتخاب‌هایش آزاد نبوده، نقد نکند!» روشن نیست علیجانی چطور عملکرد سیاسی شخص موسوی را با عملکرد رضا پهلوی مقایسه کرده و پاسخگویی سیاست «پدرش»، اگر هم نقدی بر آن وارد باشد، از وی می‌خواهد!

علیجانی همچنین گفت «بین سه چهار نکته‌ای که موسوی گفته تفاوتی با آنچه پهلوی گفته وجود ندارد: آزادی، تمامیت ارضی، یکپارچگی سرزمینی و دموکراسی...». این در حالیکه که از یکسو خود موسوی پیشنهادش را دارای «ابهام» دانسته و

از سوی دیگر اصولی که شاهزاده رضا پهلوی مطرح کرده کاملاً شفاف هستند: تمامیت ارضی، پابندی به دموکراسی سکولار و حقوق بشر و تعیین شکل نظام آینده با رأی مردم در انتخابات آزاد!

محمدجواد اکبرین دین‌پژوه ساکن فرانسه نیز بخش‌هایی از نامه موسوی را برجسته کرده است از جمله اینکه «جامعه از اصلاح در چارچوب ساختار موجود مأیوس شد» و «مردم اگر نظم جدید بخواهند ساختار پیشین فرو می‌ریزد» و «حق سال ۵۷ برای نسل‌های بعدی هم محرز است.»

عمار ملکی مسئول مؤسسه نظرسنجی «گمان» می‌گوید «میرحسین موسوی بطور مشخص پایگاه رای دارد که به صورت منسجم قابل توجه است. همراهی او با تغییر نظام می‌تواند جنبش سبزی‌ها را با جنبش سراسری همراه کند.»

تردید مخاطبان نسبت به اینکه اصلاح‌طلبان با تکیه بر نامه موسوی پروژه جدیدی برای نگر داشتن قدرت در حیطه خودی‌ها دارند عجیب نیست زیرا همزمان با انتشار نامه موسوی «شورای ملی ایرانیان آمریکا» (نایاک) نامه اصلاح‌طلبان را که تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران را محکوم کرده‌اند بازتاب داده و همزمان به مقاله‌ای از مصطفی تاجزاده اشاره کرده است که «نقشه راه برای دستیابی به دموکراسی» ارائه می‌دهد!

پیش از این پایگاه خبری «واشنگتن فری‌پیکن» اول فوریه (۱۱ بهمن) گزارش داد ائتلافی از گروه‌های فعال تحت حمایت جرج سوروس، چارلز کُخ و صندوق «برادران راکفلر» در حال راه‌اندازی یک کمپین لابی مخفی برای «احیای برجام» از طریق مرتبط کردن آن با جنبش حقوق بشر ایران هستند و نایاک، بنیادهای جامعه باز، دیده‌بان حقوق بشر و صندوق برادران راکفلر پشت طرحی برای لابی کردن قانونگذاران جهت استفاده از ابواب حقوق بشر به عنوان پوششی جهت احیای توافق اتمی در آن همکاری دارند. گفتنی است که چندی پیش نایاک اعلام کرده بود که از خواست مردم مبنی بر تغییر رژیم در ایران حمایت می‌کند!

متن کامل نامه میرحسین موسوی که نخست کانال تلگرامی «کلمه» آن را منتشر کرده به شرح زیر است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

اعتراضات به حق مردم و حوادث خونبار ماه‌ها و سال‌های اخیر حقایق بزرگی را به ملت ما ثابت کرد. لجاجت، اصرار بر روش‌های سرکوبگرانه به جای گفت‌وگو و اقناع، و خودداری از برداشتن کوچک‌ترین گامی در جهت احقاق حقوق مصرح شهروندان در قانون اساسی و مطالبات مردم سال‌به‌سال بر دوری حاکمان از مردم افزود و جامعه را از اصلاح در چارچوب ساختار موجود مأیوس کرد.

زایش دلهره‌آور فاصله‌های طبقاتی، اثرات سیاست‌های ماجراجویانه دشمن‌محور به جای دوستی و همکاری جهانی و منطقه‌ای، فساد گسترده در نهادهای پولی و مالی، خفقان گسترده فرهنگی، فقدان آزادی‌ها و سرکوب وحشیانه زنان و مردان و حتی کودکان به ملت ما نشان داد که «اجرای بدون تنازل قانون اساسی»، به عنوان شعاری که سیزده سال پیش بدان امید می‌رفت، دیگر کارساز نیست و باید گامی فراتر از آن گذاشت.

قانون به عنوان تنها راه نجات کشور زمانی معنا می‌دهد که خود بر ناموسی پیشین از عدالت و حقانیت تکیه کند. قانونی بهروزی به بار می‌آورد که برآمده از مردم و برای مردم باشد، نه در خدمت حراست از امتیازات ناروا و جایگاه کسانی که خویشقت را مافوق قانون می‌دانند.

اینک همه از وجود بحران‌های به‌هم‌پیوسته در کشور خبر دارند: بحران اقتصادی (از گسترش فقر تا سقوط آزاد ارزش پول ملی و تورم کمرشکنی که بار سنگین آن قامت اکثر مردم را خم

کرده است)، بحران مدیریت و ناکارآمدی (از ناتوانی حاکمیت برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها تا فساد ساختاری و شبکه‌ای)، بحران سیاست داخلی و خارجی، بحران زیست‌محیطی، بحران اجتماعی، بحران مشروعیت، بحران فرهنگی و رسانه‌ای و ... ولی بحران بحران‌ها ساختار تناقض‌آلود و غیرقابل دوام نظام اساسی کشور است. این قدرت غیرپاسخگو و مسئولیت‌ناپذیر است که روزگار را بر ما تاریک می‌سازد و راه را بر بهروزی مردم زنجیده می‌بندد.

ایران و ایرانیان نیازمند و مهیای تحولی بنیادین‌اند، که خطوط اصلی‌اش را جنبش پاک «زن، زندگی، آزادی» ترسیم می‌کند. این سه کلمه بذرهای آینده روشن‌اند؛ آینده‌ای پیراسته از ظلم و فقر و تحقیر و تبعیض. این‌ها سه واژه‌اند که با خود تاریخی از تکاپو و تفکر و مبارزه و آرزو حمل می‌کنند؛ و در میان‌شان «زن» از همه امیدبخش‌تر است، زیرا در بین ما سعادت و خیر عمومی به دست نمی‌آید و مبارزات بزرگ اجتماعی به پیروزی نمی‌رسند مگر با حضور زنان و مردان در کنار هم. و هیچ مبارزه‌ای نیست که با این شرط به پیروزی نرسد.

همان حقی که شالوده انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷ و قانون اساسی فعلی قرار گرفت برای نسل‌های بعدی نیز محرز است، تا اگر تصمیم پیشینیان منجر به گره‌های کور در زندگی جامعه شد، یا ابزار سوء استفاده قدرت‌طلبان بود، بتوانند جهت عبور از بحران‌ها و گشودن مسیر به سمت آزادی، عدالت، مردم‌سالاری و توسعه دست به تجدیدنظرهای اساسی بزنند و به منظور حفظ امنیت عمومی و پیشگیری از خشونت خواستار تغییر نظم موجود یا تدوین میثاقی اساساً تازه شوند؛ میثاقی که پیش‌نویس آن از سوی نمایندگان منتخب مردم، از هر قومیتی و با هر گرایش سیاسی و عقیدتی تهیه شود و در یک همه‌پرسی آزاد به تأیید ملت برسد.

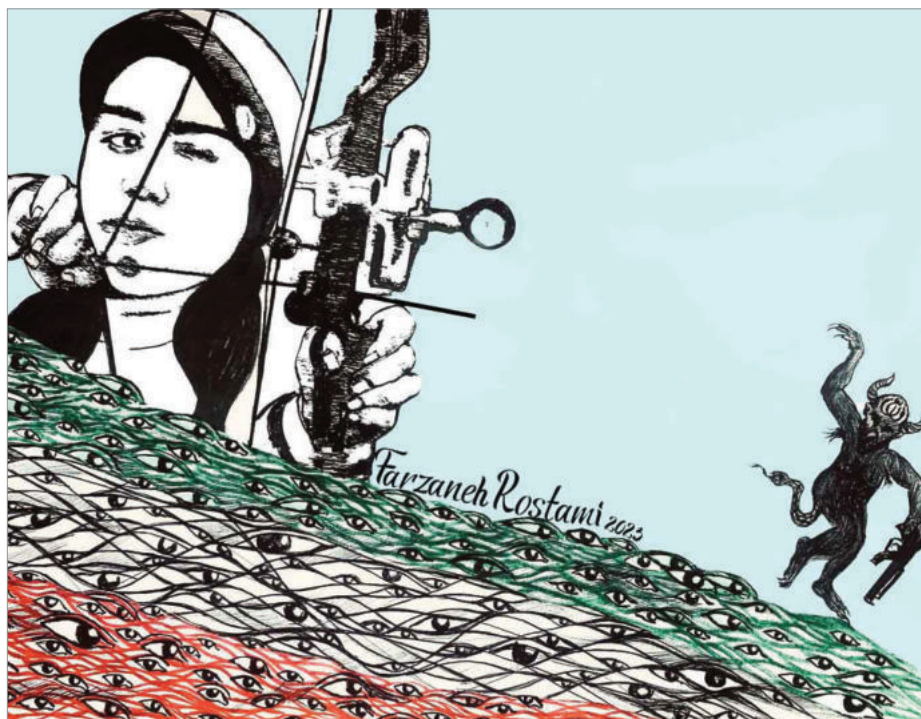
در این جهت اینجانب به عنوان یکی از آحاد ملت ایران با استناد به حق مستمر و غیرقابل سلب انسان‌ها برای تعیین سرنوشت خود پیشنهاد زیر را به پیشگاه مردم ارائه و با تمامی نیروها و شخصیت‌های آزادی‌خواه، مدافع استقلال و یکپارچگی سرزمینی، خشونت‌پرهیز و توسعه‌گرا در میان می‌گذارم: اول- برگزاری همه‌پرسی آزاد و سالم در مورد ضرورت تغییر یا تدوین قانون اساسی جدید.

دوم- در صورت پاسخ مثبت مردم، تشکیل مجلس مؤسسان مرکب از نمایندگان واقعی ملت از طریق انتخاباتی آزاد و منصفانه. سوم - همه‌پرسی درباره متن مصوب آن مجلس به منظور استقرار نظامی مبتنی بر حاکمیت قانون و مطابق با موازین حقوق انسانی و برخاسته از اراده مردم.

این پیشنهاد با ابهاماتی همراه است. کمترین آنکه چه کسی قرار است آن را بپذیرد یا به اجرا بگذارد. از آن بالاتر چه باید کرد تا چهل سال بعد از نو به همین نقطه باز نگردیم و از سوی آیندگان سرزنش نشویم. از آن مبرم‌تر، چگونه به توانایی‌مان برای عبور از این مرحله ایمان بیاوریم. مثلاً نگاه کنیم که نفس طرح یک سامان نو چگونه بنای قدرت خودکامه را به لرزه در می‌آورد و او را به واکنش و خواهد داشت. زیرا ماوای اقتدار مردم‌اند. اقتدار در سلاح و سرکوب نیست، بلکه در همراهی ملت است، همان ملتی که اگر نگاهش متوجه و علاقمند به نظمی جدید باشد ساختار پیشین، بخواهد یا نخواهد فرو می‌ریزد.

رفع این ابهامات نیاز به تأمل و همکاری دارد؛ برای نجات ایران، آن مادری که از او طفلی به نام شادی گم شده است، با چشم‌های روشن براق، با گیسوی بلند به بالای آرزو. هر کس از او نشانی دارد ما را کند خبر. این هم نشان ما: یک سو خلیج فارس، سوی دگر خزر.

میرحسین موسوی



طرح‌های فرزانه رستمی

طرح عجیب و ضد انسانی مجلس شورای اسلامی در مقابله با کشف حجاب زنان: محرومیت از خدمات اجتماعی و انسداد «کارت ملی»!

محمدمهدی حاج‌محمدی سرپرست دادرسی ارشاد اسلامی نوشت که وی از شهروندان «دلسوز و اخلاق‌مدار تهرانی» خواسته برای «مقابله با برخی تلاش‌ها جهت ضربه به بنیان خانواده ایرانی، با مشاهده هرگونه کشف حجاب یا اقدامات هنجارشکنانه در خودرو، کشف حجاب یا سرو مشروبات یا برگزاری مراسم مختلط رقص در اماکنی همچون سفره‌خانه، کافه، رستوران، مراکز خرید، باغ تالار و... اطلاع از برگزاری پارتهای شبانه یا خانه‌های فساد و فحشا، انتشار مطالب خلاف عفت در اینستاگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی، موضوع را پس از جمع‌آوری مستندات لازم، به شماره ۰۹۰۵۴۳۰۹۴۸۴ در پیام‌رسان‌های بله، سروش، ایتا و... ارسال کنند.»

یک سال بعد سردار قاسم رضایی جانشین فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی از اجرای «طرح ناظر یک و دو» خبر داد که برای مبارزه با عدم رعایت حجاب اجباری در اتومبیل‌ها و فروشگاه‌ها انجام می‌شود. بر اساس این طرح، «برای بار اول پیامک‌هایی به گوشی تلفن همراه فرد ارسال می‌شود، در بار دوم احضار و تعهد کتبی» صورت می‌گیرد و «در بار سوم نیز در قانون تعریف‌هایی در نظر گرفته شده است!»

اینهمه در حالیست که پس از قتل حکومتی مهسا امینی در اواخر شهریورماه ۱۴۰۱ نه تنها جنبش اعتراضی جدیدی علیه حکومت و بر زمینه‌ی نقض فاحش حقوق بشر توسط رژیم به ویژه علیه زنان شکل گرفت بلکه جمهوری اسلامی تلاش کرد تا با پخش شایعات و تحریف رویدادها و اتهام‌داری که مردم به دلیل حجاب زیر فشار و سرکوب قرار می‌گیرند. اما پس از مدتی تأکید بر غیرقانونی بودن بی‌حجابی و کشف حجاب نشان می‌دهد که درهای سرکوب زنان از جمله در مورد پوشش همچنان بر پاشنه چهار دهه گذشته می‌چرخد و انواع نیروهای سرکوب با پشتیبانی قوه قضائیه و پلیس و بسیج و ارشاد و... در کوچه و خیابان و محل کار و مدرسه و دانشگاه و اتوبوس و مترو و حتی اتومبیل‌های شخصی مزاحم آنان می‌شوند تا آنها را جریمه و مجازات کنند!

غضنفرآبادی در واکنش به اینکه این قانون می‌تواند با مقابله بیشتر کسانی که وی «خاطی» نامیده، روبرو شود ادعا کرد: «در رابطه با بستن کمربند در خودرو، سرپیچی اتفاق نیفتاد و احتمالاً برای این موضوع هم به همین صورت باشد. وقتی طرحی تبدیل به قانون می‌شود، باید اجرا شود. ولی باید بگویم در این رویکرد، برخورد فیزیکی را نخواهیم دید. در مورد اینکه رهبر معظم انقلاب هم گفتند افراد کم حجاب نیز فرزندان ما هستند، باید بگویم پیگیری این طرح، هیچ منافاتی با فرمایش ایشان ندارد.»

روز جمعه هفتم بهمن فرمانده نیروی انتظامی تهران تغییر کرد و سردار عباسعلی محمدیان فرمانده نیروی انتظامی در استان البرز و رئیس پیشین پلیس آگاهی تهران به سمت فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ بجای سردار حسین رحیمی منصوب شد.

درست یک روز بعد خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از مهدی حاجیان معاون فرهنگی اجتماعی و سخنگوی فرماندهی کل انتظامی از ادامه ارسال پیامک «کشف حجاب» از سوی پلیس به سرشنینان اتومبیل‌ها و روند جدید فرماندهی انتظامی برای مقابله با بدحجابی خبر داد.

به گفته مهدی حاجیان، پیامک ارسال بر اساس سامانه «ناظر ۱» پلیس که از قبل فعال بوده و الان هم فعال است انجام شده و مبنای این اقدام هم انجام وظیفه قانونی پلیس بر اساس ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی است. وی افزود: «در ماده ۶۳۸ آمده است که رعایت حجاب شرعی الزامی است و عدم تمکین آن را قانونگذار جرم‌انگاری کرده و قاعداً برای چگونگی اجرای آن انشالله در نهادهای بالادستی تصمیم‌گیری خواهد شد.»

در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» در تیرماه سال ۹۸ خبرگزاری «تسنیم» به نقل از

رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «در ابتدا برای فرد خاطی، پیامک ارسال می‌شود و به او اخطار می‌دهیم و در مرحله بعد و در صورت اصرار فرد بر بی‌حجابی، او را با جریمه روبرو خواهیم کرد.»

«در این طرح با کشف حجاب، کارت ملی شخص مسدود می‌شود و تا زمانی که فرد بی‌حجاب، جریمه بی‌حجابی‌اش را پرداخت نکند، همه خدمات اجتماعی او مثل امکان بهره‌بردن از سیستم بانکی کشور و... را از او می‌گیریم.»

رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه در حال حاضر طرح ناظر فعال بر بی‌حجابی در اتومبیل‌ها، مثل سابق در دستور کار است و مجدد برای بی‌حجابان پیامک ارسال می‌شود گفت: «به زودی نیز طرح و برنامه‌ای داریم که کسانی را که در معابر و مکان‌های دیگر کشف حجاب می‌کنند از طریق سیستم شناسایی کنیم تا برایشان تخلف ثبت شود و در نهایت، این افراد از خدمات اجتماعی محروم خواهند شد.»

موسی غضنفرآبادی رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با اعلام این مطلب افزود: «در ابتدا برای فرد خاطی، پیامک ارسال می‌شود و به او اخطار می‌دهیم و در مرحله بعد و در صورت اصرار فرد بر بی‌حجابی، او را با جریمه روبرو خواهیم کرد.»

وی اضافه کرد: «در این طرح با کشف حجاب، کارت ملی شخص مسدود می‌شود و تا زمانی که فرد بی‌حجاب، جریمه بی‌حجابی‌اش را پرداخت نکند، همه خدمات اجتماعی او مثل امکان بهره‌بردن از سیستم بانکی کشور و... را از او می‌گیریم.»

عضو فراکسیون روحانیت مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «همی‌دانم این طرح قرار است در کدام کمیسیون نهایی شود، ولی فعلاً و در ابتدا در کمیسیون قضایی و حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. عمده این طرح، رعایت شئون اسلامی است که یکی از این موضوعات، کشف حجاب است.»

«این سه روز سرد»؛ روایت دردناک سه روز منتهی به «اعدام» محمد حسینی و محمد مهدی کرمی



محمد (کیان) حسینی، محمد مهدی کرمی



سید و محمد مهدی را برده‌اند سوله و حتی نگذاشتند به صبح بکشد! بعد هم خورش آمد، گفتند که بچه‌ها ساعت یک، یک و نیم رفته‌اند آنجا، آن بالاها، بالای دار.»

حکم ناعادلانه و غیرقانونی «اعدام» محمد مهدی کرمی و محمد (کیان) حسینی دو شهروند معترضی که آبان امسال بازداشت شده بودند، سحرگاه روز شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱ در زندان کرج اجرا شد.

محمد مهدی کرمی از روز چهارشنبه ۱۴ دی در اعتصاب غذای خشک بود و در حال اعتصاب غذا اعدام شد. محمد آقاسی وکیل پایه یک دادگستری که از ماه گذشته به عنوان وکیل تعیینی (اختیاری) محمد مهدی در حال تلاش برای پذیرش وکالتش بر این پرونده از سوی قوه قضاییه بود خبر داد که محمد مهدی از چهارشنبه گذشته و در اعتراض به اینکه قوه قضاییه از پذیرش وکیل او خودداری کرده، اعتصاب غذای خشک کرده بود.

جمهوری اسلامی حتی این دو جوان را از آخرین دیدار حضور با خانواده پیش از اعدام محروم کرد. پدر و مادر محمد مهدی و تعدادی دیگر از اعضای خانواده از شامگاه مقابل ورودی زندان بودند و برای دیدار او التماس می‌کردند اما نگذاشتند آنها فرزندشان را ببینند و حتی خبر اعدام را هم به آنها ندادند.

محمد مهدی کرمی و محمد حسینی از جمله ۱۶ متهم پرونده امنیتی و مبهم کشته شدن یک بسیجی به نام روح‌الله عجمیان بودند. پس از برگزاری مراسم چهل‌مدت نجفی در «بهشت سکینه» کرج، مأموران لباس شخصی، امنیتی و نظامی مسیر جاده را بستند و به مردم یورش بردند و درگیری شدیدی میان نیروهای حکومتی و مردمی که در حال دفاع مشروع از خود بودند در گرفت.

در جریان این درگیری روح‌الله عجمیان بسیجی مسلح و از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی کشته شد. نهادهای امنیتی اقدام به بازداشت شماری از شهروندان در رابطه با این پرونده کردند و در نهایت ۱۶ شهروند را با اتهام سنگین محاربه و قتل این بسیجی راهی دادگاه انقلاب اسلامی کردند. دادگاه انقلاب کرج پنج متهم پرونده، حمید قره‌حسنلو، محمد مهدی کرمی، سید محمد حسینی، رضا آریا و حسین محمدی را به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم و برای ۱۱ متهم دیگر زندان‌های «طول‌المدت» صادر کرد.

متهمان پرونده به وکیل انتخابی دسترسی نداشتند و امکان دفاع از خود در دادگاه را نیز نیافتند. همه متهمان مورد شکنجه‌های شدید جسمی برای اقرار به قتل یا مشارکت در قتل روح‌الله عجمیان قرار گرفتند.

یکی از نکات مهم درباره دو متهمی که توسط

را آرام کردیم که سکوت کند و خودمان دندان روی جگر گذاشتیم بلکه زورشان به او که از همه‌ی مان کوچکتر بود نرسد. گفتیم خب، فتاحی گفته آزاد می‌شوند و ما هم که در این چهاردیواری، دلمان را بلاخره باید به یک چیزی خوش می‌کردیم. روز بعد رسید. صبحش سید آمد دم تک تک اتاقا که بچه‌ها صبحانه بخورید، آرام باشید تا مبادا برای محمد مهدی بد بشود، مهدی کم سن است و پرشور، وظیفه ماست که مراقبش باشیم... خلاصه دل ساده‌ی سید را گیر آورده بودند و او هم که ذاتا بزرگ بود، مثل برادر بزرگ‌ها دقیقا مدام نگران بود که ما کاری نکنیم، که چیزی نشود، که خدای ناکرده برای محمد مهدی بد شود.

عصر همان روز، اسم بعضی از ما که در لیست اعتصاب غذا بود به عنوان کسانی که نظم زندان را بهم زده‌اند را به نگرانی دادند و نگرانی آمد تهدید کرد که محمد مهدی اگر یک درصد بخت آزادی داشته باشد با این کار می‌فرستیمش سوله و دستش را کوتاه می‌کنیم از نامه و تلفن زدن. این مسائل و خواهش‌های برادرانه‌ی سید که انگار با اینکه خودش هیچ‌وقت هیچ خانواده‌ای نداشت حالا خانواده‌ی ما شده بود، باعث شد اعتصاب غذا را بشکنیم.

شرایط به نوعی بود که همه آزادی سید را باور کرده بودیم، و حتی خیال می‌بافتیم که بعد آزادی تولد سید را فلانجا بگیریم و جمع شویم و با هم بخندیم به سیاهی پایان‌ناپذیر این روزها... خودش هم می‌گفت بچه‌ها من حکم متوقف شده و بیاید فقط مراقب مهدی باشیم و برای توقف حکم او تلاش کنیم روز بعد، جمعه صبح «عباسی» یکی از مسؤلین زندان به بند ما آمد و تک به تک، با یکجور همدلی نمادین [کاذب] که آموخت دلمان می‌خواست باورش کنیم، دم اتاقا رفت و مشکلات بچه‌ها را پرسید و ما هم گفتیم... بعد چند ورقه کاغذ به‌مان داد و گفت «نام» و «مشکلاتتان» را بنویسید تا کمک کنیم حل شوند.

دیدیم که یکجور شور و شوق، یکجور امید سراسری و کودکانه در فضای خالی زندان جریان گرفته، انگار باورمان شده بود که نام داریم، نامی که می‌شد بدون متهم شدن بنویسی‌اش، که حتی حق داریم رنجی داشته باشیم، رنجی که نوشتن آن روی کاغذ «مصادق اتهام تازه» نباشد آنوقت «عباسی» رفت پشت بلندگو، شش یا هفت نفر را صدا زد که دنبال بیایند، محمد مهدی و سید را هم صدا زد... و یکبار بچه‌ها را برد. ما نمی‌دانستیم ماجرا از چه قرار است، مثل گرگی که در لباس میش به گله زده باشد و بعد بفهمیم که طرف گرگ بوده... ما را مشغول نوشتن کردند. و این بی‌وجدان‌ها، این خانه‌خراب‌ها، محمد مهدی و سید را همان موقع کشیدند بیرون. بعد فهمیدیم باقی بچه‌ها را فرستاده‌اند قرنطینه و

● «این بی‌وجدان‌ها، این خانه‌خراب‌ها، محمد مهدی و سید را همان موقع کشیدند بیرون. بعد فهمیدیم باقی بچه‌ها را فرستاده‌اند قرنطینه و سید و محمد مهدی را برده‌اند سوله و حتی نگذاشتند به صبح بکشد! بعد هم خورش آمد، گفتند که بچه‌ها ساعت یک، یک و نیم رفته‌اند آنجا، آن بالاها، بالای دار.»

● حکم ناعادلانه و غیرقانونی «اعدام» محمد مهدی کرمی و محمد حسینی دو شهروند معترضی که آبان امسال بازداشت شده بودند، سحرگاه روز شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱ در زندان کرج اجرا شد.

صفحه توئیتری «۱۵۰۰ تصویر» که خبرهای حقوق بشری بازداشت‌شدگان و جانباختگان را منتشر می‌کند در رشته توئیتری از زبان چند تن از هم‌بندی‌های محمد مهدی کرمی و محمد (کیان) حسینی دو جوان معترضی که در روندی غیرقانونی و غیرانسانی اعدام شدند روایتی از سه روز منتهی به اجرای ناگهانی حکم اعدام این جوانان را منتشر کرده است. در این رشته توئیتر جزئیات هفتاد و دو ساعت قبل از اعدام محمد مهدی کرمی و سید محمد حسینی از زبان چند هم‌بندی آنها توضیح داده شده و نشان می‌دهد که «محمد مهدی» و «سید» در کمال ناباوری و طی سناریوی ضدانسانی نهادهای امنیتی و قضایی و بارد پای «آخوندهای کله‌گنده‌ی قم» به دار آویخته شدند. این دو جوان و شماری از هم‌بندی‌هایشان تا لحظه آخر بازیچه مأموران حکومتی بودند.

در این رشته توئیتر که با عنوان «این سه روز سرد» منتشر شده آمده است: «یک روز چهارشنبه بود که خبر رسمی‌اش بیرون آمد. ظاهرا چند رأس از آخوند کله‌گنده‌های قم ورود کرده بودند به پرونده‌ی بچه‌ها و افاضه کرده بودند که «چه؟ تجدید نظر؟ این چه صیغه‌ایست؟ اینها را باید تکه تکه کنید!». تصمیم گرفتیم نافرمانی مدنی کنیم، یعنی اعتصاب غذا و شعار و تحریم کارت تلفن... فردایش (پنجشنبه)، «فتاحی» محمد مهدی و سید را صدا زد و بچه‌ها با بیم و امید رفتند سمت دفترش یک حالتی حاکم بود انگار که همه با خود می‌گفتیم یعنی می‌شود... مثلا بچه‌ها با خبر خوش بیایند.

به سید گفته بودند حکم تو متوقف شده و شنبه یکشنبه خبر رسمی‌اش بیرون می‌آید، نگران نباش، فقط هم‌بندی‌ها را آرام کن، آزاد می‌شوی، برمی‌گردد سر کار و امان از امیدهای بی‌موقع، امان از آدم‌ها، آدم‌ها، آدم‌های رذل. اما محمد مهدی که سنش کم‌تر بود بدون ترس بهشان گفته بود ما همه می‌خواهیم اعتصاب غذا کنیم تا آزادی ما و برادرانمان تضمین شود! و «فتاحی» هم گفته بودش اگر نظم زندان را بهم بزنیم همه را می‌نویسیم پای تو بچّه!

به خاطر همین ما سرمان را انداختیم پایین، محمد مهدی

تشکیل «یگان‌های ضد شورش» در پادگان‌ها و منازل سازمانی ارتش بجای رسیدگی به وضعیت کارکنان!



بازدید فرمانده ارتش جمهوری اسلامی از یک دوره آموزشی نیروهای واکنش سریع و نیرو مخصوص نیروی زمینی؛ آبان ۱۳۹۸

«بسیاری از افراد سؤال می‌کنند در حوادثی که در کشور اتفاق می‌افتد جایگاه ارتش کجاست؟ موضع او چیست؟» و در ادامه می‌گوید «ولایت فقیه خط قرمز ارتش است.» موسوی در این سخنرانی همچنین گفت، «یکی از اهدافی که دشمنان در حوادث اخیر دنبال می‌کردند تضعیف نیروهای مسلح بود، آنها طراحی دقیق کرده بودند که نیروهای مسلح را سرگرم و تضعیف کنند تا اگر خواستند کاری انجام دهند با نیروی ضعیف روبرو باشند. دشمن برای اینکه به اهداف خود برسد دیدید که چه کسانی را به میدان آورد. برای مثال در خصوص اتفاقات اخیر ۵۰۰ میلیون توییت زده شد.»

کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش اخیراً به دلیل دخالت در سرکوب معترضان در فهرست تحریم‌های انگلیس قرار گرفت. حیدری با صراحت به دخالت خود و نیروهایش در سرکوب اعتراضات «آبان ۹۸» اذعان کرده است. دولت استرالیا نیز حیدری و عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی را به دلیل مشارکت در سرکوب‌ها و همدستی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ارسال پهپاد به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین تحریم کرده است. شهرام سبزواری تحلیلگر امور نظامی به کیهان لندن می‌گوید: «مأموریت این یگان‌ها همکاری با نیروهای بسیج در منازل مسکونی سازمانی ارتش و پادگان‌هایی است که معترضان در اعتراضات اخیر در بعضی شهرک‌های ارتشی‌نشین تجمعاتی برگزار شد. آنها علیه نظام و خامنه‌ای از بالای ساختمان‌ها شعار دادند. قبلاً یگان بسیج در این شهرک‌ها مستقر بودند اما آنها ظرفیت مقابله با خانواده‌هایی را که در شهرک‌ها هستند ندارند برای همین به پیشنهاد فرماندهان نیروی زمینی این یگان‌ها تشکیل شد.» از اوایل سال ۱۳۹۷ سازمان عقیدتی-سیاسی ارتش در شهرک‌های مسکونی ارتشی پایگاه مقاومت بسیج نیز راه‌اندازی کرد.

اینهمه در حالیست که فرماندهان ارتش و رؤسای عقیدتی-سیاسی نیروهای نظامی مرتب در مورد ضرورت مقابله با تلاش جهت «تغییر رژیم» به ویژه در ارتش هشدار می‌دهند.

● به پیشنهاد معاون فرمانده نیروی زمینی ارتش و موافقت علی خامنه‌ای برای مقابله با کشیده شدن اعتراضات به پادگان‌ها و منازل مسکونی ارتشی‌نشین یگان‌های ضربت ایجاد شده است.

● در نامه‌ای که در اختیار کیهان لندن قرار گرفته آمده که برای خرید ادوات ضد شورش شامل (سپر، کلاه ایمنی، ساق‌بند، باتوم، شوکر، اسپری فلفل، سلاح وینچستر و پینت‌بال و مهمات غیرکشنده) اعلام نیاز شده است.

● پیشنهاد تشکیل این یگان را نوذر نعمتی معاون فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مطرح کرده که مورد موافقت علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا قرار گرفته و او دستور تشکیل این گردان‌ها را صادر کرده است.

● یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید، «برای تقویت گردان‌های ضربت بودجه ۶۰ میلیارد تومانی در نظر گرفته شده است. آنهم در شرایطی که در بسیاری از پادگان‌ها پرسنل به خاطر کمبود بودجه حتی سرویس مناسب برای ایاب و ذهاب ندارند.»

منابع مطلع نامه‌ای در اختیار کیهان لندن قرار داده‌اند که نشان می‌دهد به پیشنهاد معاون فرمانده نیروی زمینی ارتش و موافقت علی خامنه‌ای برای مقابله با کشیده شدن اعتراضات به پادگان‌ها و منازل مسکونی ارتشی‌نشین یگان‌های ضربت ایجاد شده است.

این منابع می‌گویند فرماندهان ارتش برای «خوش‌خدمتی به خامنه‌ای» بودجه‌هایی را که باید برای بهبود زندگی پرسنل و کارکنان خرج کنند صرف اموری می‌کنند که نشان دهند ارتش در «رکاب ولایت» است اما خودشان بهتر خبر دارند واقعیت چیست و چرا از وضعیت شهرک‌های نظامی و پادگان‌ها نگران‌اند!

در متن نامه که بر اساس ضرورت شماره، تاریخ و برخی اطلاعات آن ناخوانا شده و به امضای سرتیپ دوم کریم چشک معاون عملیات نیروی زمینی ارتش رسیده است آمده «با توجه به رخدادهای اخیر در سطح جامعه و احتمال انتقال آشوب‌های خیابانی به پادگان‌های نظامی» تشکیل یگان‌های ضربت به منظور حراست از اماکن و تأسیسات پادگانی ضروری بود که تشکیل شده اما فاقد تجهیزات لازم‌اند.»

در همین نامه برای خرید ادوات ضد شورش شامل (سپر، کلاه ایمنی، ساق‌بند، باتوم، شوکر، اسپری فلفل، سلاح وینچستر و پینت‌بال و مهمات غیرکشنده) اعلام نیاز شده است. پیشنهاد تشکیل این یگان را نوذر نعمتی معاون فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مطرح کرده که مورد موافقت علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا قرار گرفته و او دستور تشکیل این گردان‌ها را صادر کرده است.

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید، «برای تقویت گردان‌های ضربت بودجه ۶۰ میلیارد تومانی در نظر گرفته شده است. آنهم در شرایطی که در بسیاری از پادگان‌ها پرسنل به خاطر کمبود بودجه حتی سرویس مناسب برای ایاب و ذهاب ندارند.»

سرلشکر عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی روز ۱۳ بهمن در یک سخنرانی در قم گفت،

حکومت به قتل رسیدند، عدم دسترسی آنها به افراد و جریان‌های صاحب‌نفوذ بوده است. هر دو از اقشار ضعیف جامعه بودند. محمد مهدی کرمی ورزشکار و قهرمان کاراته، فرزند یک دستفروش بود. ماشالله کرمی، پدر محمد مهدی، در گفتگو با «اعتقاد» گفته بود که در نظرآباد استان البرز دستفروش دستمال کاغذی است و دو فرزند دارد: محمد مهدی و فرزند دیگری که معلول و خانه‌نشین است.

محمد مهدی کرمی پیشتر در ملاقات با خانواده خود از آزار جسمی و روانی «شدید» خود توسط مأموران خبر داده بود. به گفته محمد مهدی هنگام بازداشت او را طوری کتک زده‌اند که بیهوش شده بود و نیروهای حکومتی فکر کردند که او مُرده و «جنازه‌اش» را اطراف دادگاه نظرآباد انداختند، اما موقع ترک آنجا متوجه شدند که هنوز زنده است.

شکنجه محمد مهدی فقط به ضرب و جرح در هنگام بازداشت خلاصه نشده و پس از انتقال به بازداشتگاه هم ادامه یافته است. مأموران حکومتی هر روز اندام جنسی‌اش را لمس و او را تهدید می‌کردند که به او تجاوز خواهند کرد.

درباره محمد حسینی شهروند ۳۹ ساله‌ای که همزمان با محمد مهدی به دار آویخته شد اطلاعات زیادی منتشر نشده است. پیشتر فعالان مدنی و روزنامه‌نگاران در ایران اطلاع داده بودند که پدر و مادر محمد حسینی پیشتر درگذشته‌اند و این جوان کسی را ندارد تا پیگیر پرونده‌اش باشد. او کارگر یک مرغداری در حاشیه کرج و ورزشکار و مربی ورزشهای رزمی بود.

سید محمد حسینی حتی کسی را نداشت که پیکر اعدام شده او را از زندان بگیرد و به خاک بسپارد. او در همان آرامستانی که پیکر محمد مهدی کرمی به خاک سپرده شد، توسط سازمان زندان‌ها خاکسپاری شد اما بعدها شهروندان زیادی از جمله خانواده محمد مهدی کرمی بر مزار او حاضر شدند و برای مراسم یادبود گرفتند.

سنگ مزار سید محمد حسینی از سوی کاملیا سجادیان مادر محمدحسن ترکمان از کشته‌شدگان اعتراضات که فرزند دانشجوییش در جریان اعتراضات مازندران با گلوله مأموران حکومتی جان باخت تقبل شد. اما سنگتراش و شاگردانش که برای اندازه‌گیری مزار به آرامستان رفته بودند توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند!

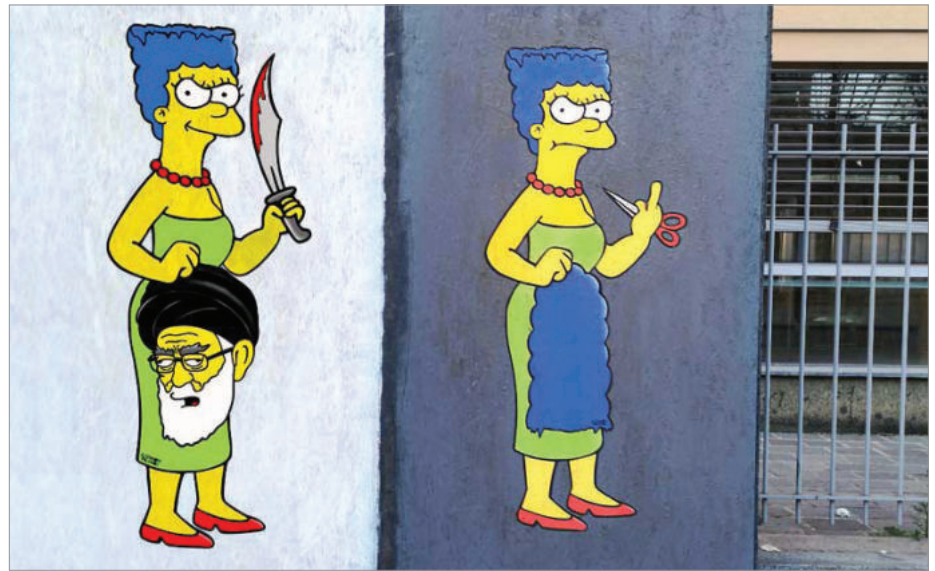
کاملیا سجادیان گفته که «چند روز پیش با دوست خویم صحبت کردم برای سنگ مزار سید محمد حسینی، دیشب به من خبر داد سنگتراش و شاگردانش را به جرم اندازه‌گیری قبر بازداشت کرده‌اند، دوستانم را هم همینطور.»

این مادر دادخواه افزوده که «حکومتی خود را قدرت منطقه می‌داند که از خاک و سنگ مزار متوفی می‌ترسد. ترس که نه، وحشت! قدرت منطقه‌ای که تمام این مدت کشورهای عقب مانده را هار کند تا مثل سگ‌ها رزنجیر پاره کرده و به مردم کشور حمله کنند. خاک بر سرتان که کمترین حرمتی به کسی که از دنیا رفته هم نمی‌گذارد.»

کاملیا سجادیان با بیان این که دوستانش گفته‌اند «بالاخره این کار را انجام خواهند داد» و بر مزار محمد حسینی سنگ خواهند گذاشت، گفت که «امروز من مادر سیدمحمد حسینی و محمدحسن‌ها هستم. برای بچه‌های یتیم که حتی مادری نداشت برایش گریه کند مادری می‌کنم. من مادر محمدحسن ترکمان و سیدمحمد حسینی و همه محمدها هستم. من مادر مظلومیت مردم کشور هستم» و «تا پای جانم تا آخرین نفس ایستاده‌ام.»

مقامات جمهوری اسلامی حتی اسم و عکس محمد (کیان) حسینی را از روی مزار او برداشته‌اند. محمد (کیان) حسینی جوان پادشاهی‌خواه بود و در صفحه اینستاگرامش تصاویر زیادی از خاندان پهلوی و پرچم شیروخورشید منتشر کرده بود.

مارچ سیمپسون به نشانه‌ی پایان جمهوری اسلامی، سر خامنه‌ای را از تن جدا کرد



● سومین نقاشی دیواری آلکساندرو پالمبو با مارچ سیمپسون که در یک دست قلمه و در دست دیگر سر علی خامنه‌ای را دارد روی دیوار ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی در میلان رونمایی شد و روز بعد توسط افراد «ناشناس» بخش‌هایی از آن سیاه شد.

● آلکساندرو پالمبو صحبت از «سانسور طالبانی» می‌کند و می‌افزاید: «آنچه ما در میلان شاهد آن هستیم وحشت دیکتاتورهای تهران از قدرت هنر است؛ هنری که با وجود تلاش‌های این رژیم برای خاموش کردن صدای مردم، پویاست و از حرکت نمی‌ایستد.»

● این هنرمند ایتالیایی در رابطه با استفاده از این شخصیت کارتونی محبوب می‌گوید «از آنجا که مارچ از ایران اخراج شده بنابراین در این روزها چاره‌ای ندارد که چون ایرانیانی که مجبور به زندگی در خارج از کشورشان هستند در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در یک کشور دموکراتیک دست به اعتراض بزنند و به ایرانیان داخل کشور بگویند من هم با وجود دوری با شما هستم!»

احمد رأفت - آلکساندرو پالمبو که برای نقاشی‌های دیواریش در ایتالیا شهرت دارد، بار دیگر در مقابل ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی در میلان، با مارچ سیمپسون جدیدی بازگشت. اگر در نقاشی اول، این شخصیت کارتونی محبوب و مشهور جهان در همبستگی با زنان ایرانی گیس بلند و آبی‌رنگش را می‌پرید، و در دومی با گیس بریده انگشت میانی‌اش را حواله رهبران جمهوری اسلامی می‌کرد، در نقاشی سوم که عنوان آن Final Cut است، قلمه به دست سر بریده علی خامنه‌ای را در دست دارد.

البته این نقاشی دیواری هم مانند اولی، شبانه توسط افراد ناشناس که کسی شک ندارد از وابستگان به کنسولگری جمهوری اسلامی هستند، مخدوش و یا به گفته آلکساندرو پالمبو، «سانسور شد». این اتفاق البته برای نقاشی اول هم افتاده بود، ولی آلکساندرو پالمبو که بلافاصله روی همان دیوار طرح جدیدی را جایگزین کرده به کیهان لندن

می‌گوید اینبار هم همین کار را انجام خواهد داد. -آلکساندرو پالمبو صحبت از «سانسور طالبانی» می‌کند و می‌افزاید «آنچه ما در میلان شاهد آن هستیم وحشت دیکتاتورهای تهران از قدرت هنر است، هنری که با وجود تلاش‌های این رژیم برای خاموش کردن صدای مردم، پویاست و از حرکت نمی‌ایستد.» این نقاش ایتالیایی در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید «رنگ سیاه آنها نخواهد توانست راه را بر مبارزان آزادی ببندد و ما تلاش خواهیم کرد با رنگ‌هایمان به روی مبارزات شجاعانه زنان ایران و مقاومت مردم این کشور نور بیافشانیم.»

آلکساندرو پالمبو که بیش از ۲۰ سال است تصویری از او دیده نمی‌شود و هرگز در گفتگوی تلویزیونی نیز ظاهر نمی‌شود، در پاسخ به این پرسش که چرا شخصیت مارچ سیمپسون را برای نقاشی‌های دیواریش در همبستگی با مردم ایران انتخاب کرده است، می‌گوید: «مارچ و تمام خانواده سیمپسون از سال ۲۰۱۲ حق ورود به ایران را ندارند. مقامات جمهوری اسلامی نه تنها از پخش این سریال کارتونی جلوگیری کردند بلکه فروش اشیائی با تصاویر این فامیل محبوب در سراسر جهان را نیز ممنوع اعلام کردند و آن را سریالی غیراخلاقی می‌دانند که می‌تواند تاثیر منفی روی کودکان و نوجوانان داشته باشد. من فکر کردم از آنجا که مارچ از ایران اخراج شده بنابراین در این روزها چاره‌ای ندارد که چون ایرانیانی که مجبور به زندگی در خارج از کشورشان هستند در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در یک کشور دموکراتیک دست به اعتراض بزنند و به ایرانیان داخل کشور بگویند من هم با وجود دوری با شما هستم!»

چرا اینبار مارچ سیمپسون قلمه به دست گرفته و سر علی خامنه‌ای را از بدن جدا کرده است؟ آلکساندرو پالمبو در پاسخ می‌گوید «بعد از بیش از ۴ ماه مبارزه بدون وقفه مردم ایران که هزینه بالائی تا کنون برای مقاومت‌شان پرداخت کرده‌اند، مشخص است که آنها یک خواست دارند و مارچ سیمپسون از این خواست آنها که پایان دادن به این رژیم و حکومت علی خامنه‌ای است حمایت می‌کند.»

ترانه «برای» شروین حاجی‌پور برنده جایزه گرمی شد

● شروین حاجی‌پور ترانه‌سرا، آهنگساز و خواننده ۲۵ ساله ایرانی برنده جایزه گرمی در بخش «ترانه‌های تأثیرگذار در تغییرات اجتماعی» شد.

● جیل بایدن با اشاره به اینکه این ترانه «الهام‌بخش» و «نوابی نیرومند و شاعرانه برای آزادی و حقوق زنان» است گفت این آهنگ با موضوع قدرتمند «زن زندگی آزادی» در سراسر جهان بازتاب پیدا کرد و شنیده شد.

● ترانه «برای» طی دو روز پس از انتشار بیش از ۴۰ میلیون بار دیده و به یکی از اصلی‌ترین ترانه‌های جنبش انقلابی ایران علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد.

شروین حاجی‌پور برنده جایزه بهترین ترانه اجتماعی صنعت موسیقی گرمی برای ترانه «برای» شد. ترانه اعتراضی «برای» در اوایل جنبش انقلابی مردم ایران که از اواخر شهریور ۱۴۰۱ آغاز شده و با الهام از توئیتهای شهروندان ایرانی توسط شروین حاجی‌پور سروده، تنظیم و اجرا شد. این ترانه به سرعت به یکی از ترانه‌های جنبش انقلاب ملی ایران تبدیل شد و ابعاد میلیونی و جهانی یافت.

شصت و پنجمین مراسم اهدای جوایز آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط که به «گرمی» شهرت دارد، یکشنبه ۵ فوریه ۲۰۲۲ در سالن «کرییتو دات کام» لس‌آنجلس برگزار شد. در این مراسم شروین حاجی‌پور ترانه‌سرا، آهنگساز و خواننده ۲۵ ساله ایرانی برنده جایزه «گرمی» در بخش «ترانه‌های تأثیرگذار در تغییر اجتماعی» شد. شروین حاجی‌پور ششم مهرماه ترانه اعتراضی «برای» را با الهام از متن توئیتهای کاربران ایرانی آفرید. در این مراسم جیل بایدن همسر جو بایدن این جایزه را به آهنگ «برای» شروین حاجی‌پور اهدا کرد. جیل بایدن با توضیح درباره این اثر اعتراضی، به بازداشت شروین توسط مأموران جمهوری اسلامی نیز اشاره کرد و گفت با وجود بازداشت شروین، این ترانه با موضوع قدرتمند «زن زندگی آزادی» در سراسر جهان بازتاب پیدا کرد و شنیده شد.

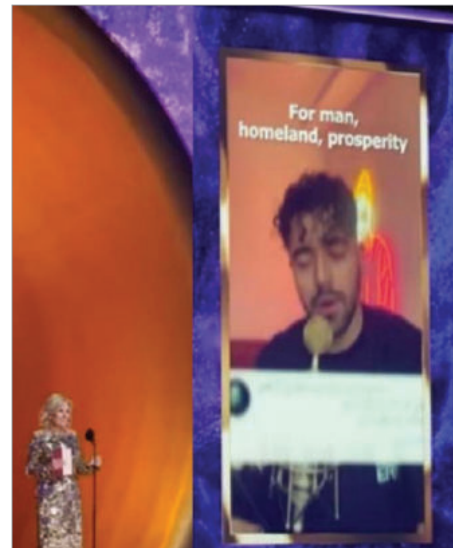
جیل بایدن با اشاره به اینکه این ترانه «الهام‌بخش» و «نوابی نیرومند و شاعرانه برای آزادی و حقوق زنان» است افزود که یک کمیته ویژه با بررسی بیشتر از ۱۳۰ هزار رای ارسال شده، ترانه «برای» را شایسته‌ی دریافت جایزه تأثیرگذاری در تغییرات اجتماعی دانسته است. بر اساس اعلام «آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط» از ۱۱۵ هزار درخواست ثبت شده در کارزار اینستاگرامی و تیک‌تاک «گرمی»، ۸۳ درصد از شرکت‌کنندگان خواهان اعطای جایزه ویژه این رویداد هنری بین‌المللی به ترانه «برای» اثر شروین حاجی‌پور شدند.

همزمان ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که واکنش شروین حاجی‌پور در ایران و در جمع دوستانش پس از شنیدن برنده شدن جایزه گرمی را نشان می‌دهد.

شروین حاجی‌پور که آخرین حضور وی در توئیتر مربوط به ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲ بود، امروز صبح امروز پس از اعلام برنده شدن «برای» در توئیتی نوشت: «ما بردیم». این توئیت در طول ۱۲ ساعت بیش از ۵/۳ میلیون بار دیده و بیشتر از ۴۱

هزار بار بازنشر شد.

ترانه «برای» ششم مهرماه و تقریباً ۱۰ روز پس از آغاز اعتراضات منتشر شد. این ترانه طی دو روز پس از انتشار بیش از ۴۰ میلیون بار دیده و به یکی از اصلی‌ترین ترانه‌های جنبش انقلابی ایران علیه جمهوری اسلامی تبدیل گشت. ترانه «برای» میلیون‌ها بار در شبکه‌های اجتماعی مختلف بازنشر و در تجمعات اعتراضی ایرانیان خارج از کشور پخش شد. این ترانه اثرگذار به چند زبان مختلف دنیا توسط دیگر هنرمندان اجرا شد.



و در چند کنسرت موسیقی در حمایت از جنبش انقلابی مردم ایران به اجرا درآمد. کیهان لندن در توضیح اثرگذاری این ترانه نوشته است که این ترانه «بر اساس توییت آمال و آرزوهای کاربران شبکه‌های اجتماعی تنظیم شد: برای ایرانی آزاد و آباد و برای منطقه و جهانی در صلح و همزیستی؛ برای مردمانی که جز آزادی و امنیت و رفاه و حقوق انسانی خود نمی‌خواهند.» شروین حاجی‌پور ساعاتی پس از انتشار ترانه «برای» توسط مأموران وزارت اطلاعات استان مازندران بازداشت شد. او ۱۲ مهرماه با سپردن وثیقه آزاد گشت اما هنوز دادگاه او برگزار نشده و بطور موقت آزاد است.

این خواننده و آهنگساز جوان تاکنون ۳۳ ترانه، سه آهنگ موسیقی متن، چهار فم‌هنگ، ۴۸ آهنگ منتشر نشده و سه آهنگ را به عنوان هنرمند برجسته منتشر کرده است. او پس از تست خوانندگی در عصر جدید در ۲ فروردین ۱۳۹۸ آهنگ «شاید بهشت» که خودش نوشت و اجرا کرد، به عنوان اولین تک آهنگ خود بر روی تمامی پلتفرم‌ها منتشر کرد و در بین نسل جوان درون ایران مطرح شد. شروین حاجی‌پور در حالی برنده جایزه مهم گرمی شده که حمید سعیدی آهنگساز دیگر ایرانی برای دومین بار، برنده جایزه گرمی در بخش موسیقی نوین شد. همچنین بیانه خواننده آمریکایی در این دوره از جشنواره گرمی موفق شد چهار جایزه به دست آورد و رکورد دریافت جایزه در تاریخ این جشنواره را بشکند و تا حال ۳۲ بار جایزه‌های مختلف از این جشنواره دریافت کرده است.

در این مراسم همچنین، آدل خواننده بریتانیایی جایزه بهترین اجرای پاپ را برای ترانه «Easy on Me» دریافت کرد و تعداد جایزه‌های گرمی خود را به ۱۶ جایزه رساند. کندریک لامار آهنگساز و رپر آمریکایی نیز در سه شاخه بهترین اجرای رپ، بهترین ترانه رپ و بهترین آلبوم رپ به عنوان برنده معرفی شد. هری استایلز ترانه‌سرا و بازیگر بریتانیایی برای «خانه هری» به عنوان برنده جایزه آلبوم سال در جوایز گرمی ۲۰۲۳ اعلام شد. همچنین سامارا جوی خواننده جوان آمریکایی جایزه گرمی ۲۰۲۳ را برای بهترین هنرمند جدید به دست آورد.

کریستین ساینس مانیتور:

مبارزات خشونت‌پرهیز مردم ایران به از بین رفتن مشروعیت رژیم مذهبی کمک می‌کند



زنان در ایران؛ عکس: AP

اخیر برای دین‌سالاران در ایران است. رامین جهانگلو از پژوهشگران مبارزات بدون خشونت و دارای مدرک دکترای فلسفه ساکن تورنتو می‌گوید که ایران در حال از سر گذاردن انقلاب ارزش‌هاست که توسط ارزش‌هایی چون مهرورزی و مدارا رهبری می‌شود که در قلب تاکتیک‌های خشونت‌پرهیز قرار دارد.

این انقلاب مملو از ارزش‌های زنانه است که در زنانی که اعتراضات را رهبری می‌کنند منعکس می‌شود. رامین جهانگلو در «این‌دین اکسپرس» نوشت: برای اولین بار از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ جهان با یک انقلاب فمینیستی در خاورمیانه سروکار دارد که شعار اعتراضاتش «زنان، زندگی، آزادی» است.

در این گزارش به نظرسنجی مؤسسه «گمان» در مورد شیوه اعتراضات اشاره شده که شرکت‌کنندگان به روش‌هایی مثل «خرابکاری» رأی کمتری داده‌اند و حدود ۵/۸ درصد آن را انجام داده‌اند اما حدود یک سوم از شرکت‌کنندگان نافرمانی مدنی، مانند برداشتن روسری یا نوشتن شعار را ترجیح داده‌اند.

بر اساس نظرسنجی گمان در داخل کشور، ۲۲ درصد از کسانی که با اعتراضات موافق هستند، در تظاهرات خیابانی شرکت داشته‌اند و علاوه بر آن ۵۳ درصد اعلام کرده‌اند که ممکن است باز هم در تظاهرات شرکت کنند. همچنین ۲۲ درصد در شعار دادن شبانه مشارکت داشته‌اند و ۴۶ درصد دیگر هم ممکن است آن را انجام دهند.

با اینهمه کم نیستند آندسته از تحلیلگران و فعالین میدانی که معتقدند جمهوری اسلامی صرفاً با روش‌های مسالمت‌آمیز نخواهد رفت و دفاع مشروع و خرابکاری شرافتمندانه را نیز مکمل مبارزات میدانی می‌دانند.

در پایان این گزارش آمده انتخاب آهنگ «برای» از شروین حاجی‌پور به عنوان بهترین «آهنگ تاثیرگذار تغییرات اجتماعی» در شصت و پنجمین دوره جوایز معتبر موسیقی «گرمی» هدف مبارزان در ایران را تقویت کرد.

● روحانیون حاکم بر این در حالی سالگرد انقلاب اسلامی را جشن می‌گیرند که با گذشت پنج ماه از آغاز تظاهرات ضدحکومتی استقبال عمومی از این مراسم بسیار اندک است.

● رامین جهانگلو از پژوهشگران مبارزات بدون خشونت دارای مدرک دکترای فلسفه ساکن تورنتو می‌گوید که ایران در حال گذار از انقلاب ارزش‌هاست که توسط ارزش‌هایی مانند مهرورزی و مدارا رهبری می‌شود که در قلب تاکتیک‌های خشونت‌پرهیز قرار دارد.

پایگاه کریستین ساینس مانیتور در گزارشی با عنوان «قدرت صلح در اعتراضات ایران» می‌نویسد بنیان خشونت‌پرهیز مبارزه معترضان ایرانی در تظاهرات به از بین رفتن مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی کمک می‌کند.

در این گزارش آمده روحانیون حاکم بر ایران در حالی سالگرد انقلاب اسلامی را جشن می‌گیرند که با گذشت پنج ماه از آغاز تظاهرات ضدحکومتی استقبال عمومی از این مراسم بسیار اندک است.

تظاهراتی که پس از قتل مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد آغاز شد عمدتاً مسالمت‌آمیز بوده است. بخش عمده این اعتراضات را زنان رهبری کردند و بسیاری از آنها از قانون حجاب اجباری سرپیچی می‌کنند. این موضوع «حقانیت اخلاقی» آرمان معترضان را افزایش داده و در عین حال باعث مشروعیت‌زدایی (حقانیت‌زدایی) از رژیم شده که برای سرکوب اعتراضات دست به خشونت می‌زند.

در این گزارش با اشاره به اجرای حکم اعدام شماری از معترضان در ایران به اتهام «فساد فی‌الارض» آمده، بیش از صد معترض با مجازات اعدام روبرو هستند در حالی که هزاران نفر همچنان در زندان‌اند. یک نظرسنجی در ماه اسفند نشان داد که ۸۱ درصد از ایرانیان جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند در حالی که ۶۷ درصد آنها معتقدند که اعتراضات نتیجه خواهد داد و بزرگترین چالش دهه‌های

واکنش‌ها نسبت به جایزه «گرمی» برای شروین حاجی‌پور؛ از شادمانی شهروندان تا خشم حامیان جمهوری اسلامی و تجزیه‌طلبان

- ده‌ها هزار کاربر ایرانی با استفاده از هشتگ‌هایی چون #برای_شروین و #ما_بردیم به شروین حاجی‌پور شادباش گفته و از برنده شدن ترانه اصلی جنبش انقلابی مردم ابراز شادمانی کردند.
- شاهزاده رضا پهلوی: شروین عزیز! جهان صدای تو را شنید؛ صدایی که صدای ملت ایران و الهام‌بخش انقلاب‌شان است.
- شهبانو فرح پهلوی: شروین حاجی‌پور با آوایی صدای نفس مردم آزادیخواه ایران را جهانگیر کرد. سپاس از شروین. بدانید که نور بر تاریکی پیروز خواهد شد.
- کیهان کلهر آهنگساز و نوازنده برجسته، ابی، داریوش، معین، گوگوش، حسن شماعی‌زاده و هیچکس از جمله هنرمندانی هستند که به شروین حاجی‌پور تبریک گفته‌اند.
- محسن مهدیان نزدیک به نهادهای امنیتی و مدیرعامل مجموعه «همشهری» و آمنة‌سادات ذبیح‌پور بازجو خبرنگار و از چهره‌های امنیتی در صداوسیما رژیم از جمله حامیان نظام هستند که علیه این جایزه موضع گرفتند.
- بهروز بوچانی، هیفا اسدی، مهدی جلالی تهرانی و مریم میرزا نیز با نگاهی قومگرایانه و نزدیک به تجزیه‌طلبان نسبت به این جایزه واکنش نشان دادند.

کسب جایزه بهترین ترانه تأثیرگذار و اجتماعی توسط شروین حاجی‌پور برای ترانه اعتراضی «برای» در شصت و پنجمین دوره از جایزه معتبر «گرمی» با واکنش‌های زیادی روبرو شد. در حالی که هزاران شهروند ایرانی درون و خارج کشور و ده‌ها تن از چهره‌های سرشناس ایرانی از برنده شدن ترانه «برای» ابراز خوشحالی کرده‌اند، این ترانه مورد هجوم حامیان جمهوری اسلامی و شماری از فعالان قومگرا و تجزیه‌طلب نزدیک به برخی جریانات اپوزیسیون قرار گرفته است.

شصت و پنجمین مراسم اهدای جوایز آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط که به «گرمی» شهرت دارد، یکشنبه ۵ فوریه ۲۰۲۲ در سالن «کریپتو دات کام» لس‌آنجلس برگزار شد. در این مراسم شروین حاجی‌پور ترانه‌سرا، آهنگساز و خواننده ۲۵ ساله ایرانی برنده جایزه «گرمی» در بخش «ترانه‌های تأثیرگذار در تغییر اجتماعی» شد. شروین حاجی‌پور ششمین همراه ترانه اعتراضی «برای» را با الهام از متن توثیق‌های کاربران ایرانی آفرید. شروین حاجی‌پور پس از دریافت این جایزه در شبکه‌های



بیانیه شهبانو فرح پهلوی
به مناسبت پیروزی درخشان شروین حاجی‌پور
۱۷ بهمن ۱۴۰۱ - ۶ فوریه ۲۰۲۲

«برای» اینکه «زن» است، مادر محبت همه انسانها،
«برای» اینکه «زندگی» فقط با نور امکان پذیر است.

«برای» اینکه آزادی است که انسان را به سوی خرد و دانش سوق
می‌دهد.

شروین ایرانی با اوایی صدای نفس مردم آزادیخواه ایران را جهانگیر
کرد.
سپاس از شروین.

بدانید که نور بر تاریکی پیروز خواهد شد.



با آوایی صدای نفس مردم آزادیخواه ایران را جهانگیر کرد. سپاس از شروین. بدانید که نور بر تاریکی پیروز خواهد شد.

ابراهیم حامدی مشهور به ابی خواننده معروف و محبوب در پیامی به شروین حاجی‌پور با تکرار شعار «زن زندگی آزادی»، نوشت: «شروین جان عزیزم، این افتخارآفرینی را از صمیم قلبم به شما و تمام مردم ایران تبریک می‌گم.» ابی برای شروین و «تمام هنرمندان جوان، لایق و آینده‌دار» کشور آرزوی پیشرفت و موفقیت کرد و گفت: «پرچم موسیقی ایران را بالا بردی و با هنرت صدای مردم کشورت را به گوش جهان رساندی.» داریوش اقبالی دیگر خواننده مشهور نیز با تبریک به شروین حاجی‌پور نوشت که «همه ما فارغ از هر گروه و هر نژاد و هر گرایش، ترانه تو را شنیدیم و خواندیم، و در حال از موفقیت جهانی تو شاد شدیم. ممنون که چنین هم‌صدایی و همبستگی را به هموطنانت هدیه دادی.»



کیهان کلهر آهنگساز و نوازنده برجسته ایرانی، و معین، گوگوش، حسن شماعی‌زاده و هیچکس از جمله هنرمندان دیگری هستند که به شروین حاجی‌پور تبریک گفته‌اند. شماری از مقامات و چهره‌های غیرایرانی هم به برنده شدن ترانه «برای» اثر شروین حاجی‌پور واکنش

«گرمی» به شروین حاجی‌پور در بیانیه‌ای نوشت، «برای» اینکه «زن» است مادر محبت همه انسانها؛ «برای» اینکه «زندگی» فقط با نور امکان‌پذیر است؛ «برای» اینکه آزادی است که انسان را به سوی خرد و دانش سوق می‌دهد.» شهبانو فرح پهلوی در ادامه افزود: «شروین حاجی‌پور

افزود که یک کمیته ویژه با بررسی بیشتر از ۱۳۰ هزار رای ارسال شده، ترانه «برای» را شایسته دریافت جایزه تاثیرگذاری در تغییرات اجتماعی دانسته است.

سینا ولی‌الله کم‌دین در ارتباط با مخالفت‌هایی که در جهت بی‌اهمیت بودن هم ترانه «برای» و هم جایزه «گرمی» در اینستاگرام خود ویدئویی کوتاهی منتشر کرده و با تسمخر نوحه «سلام فرمانده» به طنز گفته است که واقعا چه اهمیتی دارد که آدم مهم‌ترین جایزه موسیقی را دریافت کند و یا بانوی اول آمریکا آن را اعلام کند؟!

بر اساس اعلام «آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط» از ۱۱۵ هزار درخواست ثبت شده در کارزار اینستاگرامی و تیک‌تاکی «گرمی»، ۸۳ درصد از شرکت‌کنندگان خواهان اعطای جایزه ویژه این رویداد هنری بین‌المللی به ترانه «برای» اثر شروین حاجی‌پور شدند.

ترانه «برای» ششم مهرماه و تقریباً ۱۰ روز پس از آغاز اعتراضات منتشر شد. این ترانه طی دو روز پس از انتشار بیش از ۴۰ میلیون بار دیده و به یکی از اصلی‌ترین ترانه‌های جنبش انقلابی ایران علیه جمهوری اسلامی تبدیل گشت. ترانه «برای» میلیون‌ها بار در شبکه‌های اجتماعی مختلف بازنشر و در تجمعات اعتراضی ایرانیان خارج از کشور پخش شد. این ترانه اثرگذار به چند زبان مختلف دنیا توسط دیگر هنرمندان اجرا شد و در چند کنسرت موسیقی در حمایت از جنبش انقلابی مردم ایران به اجرا درآمد.

کیهان لندن در توضیح اثرگذاری این ترانه نوشته است که متن آن «بر اساس توییت آمال و آرزوهای کاربران شبکه‌های اجتماعی تنظیم شد: برای ایرانی آزاد و آباد و برای منطقه و جهانی در صلح و همزیستی؛ برای مردمانی که جز آزادی و امنیت و رفاه و حقوق انسانی خود نمی‌خواهند.»

شروین حاجی‌پور ساعتی پس از انتشار ترانه «برای» توسط مأموران وزارت اطلاعات استان مازندران بازداشت شد. او ۱۲ مهرماه با سپردن وثیقه آزاد گشت اما هنوز دادگاه او برگزار نشده و بطور موقت آزاد است.

این خواننده و آهنگساز جوان تا کنون ۳۳ ترانه، سه آهنگ موسیقی متن، چهار فاهنگ، ۴۸ آهنگ منتشر نشده و سه

کسانی است که به بی‌ارزش کردن این جایزه پرداخت. بهروز بوچانی که از سخنرانان برنامه تجمع ایرانیان برلین در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲ با فراخوان حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های پرواز ۷۵۲ بود، در تویییتی نوشته که «حقیقتاً نتوانستم با این آهنگ ارتباط بگیرم چون هیچ پیوندی با خیابان‌های کردستان نداشت!» وی در توییت دیگری نوشته که «آهنگ شروین اتفاقاً آهنگ پر احساس و زیبایی‌ست به این خاطر همه دوستش دارند ولی از نظر من نمی‌تواند آهنگ انقلاب ژن-ژبان-نازادی باشد چون هم مشخصاً به مرد-میهن اشاره می‌کند و هم با دیگر بخش‌های کشور بیگانه‌ست!»

این جملات نفرت‌پراکن و البته بی‌ربط بهروز بوچانی مورد توجه شمار دیگری از «روزنامه‌نگاران» و «کارشناسان قومگرا» قرار گرفته است. از جمله اکانتی به اسم «مریم میرزا» که خود را روزنامه‌نگار معرفی کرده با تأیید حرف‌های بهروز بوچانی نوشته «چرا مثلاً بلوچستان در ترانه شروین نیست؟ یک دلیل ساده اینکه مردم کمتر به اینترنت دسترسی دارند که «برای...» توییت کنند». جغرافیای فقر و سانسور...» مهدی جلالی تهرانی فرزند آیت‌الله محمد جلالی تهرانی که تا چند سال پیش از فعالان اصلاح‌طلب حامی اکبر هاشمی رفسنجانی بود و پس از حضور در خارج کشور به فعال قومگرایی نزدیک به تجزیه‌طلبان تبدیل شد نیز در سخنانی عجیب مدعی شده که «بوچانی انقلاب زن زندگی آزادی را یک قدم جلو برد. به آلت‌ناتیو بزرگتر اما بی‌صدا، صدا داد...»

هیفا اسدی که به عنوان فعال حقوق زنان و کارشناس قومی در برخی از رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور حاضر می‌شود هم نوشته که با ترانه «برای» ارتباط نگرفته و آن را «به شدت مرکزگرا، متمرکز بر دردهایی که برای عرب و کورد و بلوچ و... بیشتر شبیه قصه یک فیلم رومانتیک است تا «درد!» خوانده است.

اینهمه در حالیست که در مراسم اعلام جوایز «گرمی»، جیل بایدن بانوی اول آمریکا جایزه را به آهنگ «برای» شروین حاجی‌پور اهدا کرد. جیل بایدن با توضیح درباره این اثر اعتراضی، به بازداشت شروین توسط مأموران جمهوری

→ نشان داده‌اند. رابرت مالی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، روز دوشنبه ۱۷ بهمن دریافت جایزه «گرمی» را توسط شروین حاجی‌پور تبریک گفت.

رابرت مالی نوشت: «همانطور که بانوی اول آمریکا گفت، آهنگ شروین حاجی‌پور به نام «برای» همچنان در سراسر جهان طنین‌انداز و الهام‌بخش است. جایزه بهترین آهنگ آن برای تغییر اجتماعی ادای احترام به مردم ایران است.» هانا نویسنده نماینده پارلمان اروپا نیز ضمن تبریک به شروین حاجی‌پور در توییتش، عبارت «برای آزادی» را با حروف انگلیسی توییت کرد.

در مقابل اما دو گروه از برنده شدن ترانه «برای» به شدت خشمگین شدند و با انتقاد و کنایه به شروین حاجی‌پور و ترانه‌ی اعتراضی‌اش ناراضی‌ی خود را نشان دادند: حامیان جمهوری اسلامی و شماری از افراد موسوم به قومگرا و تجزیه‌طلب!

اکانت پرفالوئر «باران بهاری» که از حامیان سرسخت جمهوری اسلامی در توییت است، نوشته که «نخیر آقای شروین حاجی‌پور شما نبردی. شما باختی. بدم باختی وقتی می‌پردی که آبروی کشورت رو حفظ میکردی.»

محسن مهدیان از چهره‌های رانتخواه و نزدیک به نهادهای امنیتی و مدیرعامل مجموعه «همشهری» نیز برنده شدن شروین حاجی‌پور واکنش نشان داده و مدعی شده این جایزه با «پول» برای شروین حاجی‌پور خریداری شده است! آمنه‌سادات ذبیح‌پور بازجو خبرنگار و از چهره‌های امنیتی در صداوسیما جمهوری اسلامی هم این جایزه را «سیاسی» خوانده که از سوی «همسر خنگ‌ترین رئیس جمهوری آمریکا» به شروین حاجی‌پور اهدا شده و نوشته «اسمش بُرد نیست!»

در کنار شمار زیادی از حامیان پیدا و پنهان جمهوری اسلامی و البته فعالان «جهاد تبیین» در توییت و اینستاگرام که طی روز گذشته تلاش کردند این بُرد مهم برای شروین حاجی‌پور و شهروندان ایران را بی‌ارزش قلمداد کنند، شماری از چهره‌های قومگرا و تجزیه‌طلب نیز که مورد حمایت برخی رسانه‌های فارسی‌زبان و جریانات اپوزیسیون هستند نشان دادند از برنده شدن ترانه «برای» خوشحال نیستند



آهنگ منتشر کرده است. او پس از تست خوانندگی در عصر جدید در ۲ فروردین ۱۳۹۸ آهنگ «شاید بهشت» را که خودش نوشت و اجرا کرد، به عنوان اولین تک‌آهنگ خود در تمامی پلتفرم‌ها منتشر کرد و بین نسل جوان درون ایران مطرح شد.

اسلامی نیز اشاره کرد و گفت با وجود بازداشت شروین، این ترانه با موضوع قدرتمند «زن زندگی آزادی» در سراسر جهان بازتاب پیدا کرد و شنیده شد. جیل بایدن با اشاره به اینکه این ترانه «الهام‌بخش» و «نوایی نیرومند و شاعرانه برای آزادی و حقوق زنان» است

و برعکس خشم خود را با انتشار کلمات و نظرات نشان دادند! بهروز بوچانی که گذشته مبهمی دارد و پس از انتشار یک روایت از دوران پناهندگی‌اش در قاره استرالیا به شهرت رسید و از فعالان قومگرایی گرد و ضدایران است، از جمله

سفر علی شمخانی به مسکو؛ پیامدهای راه رفتن در میدان مین!



علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در کنار کاظم جلالی سفیر رژیم در مسکو

سفر به مسکو می‌تواند همان دامی باشد که شمخانی را گرفتار کند. او یکی از انگشت‌شمار مقامات جمهوری اسلامی است که با وجود فساد گسترده در بالاترین رده‌های امنیتی قدرت دارد. «جبهه پایداری» نیز جریان قدرتمندی است و به نظر می‌رسد اگر هنوز زور آنها به برکناری شمخانی نرسیده به دلیل پشتوانه قدرتمندتر این پاسدار دربار است. شمخانی یک سرش به بنگاه‌های مالی و پولساز داخلی با دسترسی بین‌المللی وصل است و سر دیگرش به برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی!

شاید کمتر کسی در دنیای سیاست، علی شمخانی را به اندازه بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل بشناسد. اردیبهشت سال ۱۳۹۷ پس از آنکه اسرائیل رسماً اعلام کرد اسناد سری اتمی جمهوری اسلامی را سرق کرده است از دو نفر به عنوان کسانی که برنامه تولید بمب اتم را پیش می‌برند نام برد: محسن فخری‌زاده و علی شمخانی. دو سال بعد از این افشاگری فخری‌زاده در جاده دماوند ترور شد. پس از آن شمخانی عملاً روی میدان مین راه می‌رود.

دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی یکی از پشتیبانان اصلی افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران است اما موضوع بر سر این است که در سری‌ترین پروژه‌های نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی عواملی حضور دارند که چوب لای چرخ نظام می‌گذارند.

در این میان، رقبا و دشمنان داخلی شمخانی به حد کافی برای کنار زدن او انگیزه دارند. محرمانه‌ترین اطلاعات نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی از داخل به سرعت لو می‌رود. چنانکه اکنون مطرح شده حتی هدایت ریزپرنده‌هایی که به تأسیسات نظامی اصفهان اصابت کردند از داخل خاک ایران انجام شده است. این یعنی محل تأسیساتی که در پوشش کارخانه‌های صنعتی غیرنظامی فعالیت می‌کنند نیز لو رفته است. همچنانکه گفته می‌شود محتوای محموله‌های ارسالی از ایران به سوریه و حزب‌الله نیز از داخل ایران لو رفته است. شمخانی یکی از مقامات مهم نظام است که همواره با سناریوسازی‌های امنیتی خونخواری می‌کرده است. وی در توجیه کشتار مردم در «آبان‌۹۸» نیز گفت معترضان به صورت مشکوک با سلاح‌های سرد و گرم غیرسازمانی کشته شده‌اند و «اجرای پروژه کشته‌سازی از سوی معاندین در این منطقه قطعی است.»

هستند آنهم در شرایطی که جمهوری اسلامی از هر روزنه‌ای برای دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌کند. علی‌رضا اکبری که جمهوری اسلامی او را چندی پیش به اتهام جاسوسی برای انگلستان اعدام کرد معاون بین‌الملل وزارت دفاع در دوره تصدی علی شمخانی در دولت محمد خاتمی بود. سیدمهدی صدرالساداتی که داماد محمدرضا مدرسی عضو شورای نگهبان است می‌گوید یک مجموعه آپارتمان به ارزش هزار میلیارد تومان در خیابان فرشته تهران متعلق به آذمیدخت طباطبایی همسر علی شمخانی است. او همچنین گفته بود خانواده شمخانی مجوز ساخت‌وساز گسترده در تهران، لوسان، اهواز، شوش و شمال ایران دریافت کرده‌اند.

یک روز پیش از سفر شمخانی به مسکو روزنامه «وال استریت ژورنال» گزارش داد یک هیأت ایرانی به روسیه اعزام شده تا شرایط ساخت یک کارخانه با قابلیت تولید شش هزار پهپاد به منظور استفاده روسیه در جنگ اوکراین را بررسی کند.

پیش از این یک منبع به کیهان لندن گفته بود «سپاه پاسداران و روسیه به کمک هم به اسم ایجاد یک نوع پول دیجیتال که پشتوانه آن طلاست منابع طلای ایران را غارت می‌کنند.» همین منبع گفته بود «در ماه‌های اخیر با کمک کارشناسان روسیه و قزاقستان چند معدن با رگه‌های طلا در ایران کشف شد.» استخراج معادن طلای ایران به دست گروه‌های نظامی افتاده و حتی دولت نمی‌تواند آن را پس بگیرد! برخی منابع می‌گویند بخشی از این طلا بابت بدهی‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران است و یکی از طلبکاران اصلی روس‌ها هستند.

ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) پنجشنبه ۳ فوریه (۱۳ بهمن) طی نشستی که در دانشگاه «جرج تاون» واشنگتن برگزار شد روابط نظامی بین روسیه و جمهوری اسلامی را «نگران‌کننده» خواند.

وی در این نشست اشاره کرده بود که در سفر اعلام‌نشده‌ای که به اوکراین داشت خودش شاهد بود که چطور روسیه با پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی به اوکراین حمله می‌کرد. روسیه و جمهوری اسلامی روابط خود را در حالی تقویت می‌کنند که بعید نیست یکی از پیامدهای همکاری‌های آنها تحمیل یک اقدام نظامی علیه ایران باشد.

شاید کمتر کسی در دنیای سیاست، علی شمخانی را به اندازه بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل بشناسد. اردیبهشت سال ۱۳۹۷ پس از آنکه اسرائیل رسماً اعلام کرد اسناد سری اتمی جمهوری اسلامی را سرق کرده است از دو نفر به عنوان کسانی که برنامه تولید بمب اتم را پیش می‌برند نام برد: محسن فخری‌زاده و علی شمخانی. دو سال بعد از این افشاگری فخری‌زاده در جاده دماوند ترور شد. شمخانی یکی از پشتیبانان اصلی افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران است اما موضوع بر سر این است که در سری‌ترین پروژه‌های نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی عواملی حضور دارند که چوب لای چرخ نظام می‌گذارند.

در این میان، رقبا و دشمنان داخلی شمخانی به حد کافی برای کنار زدن او انگیزه دارند. شمخانی می‌تواند نگران باشد زیرا محرمانه‌ترین اطلاعات نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی از داخل به سرعت لو می‌رود.

علی شمخانی یکی از مهم‌ترین مقامات نظام است که همواره با سناریوسازی‌های امنیتی خونخواری می‌کرده است. وی در توجیه کشتار مردم در «آبان‌۹۸» نیز گفت معترضان به صورت مشکوک با سلاح‌های سرد و گرم غیرسازمانی کشته شده‌اند و «اجرای پروژه کشته‌سازی از سوی معاندین در این منطقه قطعی است.»

سه هفته پس از آنکه روسیه سفر حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی به مسکو و دیدارش با سرگنی لاوروف وزیر خارجه آن کشور را بدون اعلام دلیل لغو کرد، علی شمخانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی به مسکو رفت.

ظاهراً سفر شمخانی به مسکو برای شرکت در پنجمین نشست امنیت منطقه‌ای با محور افغانستان است اما منابع غیررسمی این سفر را با مسائل امنیتی و نظامی از جمله بحران‌های اجتماعی در ایران و همکاری‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی با روسیه در جنگ علیه اوکراین مرتبط می‌دانند.

شمخانی در بدو ورود به مسکو گفت: «روابط ایران و روسیه در ابعاد مختلف اقتصادی، دفاعی و نظامی، امنیتی، علمی، کریدور و دیگر عرصه‌ها به سوی عمیق‌تر و بنیادی‌تر شدن است.»

در همین ارتباط، ضمیر کابلوف مدیر بخش دوم آسیایی وزارت خارجه روسیه به «اسپوتنیک» گفته بود در جریان سفر شمخانی به مسکو وضعیت امنیتی در ایران در پی حمله پهپادی به تأسیسات وزارت دفاع در اصفهان محور گفتگوها نخواهد بود اما بدیهی است بخش عمده شبکه پدافندی جمهوری اسلامی مجهز به سیستم‌های S-۳۰۰ روسی است و این ریزپرنده‌ها به عبور از آنها به هدف اصابت کردند. مدت‌هاست موضوع برکناری شمخانی از «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی مطرح است. عمده درگیری او در داخل با جریان «پایداری» و سعید جلیلی است. آنها شمخانی را متهم می‌کنند که با محمد خاتمی رئیس دولت «اصلاحات» مراوده دارد و در مقابل «فتنه» ساکت است. آنها همچنین شمخانی را در ضربات امنیتی که جمهوری اسلامی دریافت می‌کند مقصر می‌دانند. علاوه بر اینها شمخانی و خانواده‌اش با اتهامات گسترده فساد روبرو هستند. مالکان شرکت کشتیرانی «آدمیرال» پسران او

سازمان عفو بین‌الملل از خطر اعدام دست‌کم ۱۴ شهروند معترض خبر داد



شکنجه‌های وحشیانه بوده است. این گزارش افزوده که در نتیجه این شکنجه‌ها، جواد روحی دچار پارگی کتف، عدم کنترل ادرار، عوارض گوارشی و اختلالات حرکتی و گفتاری و عرشیا تکدستان دچار شکستگی انگشت پا و مشکلات حافظه شده است. بر اساس اطلاعاتی که سازمان عفو بین‌الملل منتشر کرده بینی مهدی محمدی فرد به دلیل ضرب و جرح در زمان دستگیری شکست و او به دلیل تجاوز دچار جراحات و خونریزی مقعدی شد. سازمان عفو بین‌الملل همچنین تأکید کرده که این سه جوان از حق دسترسی به وکیل در دوران تحقیقات و حق انتخاب وکیل مستقل و مورد نظر خود در مرحله محاکمه محروم شدند. محاکمه هر یک از آنها محدود به یک جلسه کمتر از یک ساعت بود. درخواست تجدید نظر آنها اکنون در دیوان عالی کشور تحت بررسی است. بستن اتهامات سنگین علیه شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات یکی از اقدامات سرکوبگرانه و سازمانیافته جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف بوده است. این اقدامات و اجرای سریع دو حکم اعدام طی هفته‌های گذشته با موجی از اعلام انزجار شهروندان و انتقادهای نهادها و مقامات بین‌المللی روبرو شد. همچنین شماری از حقوقدانان در کشور نیز به این احکام اعتراض کردند. در بسیاری از پرونده‌ها حتی مستندات موجود در پرونده نیز متناقض و ناکافی بوده اما با وجود این، قضات اقدام به صدور حکم اعدام کرده‌اند. از جمله در پرونده معروف به پرونده «خانه اصفهان» شش متهم این پرونده به دلیل حضور در در اعتراضات ۲۵ آبان در محله «خانه اصفهان» در شمال شهر اصفهان متهم شدند که در کشته شدن محسن چراغی، محسن حمیدی و محمد کریمی از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی نقش داشته‌اند. متهمان این پرونده صالح میرهاشمی، بلطاقی، مجید کاظمی، شیخ شبانی، سعید یعقوبی کرسفلی، امیر نصرآزادانی، سهیل جهانگیری و جابر میرهاشمی بودند. بر اساس حکم صادر شده صالح میرهاشمی بلطاقی، مجید کاظمی، شیخ شبانی، سعید یعقوبی کرسفلی به اعدام محکوم شده‌اند. در این پرونده‌سازی‌ها که در سال‌های گذشته و در جریان اعتراضات دی ۹۶ تا جنبش انقلابی کنونی بارها اتفاق افتاده، نهادهای امنیتی چند شهروند را بازداشت و به آنها اتهامات سنگین وارد کرده و شماری از متهمان را با محکوم کردن به «اعدام» به چوبه دار می‌آویزند تا رعب و وحشت ایجاد کرده و اعتراضات ملی را سرکوب کنند.

در این میان بیش از ۲۰ متهم به «اعدام» محکوم شده‌اند و همانطور که در گزارش سازمان عفو بین‌الملل نیز اشاره شده ده‌ها شهروند دیگر نیز همچنان در معرض صدور حکم اعدام هستند؛ شهروندانی که هنوز رأی قطعی دادگاه آنها صادر نشده و یا به دلیل عدم اطلاع‌رسانی خانواده و وکیل، هنوز شناسایی نشده‌اند. همچنین چهار شهروند به نام محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمد حسینی و محمد مهدی کرمی که در دادگاه‌های جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده بودند در هفته‌های گذشته اعدام شدند. اکثر معترضان که با اتهام سنگین روبرو شده‌اند زیر شکنجه‌های شدید جسمی، روانی و جنسی ناچار به اقرار و اعتراف علیه خود شده و دادگاه آنها غالباً بدون امکان دفاع متهم و بدون حق دسترسی به وکیل تعیینی (انتخابی) صورت گرفته است. سازمان عفو بین‌الملل چند روز پیش در گزارش دیگری از شکنجه‌های جنسی و جسمی جواد روحی، عرشیا تکدستان و مهدی محمدی فرد خبر داد و نوشت این سه شهروند معترض محکوم به اعدام برای اعتراف علیه خود با شکنجه‌هایی چون تهدید به مرگ با گذاشتن اسلحه روی پیشانی، آویزان کردن و شوک الکتریکی و همچنین تجاوز و آزار جنسی روبرو شده‌اند. در این گزارش آمده است: «سه معترض جوان شکنجه شده با نام‌های عرشیا تکدستان ۱۸ ساله، مهدی محمدی فرد ۱۹ ساله و جواد روحی ۳۱ ساله، در معرض خطر اعدام قرار دارند. احکام آنها مرتبط با اعتراضات صورت گرفته در نوشهر استان مازندران در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ است. آنها در آذرماه ۱۴۰۱ بابت اتهامات «محرابه» و «افساد فی‌الارض» به دو بار اعدام محکوم شدند. جواد روحی یک حکم سوم اعدام هم بابت اتهام «ارتداد» دریافت کرده است که بر اساس «اعترافات» حاصل از شکنجه مبنی بر سوزاندن قرآن صادر شده است.» در ادامه این گزارش آمده: «جوانان نامبرده جهت «اعتراف‌گیری» مورد ناپدیدسازی قهری و انواع شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گرفته‌اند از جمله حبس طولانی‌مدت در سلول‌های انفرادی، آویزان شدن، ضرب و شتم، شلاق، شوک الکتریکی، تهدید به مرگ با گذاشتن اسلحه به روی پیشانی و تجاوز یا سایر خشونت‌های جنسی از جمله گذاشتن یخ روی بیضه‌ها.» سازمان عفو بین‌الملل تأکید کرده که اعتراف جواد روحی به سوزاندن قرآن که سبب صدور اتهام ارتداد علیه او شده، حاصل

● نام ۱۴ زندانی در معرض خطر اعدام عرشیا تکدستان، جواد روحی، ابراهیم نارویی، کامبیز خروت، مجید کاظمی، منوچهر مهمان‌نواز، منصور دهمرده، محمد بروغنی، مهدی بهمین، مهدی محمدی فرد، محمد قبادلو، صالح میرهاشمی، سعید یعقوبی و شعیب میر بلوچ زهی ریگی است. سازمان عفو بین‌الملل نسبت به اعدام دست‌کم ۱۴ شهروند معترض که با اتهامات غیر از «قتل عمد» در زندان هستند هشدار داد.

سازمان عفو بین‌الملل روز سه‌شنبه ۱۸ بهمین با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی نام ۱۴ شهروند معترض بازداشت‌شده که در خطر اجرای حکم اعدام قرار دارند را منتشر کرده است. سازمان عفو بین‌الملل با تأکید بر اینکه این افراد در ارتباط با اعتراضات ماه‌های گذشته و برای اتهاماتی به غیر از «قتل عمد» در خطر اعدام هستند، به رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی یادآوری کرده که صدور احکام اعدام برای این افراد ناقض تعهدات ایران بر اساس قوانین بین‌المللی است.

بر اساس اعلام سازمان عفو بین‌الملل نام ۱۴ زندانی در معرض خطر اعدام عرشیا تکدستان، جواد روحی، ابراهیم نارویی، کامبیز خروت، مجید کاظمی، منوچهر مهمان‌نواز، منصور دهمرده، محمد بروغنی، مهدی بهمین، مهدی محمدی فرد، محمد قبادلو، صالح میرهاشمی، سعید یعقوبی و شعیب میر بلوچ زهی ریگی است.

در این گزارش تأکید شده که دست‌کم پنج نفر دیگر به نام‌های سهند نورمحمدزاده، حمید قره‌حسنلو، حسین محمدی، رضا آریا و ماهان صدرات مدنی، پس از اینکه احکام اعدام آنها توسط دیوان عالی کشور لغو و پرونده‌های آنها به دادگاه‌های بدوی بازگردانده شد، در خطر صدور مجدد حکم اعدام قرار دارند. سعید شیرازی، ابوالفضل مهری حسین حاجیلو و محسن رضازاده قراگولو نیز سه شهروند معترضی هستند که بر اساس این گزارش با اتهاماتی سنگین که احتمال صدور حکم اعدام برای آنها در پی دارد، روبرو شده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل جدا از این افرادی که شناسایی شده‌اند، از خطر صدور حکم اعدام برای ده‌ها تن دیگر خبر داده است. این سازمان حقوق بشری همچنین از رئیس قوه قضاییه خواسته خشونت علیه معترضان را فوراً متوقف کرده و همچنین به ناظران مستقل حقوق بشر اجازه دسترسی به دادگاه‌ها و نظارت بر روند محاکمه معترضانی که در جریان اعتراضات بازداشت شده‌اند را بدهد. سازمان عفو بین‌الملل همچنین از غلامحسین محسنی اژه‌ای خواسته که احکام اعدام صادرشده برای شهروندان معترض به سرعت متوقف و از صدور احکام اعدام جدید برای دیگر شهروندان بازداشت‌شده خودداری شود. سازمان عفو بین‌الملل خواستار این شده که شهروندان بازداشت‌شده در جریان اعتراضات که با اتهامات غیرجنایی به اعدام محکوم شده‌اند، در یک دادرسی مطابق با استانداردهای بین‌المللی و عادلانه بدون استفاده از مجازات اعدام محاکمه شود. در جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی که از هفته آخر شهریورماه امسال در پی جان باختن مهسا (ژینا) امینی دختر ۲۲ ساله به دلیل جراحات مغزی ناشی از ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد آغاز شد، طی پنج ماه گذشته حدود ۲۰ هزار نفر توسط مأموران جمهوری اسلامی بازداشت شدند. بیشتر بازداشت‌ها در هفته آخر شهریور و مهرماه صورت گرفته است. شماری از بازداشت‌شدگان با اتهامات سنگین «محرابه»، «بغی» و «افساد فی‌الارض» روبرو شدند.

غیراستاندارد بودن یک پنجم کلاس‌های درس ایران



گفته می‌شود لک‌زایی مسئول روابط عمومی نوسازی مدارس سیستان و بلوچستان «رشد فزاینده جمعیت دانش‌آموزی و اهمیت جذب بازماندگان از تحصیل سبب شده این استان برای رسیدن به حداقل‌ها سالانه نیازمند به ساخت بیش از یک‌هزار کلاس درس باشد».

هرچند کمبود کلاس درس در مناطق دورافتاده و استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان بیشتر است اما حتی در کلانشهرها و استان‌های مرکزی کشور هم جمهوری اسلامی نتوانسته کمبود کلاس درس را برطرف کند. برای نمونه استان تهران به ۳۰ هزار کلاس درس نیاز دارد و استان اصفهان با کمبود دست‌کم شش هزار کلاس درس روبرو است.

مشکلاتی چون فرونشست زمین هم مزید بر علت شده تا کلاس‌های درس با آسیب بیشتری روبرو شود. در همین رابطه مجید نسیمی مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان اصفهان با اشاره به شناسایی ۳۴ مدرسه دچار فرونشست در اصفهان، گفته که «برای بازسازی ۳۴ مدرسه با ۳۵۶ کلاس و زیربنای ۴۰ هزار و ۵۴۵ متر مربع که بر اثر فرونشست زمین آسیب دیده به اعتباری بالغ بر ۴۰۵ میلیارد تومان نیاز است».

مجید نسیمی افزوده «بر اساس استعلام کارشناسان از مناطق و نواحی آموزش و پرورش، بیش از ۱۰ هزار کلاس درس با قدمت بالای ۴۰ سال قبل از ۱۳۶۰ در سطح استان وجود دارد که با روش‌های سنتی و بدون دنظر گرفتن آئین‌نامه‌های خاص ساخته شده است و ۳۰ درصد فضای آموزشی سطح استان را در بر می‌گیرد. مطابق برآوردها نزدیک به سه هزار کلاس درس فرسوده نیازمند بازسازی و اقدامات فوری هستند که برای جایگزین کردن آن‌ها باید از ظرفیت مجمع خیران مدرسه‌ساز و اعتبارات دولتی بهره‌مند شویم».

درس در حال حاضر در چنین وضعیتی هستند. یکی از مهمترین مشکلات مداسی که نیاز به بهسازی دارند در زمینه سیستم گرمایی است. تعداد کلاس‌های درس که دارای مشکلات جدی در زمینه تنظیم حرارت هستند از سوی آموزش و پرورش ۴۹ هزار کلاس درس عنوان شده است که به گفته حمیدرضا خان محمد مشکلات تقریباً ۱۴ هزار کلاس درس با تعمیرات و بهسازی حل شده اما همچنان ده‌ها هزار مدرسه دارای سیستم گرمایی غیراستاندارد هستند.

آمارهای ارائه شده از سوی حمیدرضا خان محمد همچنین نشان می‌دهد که ۳۱ شهرستان ایران با سرانه فضای آموزشی کمتر از ۳ مترمربع هستند. او ابراز امیدواری کرده که «استفاده از سازه‌های صنعتی طبق نقشه‌ها و استانداردهای مد نظر مدرسه‌سازی می‌تواند به سرعت این خلاءهای آموزشی را برطرف کند».

جدا از آنکه فرسوده یا غیراستاندارد بودن مدارس و کلاس‌های درس تا کنون بارها حادثه آفریده و شماری از دانش‌آموزان جان خود را از دست داده یا مجروح و معلول شده‌اند، تقریباً همه استان‌های کشور نیز با کمبود کلاس درس و مدرسه روبرو هستند.

در این میان، استان سیستان و بلوچستان یکی از نیازمندترین استان‌های ایران به کلاس درس است. مدارس کپری و کانکسی در روستاهای این استان تدریس و تحصیل را برای آموزگاران و دانش‌آموزان با دشواری زیادی روبرو کرده است. نبود مدرسه سبب افزایش نرخ ترک تحصیل به ویژه در میان دختران دانش‌آموز شده و برخی دانش‌آموزان نیاز دارند روزانه کیلومترها مسیر را برای رسیدن به مدرسه روستاها یا شهرهای همجوار طی کنند.

آمارها نشان می‌دهد در مجموع استان سیستان و بلوچستان به حداقل ۱۸ هزار کلاس درس نیاز دارد و به

تقریباً ۱۹ درصد از مدارس کشور نیاز به تخریب، بازسازی و مقاوم‌سازی دارند و درواقع ۱۰۴ هزار کلاس درس در حال حاضر غیراستاندارد هستند.

فرسوده یا غیراستاندارد بودن مدارس و کلاس‌های درس تا کنون بارها حادثه آفریده و شماری از دانش‌آموزان جان خود را از دست داده یا مجروح و معلول شده‌اند.

هرچند کمبود کلاس درس در مناطق دورافتاده و استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان بیشتر است اما حتی در کلانشهرها و استان‌های مرکزی کشور هم جمهوری اسلامی نتوانسته کمبود کلاس درس را برطرف کند.

معاون عمرانی وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نوسازی و تجهیز مدارس کشور از نیاز یک پنجم مدارس کشور به تخریب و نوسازی خبر داده است.

حمیدرضا خان محمد معاون عمرانی وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نوسازی و تجهیز مدارس کشور گفته که تقریباً ۱۹ درصد از مدارس کشور نیاز به تخریب، بازسازی و مقاوم‌سازی دارند و درواقع ۱۰۴ هزار کلاس درس در حال حاضر غیراستاندارد هستند.

سال‌هاست گزارش‌هایی درباره نیاز فوری شمار زیادی از کلاس‌های درس و مدارس ایران به نوسازی و بهسازی منتشر شده است اما همچنان وزارت آموزش و پرورش نتوانسته سازوکاری برای بهسازی مدارس کشور انجام دهد.

حمیدرضا خان محمد معاون عمرانی وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نوسازی و تجهیز مدارس اما معتقد است یکی از مشکلات اینست که وزارت آموزش و پرورش سازنده مدرسه نیست. او می‌گوید: «کارشناس‌ها مدارس را می‌سازند و به وزارت آموزش و پرورش تحویل می‌دهند و شاید به همین دلیل امکان بررسی تغییراتی که احیاناً داخل مدرسه‌ای ایجاد شود توسط ما وجود ندارد».

آنچه از توضیحات حمیدرضا خان محمد مشخص است برخی مسائل از جمله وجود پله اضطراری یا شیوه گازکشی کلاس‌های درس به صورت تجربی در دستور کار قرار گرفته یا به شکل استاندارد در آمده است. او گفته که «درهای مدارس، در کلاس و در خروجی مدرسه باید به سمت بیرون بازشو باشد و باید به همه این نکات ریز دقت کنیم و استاندارد بودن آن را مد نظر قرار بدهیم. همانطور که در حوزه استفاده از گاز در کلاس‌های درس تذکراتی داده شد و امروز به استاندارد رسیده است، باید در مورد حفظ کاربری استاندارد فضاهای آموزشی نیز حساس باشیم».

این مقام وزارت آموزش و پرورش افزوده که «گر مواردی از تغییرات در کاربری مدرسه‌ای رخ داده است، حتماً باید گزارش شود و آموزش و پرورش نیز باید سریعاً موضوع را پیگیری کند. به طور مثال یک راه پله برای بحران به کار می‌آید و نباید راه خروج دانش‌آموزان بسته باشد».

معاون عمرانی وزیر آموزش و پرورش در مورد مدارس با قدمت بیش از ۵۰ سال که از نظر آتش نشانی نایمن محسوب می‌شوند، گفته که «ما برای تشخیص ایمن یا نایمن بودن مدارس با شاخص قدمت جلو نرفتم و کارشناس‌های ما نتایج‌شان را در سامانه فضا و تجهیزات بارگذاری کرده‌اند و آنچه سامانه به ما می‌گوید، این است که تقریباً ۱۹ درصد از مدارس کشور نیاز به تخریب و بازسازی و مقاوم‌سازی دارند که این عدد بزرگی است و در واقع ۱۰۴ هزار کلاس

خطوط تولید «کیان تایر» با احتساب محصولات روکش به حدود ۳۰ هزار تن در سال رسید و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت یازدهمین جایزه بین‌المللی کیفیت اروپا شد. موفقیت این کارخانه اما سبب شد به طعمه‌ای برای ساختار مبتنی بر رانت و تباهی جمهوری اسلامی تبدیل شود و در اواخر دهه هفتاد به اسم «خصوصی‌سازی» واگذار شد! بعد از واگذاری اولیه، مشکل «اهلیت مالک» و پیدا کردن مالکی که بتواند با تامین سرمایه در گردش و بازارهای فروش، کارخانه را سر پا نگه دارد، به مساله اصلی کیان تایر تبدیل شد و هیچ وقت هم حل نشد. اکنون کارگران کارخانه کیان تایر پس از بارها تعطیل و نیمه‌تعطیل شدن، امیدوار بودند وعده‌های دولت رئیسی عملی شود اما این امید به ناامیدی تبدیل شده است.

سوم آذرماه ۱۴۰۱، ابراهیم رئیسی در جمع کارگران شرکت کیان تایر گفت: به هیچ عنوان چرخ تولید در این کارخانه نباید گدازد یا متوقف شود. بالاترین مقام اجرایی کشور در آن سفر یک‌روزه به اسلامشهر، بر لزوم تخصیص و ارائه تسهیلات به شرکت برای ادامه روند فعالیت آن تا زمان تعیین تکلیف مالکیت و واگذاری آن تاکید کرد.

رضا بهرامی فعال کارگری در این کارخانه به خبرگزاری «ایلنا» گفته که فروردین امسال شماری از کارگران با رئیس قوه قضاییه را در سفر استانی غلامحسین محسنی اژه‌ای به استان البرز دیدار کردند و اژه‌ای قول پیگیری مشکلات کارگران را داده اما رفته و خبری از پیگیری نشده است.

ابراهیم رئیسی اوایل آذرماه با کارگران دیدار کرده بود اما وعده‌های او مانند دیگر وعده‌هایش عملی نشده است. به گفته رضا بهرامی مشکل اصلی کارگران، واگذاری و تعیین تکلیف مالکیت است؛ اگر قرار بر واگذاری است، بایستی از خریدار احتمالی کارخانه حمایت شود تا ترغیب شود و اشتغال را حفظ کند.

رضا بهرامی توضیح داده تا «به زور بتوانیم یک حقوق حداقلی بگیریم. اداره تسویه، یکی از مدیران خود مجموعه را بالای کار گذاشته، این مدیر با دست خالی کارخانه را می‌گرداند، از مشتریان چک می‌گیرد، تبدیل به مواد اولیه می‌کند و تایر تولید می‌کنیم. تهیه مواد اولیه یک در دسر بزرگ است. مشتریان بزرگ هم به ما بی‌اعتماد شده‌اند؛ تولید ما نهایت بیست تن است، در حالیکه ظرفیت اسمی ما ۷۵ تن است!»

این فعال کارگری در ادامه افزوده که «با توجه به تورم و وضعیت اقتصادی، فشار روی کارگران ما زیاد است؛ با حقوق حداقلی زندگی نمی‌چرخد؛ نگاه کارگر به اضافه کار است، نگاه کارگر به پاداش است، نگاه کارگر به مزایا است؛ اینها قطع شده چون مواد اولیه و منابع نداریم؛ اگر مواد اولیه داشته باشیم و با تمام ظرفیت تولید بکنیم، می‌توانیم حقوق عادلانه بگیریم؛ یکسری از همکاران ما از مرز بازنشستگی رد شده‌اند؛ اما تکلیف ۴ درصد سخت و زیان آور برای بازنشستگی پیش از موعد آن‌ها مشخص نیست.»

رضا بهرامی با قیاس دوران شکوه و سال‌های بی‌رونقی این کارخانه بعد از آن گفته که «هجده سال است کارخانه مالکیت درست و حسابی ندارد؛ کارگران هجده سال با چنگ و دندان کارخانه را نگه داشتند؛ حتی جای دستگاه کار کرده‌اند تا کار تعطیل نشود، جای ماشین بار حمل کردند تا تولید متوقف نشود. حادثه و فوتی بسیار داشتیم، در هر سال یکی دو تا فوتی حادثه کار داشتیم اما بازهم کارگران رشادت و از خودگذشتگی کردند. متأسفانه مالکانی که آمدند، سابقه کار تولیدی نداشتند، مدیران اجرایی بودند که فقط به فکر گذران امور روزمره بودند؛ کار را زمین زدند، پشت کیان تایر عاقبت به خاک مالیده شد.»



از همین رو ۵۰ کارخانه سیماں کشور در آستانه تعطیلی قرار گرفتند.

سیامک حاج سیدجواد کارشناس حوزه معدن به وبسایت «تجارت‌نیوز» گفته «وزارت صمت تا کنون برای ۲۲۰۰ معدن پروانه استخراج صادر کرده است، اما اکنون نزدیک به ۸۰۰ معدن فعال در ایران وجود دارد. پنج سال پیش تعداد معادن فعال، ۱۱۰۰ معدن بود. در حال حاضر صنعت سنگ ایران با یک سوم ظرفیت‌اش کار می‌کند و دو سوم معادن سنگ ایران تعطیل هستند. در پنج سال گذشته نیز ۳۰۰ معدن تعطیل شده‌اند.»

جمهوری اسلامی تلاش دارد با آمارسازی و گزارش‌های دستکاری شده وضعیت شاخص‌های اقتصادی را بهتر از آنچه در واقعیت است نشان دهد به ویژه آنکه مبنای سازمان‌های بین‌المللی در ارائه گزارش و تحلیل همین داده‌های حکومتی در ایران است. با اینهمه بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود با اشاره به اقتصاد ایران اشاره کرده و پیش‌بینی کرده که رشد اقتصادی در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ میلادی به ترتیب به ۲/۲ درصد و ۹/۱ درصد برسد؛ تخمین رشد اقتصادی ایران در سال گذشته میلادی (۲۰۲۲) معادل ۹/۲ درصد بود.

کاهش تولید و کوچک شدن اقتصاد ایران اما مشکلی ریشه‌دار به دلیل ناکارآمدی ۴۴ ساله جمهوری اسلامی است. اثرات بی‌توجهی به زیرساخت‌های اقتصادی کشور در شرایط تحریم بیشتر چشمگیر شده و هرچه پیش می‌رود مشکلات بزرگتر و عمیق‌تر می‌شوند.

یکی از کارخانه‌هایی که سال‌هاست در برابر ورشکستگی ایستادگی می‌کند و مدیران با زحمت چرخ تولید آن روشن نگه داشته اما گفته شده که دولت با وعده‌های بی‌عمل پشت کارخانه را به زمین کوبیده، کارخانه تولید لاستیک اتومبیل و ماشین‌های سنگین «کیان تایر» معروف به «پدر صنعت تایرسازی ایران» است.

«کیان تایر» یکی از قربانیان روند خصوصی‌سازی در ایران بود که هجده‌سال است با بحران پی در پی روبرو بوده و حالا دیگر کارگران هم امیدی به حل مشکلات آن ندارند. این کارخانه خردآمده سال ۱۳۳۷ خورشیدی به عنوان نخستین کارخانه تایرسازی ایران با سرمایه‌گذاری مشترک ایران و شرکت بی.اف.گودریچ آمریکا تاسیس شد و کمتر از سه سال بعد با احداث و تجهیز کارخانه تولید انبوه در آن در اسفند ۱۳۳۹ آغاز شد. کیان تایر در سال‌ها و دهه‌های اولیه یک شعار تبلیغاتی داشت: «لاستیکی که معجزه می‌کند...»

این کارخانه بعد از انقلاب نیز فعالیت خود را ادامه دارد و در نهایت در اوایل دهه هفتاد خورشیدی بار دیگر به روزهای اوج خود نزدیک شد. در سال ۱۳۷۴ ظرفیت اسمی

تداوم کاهش تولید در کشور؛ پشت «کیان تایر» هم به خاک مالیده شد!

● شهرک‌های صنعتی در استان‌های مختلف با آفت فشار، سهمیه‌بندی یا قطع کامل گاز روبرو هستند و در نتیجه سطح فعالیت و تولید در آنها کاهش پیدا کرده است. ● اکنون نزدیک به ۸۰۰ معدن فعال در ایران وجود دارد. پنج سال پیش تعداد معادن فعال، ۱۱۰۰ معدن بود. در حال حاضر صنعت سنگ ایران با یک سوم ظرفیت‌اش کار می‌کند و دو سوم معادن سنگ ایران تعطیل هستند. ● کاهش تولید مشکلی ریشه‌دار به دلیل ناکارآمدی ۴۴ ساله جمهوری اسلامی است و اثرات بی‌توجهی به زیرساخت‌های اقتصادی کشور در شرایط تحریم بیشتر چشمگیر شده است.

● «کیان تایر» یکی از قربانیان روند خصوصی‌سازی در ایران بود که هجده‌سال است با بحران پی در پی روبرو بوده و حالا دیگر کارگران هم امیدی به حل مشکلات آن ندارند. بسیاری از واحدهای تولید و صنعتی به دلیل رکود تورمی شدید و عدم حمایت دولت با کاهش تولید روبرو شده و به حالت احتضار درآمده‌اند. کارخانه تولید لاستیک «کیان تایر» یکی از کارخانه‌هایی است که هرچند سال‌ها پیش یکی از کارخانه‌ها موفق کشور بود حالا رو به زوال رفته و به سختی چرخ تولید را در حرکت نگه‌داشته است.

از هفته‌های گذشته خرابی‌های دربارہ کاهش سطح تولید به دلیل عدم توزیع گاز در بخش صنعت منتشر می‌شود. شهرک‌های صنعتی در استان‌های مختلف با آفت فشار، سهمیه‌بندی یا قطع کامل گاز روبرو هستند و در نتیجه سطح فعالیت و تولید در آنها کاهش پیدا کرده است.

سیدالله امیری مدیرکل دفتر صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت به تازگی گفته است: «در حالی که قرار بود روزانه ۴۰ میلیون مترمکعب گاز برای کارخانه‌های فولادی در نظر گرفته شود این میزان به ۱۵ میلیون مترمکعب کاهش یافت و اخیراً نیز طی نامه‌ای از سوی شرکت ملی گاز این میزان به ۱۰ میلیون مترمکعب کاهش یافته است.»

مدیرکل دفتر صنایع معدنی وزارت صمت با بیان اینکه بر اساس برنامه‌های وزارت نفت باید روزانه یک میلیارد و ۴۵۰ میلیون مترمکعب گاز در کشور تولید شود، گفته که «این در حالی است که در حال حاضر روزانه ۸۵۰ میلیون مترمکعب گاز تولید می‌شود که بین ۵۵۰ تا ۶۵۰ میلیون مترمکعب آن صرف خانوار، حدود ۱۲۰ میلیون مترمکعب آن صرف نیروگاه‌ها و بقیه نیز صرف تولید می‌شود.»

همچنین گزارش‌ها حاکی از آن است که از حدود یک ماه پیش تا کنون سهمیه گاز شرکت‌های سیماں نصف شده و شرکت‌هایی هم که در جوار شهرهای بزرگ مستقر هستند، امکان سوزاندن مازوت به عنوان سوخت جایگزین را ندارند.

کارزار خانواده‌های دادخواه برای تحریم مراسم سالروز پیروزی انقلاب ۵۷ از سوی دیگر کشورها

THE OPPRESSED PEOPLE OF IRAN, INCLUDING THE FAMILIES OF VICTIMS OF THE ISLAMIC REPUBLIC'S CRIMES OVER 44 YEARS, ARE UNITED IN ASKING YOU TO BOYCOTT THE FEBRUARY 9TH CEREMONY IN TEHRAN FOR THE SO-CALLED ISLAMIC REVOLUTION DAY.

PLEASE DON'T SHAKE HANDS WITH THE MURDERERS OF IRANIANS AND THE AGENTS OF DESTRUCTION OF IRAN AND THE MIDDLE EAST. STAND ON THE RIGHT SIDE OF HISTORY.

به دست همین حکومت به قتل رسید، از نمایندگان تمام کشورها می‌خواهیم با شرکت در سور و سات قاتل‌ها آبروی خود را حراج نکنند. چرا که روز آزادی نزدیک است و ما آن روز، کسانی را که به مردم ایران پشت کردند، نه می‌بخشیم، نه فراموش می‌کنیم.»

لیلا لطیفی مادر دادخواه امیرحسین سعیدی‌نیا نیز با انتشار توئیتی نوشته که «من لیلا لطیفی و همسر مسعود سعیدی نیا، داغدار همیشگی پسر عزیزان امیرحسین که به دست جنایتکاران بی‌رحم جمهوری اسلامی در شلیک به هواپیمای مسافری پرپر شد از تمام کشورهای دنیا می‌خواهیم که در مراسم ۲۲ بهمن جنایتکاران شرکت نکنند. لطفاً پا روی خون عزیزان ما نگذارید.»

ماهی مختاری خواهر محمد مختاری که در جریان اعتراضات ۱۳۸۸ کشته شد در توئیتی نوشت: «ما، خانواده‌ی #محمد مختاری که به دست همین حکومت به قتل رسید، از نمایندگان تمام کشورها می‌خواهیم با شرکت در سور و سات قاتل‌ها آبروی خود را حراج نکنند. چرا که روز آزادی نزدیک است و ما آن روز، کسانی را که به مردم ایران پشت کردند، نه می‌بخشیم، نه فراموش می‌کنیم.»

محمد رضا ترکمان برادر محمد حسن ترکمان از جانب‌اختگان جنبش اعتراضی نیز با انتشار توئیتی نوشته که «از تمام مردم عزیزمون می‌خواهیم همراه ما خانواده‌های دادخواه با هشتگ #BoycottIRIDay از کشورها بخواهیم در جشن مراسم سالگرد روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ۲۰ بهمن شرکت نکرده و این مراسم را تحریم کنند.»

در آستانه سالگرد انقلاب ۵۷ و تشکیل جمهوری اسلامی رویارویی مردم ایران با جمهوری اسلامی ابعاد

دادخواهان در ادامه خطاب به مقامات خارجی به ویژه مقامات اروپایی نوشته‌اند که «لطفاً دست قاتلان مردم ایران و عوامل ویرانگر ایران و خاورمیانه را نفشارید؛ در سمت درست تاریخ بایستید.»

شمار زیادی از کاربران ایرانی نیز با انتشار و بازنشر توئیت‌هایی با محتوای بایکوت مراسم حکومتی جشن پیروزی انقلاب ۵۷ و استفاده از هشتگ #BoycottIRIDay به این کارزار پیوسته‌اند.

اعضای خانواده‌های دادخواه جانب‌اختگان اعتراضات اخیر و همچنین فاجعه شلیک موشکی به هواپیمای اوکراینی خواستار تحریم مراسم حکومتی از سوی سفارتخانه‌ها و مقامات دیپلماتیک خارجی حاضر در ایران شدند. خانواده نیکا شاکرمی، نوید افکاری، مینو مجیدی، محمدحسن ترکمان، محمدجواد زاهدی، مهرگان زحمتکش، رضا شهپرینیا، محمدرضا اسکندری، اصغر نحوی‌پور، محمدرسلول مومنی، علی سیدی، محسن محمدی، امید مویدی، آمنه شهبازی‌فرد، علی روزبهانی، بهاره کرمی مقدم، ابوالفضل مهدی‌پور، پوریا ناصری‌خواه، میلاد زارع، محمد مختاری، جواد رضایی، رحیم امین‌آبادی و نگار برقی از جمله این خانواده‌ها هستند.

سعید افکاری، برادر نوید افکاری در اینستاگرام خود با اشاره به برنامه شرکت مقامات کشورهای مختلف در «جشن روی کار آمدن جمهوری اسلامی»، نوشت: «۴۴ سال فقر و خفقان و داغ مردم ایران مبارکتان باشد! اما فراموش نکنید چند صباحی بیشتر از عمر این حکومت باقی نمانده. قدرت میلیون‌ها آزادی‌خواه ایرانی را با کاخ فرسوده این حکومت معاوضه نکنید.»

سعید افکاری افزوده که «ما، خانواده نوید افکاری که

● دادخواهان خطاب به مقامات خارجی به ویژه مقامات اروپایی نوشته‌اند که «لطفاً دست قاتلان مردم ایران و عوامل ویرانگر ایران و خاورمیانه را نفشارید؛ در سمت درست تاریخ بایستید.»

● در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷، رویارویی مردم ایران با جمهوری اسلامی ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است.

● هشتگ #یادمون‌نمیره پس از انتشار پیام‌هایی از سوی میرحسین موسوی و محمد خاچی و با در نظر گرفتن تلاش جمهوری اسلامی برای مصادره جنبش انقلابی توسط اصلاح‌طلبان فعال شده است.

شماری از خانواده‌های دادخواه که عزیزانشان در جریان جنایات و سرکوب‌های جمهوری اسلامی جان باخته‌اند با ایجاد کارزاری در شبکه‌های اجتماعی از مقامات کشورهای مختلف خواسته‌اند در جشن سالگرد پیروزی انقلاب ۵۷ شرکت نکنند.

شمار زیادی از خانواده‌های جانب‌اختگان جنایات جمهوری اسلامی با انتشار هشتگ #BoycottIRIDay از مقامات کشورهای مختلف خواسته‌اند تا شرکت در جشن پیروزی انقلاب ۵۷ را که قرار است پنجشنبه ۲۰ بهمن برابر با ۹ فوریه در تهران برگزار شود بایکوت کنند.

در پیامی که از سوی این خانواده‌ها خطاب به مقامات دیگر کشورها منتشر شده آمده که ملت مظلوم ایران، از جمله خانواده‌های قربانیان جنایات ۴۴ ساله جمهوری اسلامی، یکپارچه از شما می‌خواهند که به نمایندگان دیپلماتیک خود دستور تحریم مراسم ۹ فوریه در تهران را بدهید.

گفتگوی کیهان لندن با حسن منصور اقتصاددان درباره «طرح مولدسازی»



دکتر حسن منصور اقتصاددان

لوله، بانکداری، صنایع انرژی، فرآورده‌های نفتی و روغن موتور، گریس و ضد یخ، حمل و نقل، راه و ساختمان، چاپ و انتشارات، تلفن و مخابرات، هولدینگ‌های مواد خوراکی و تجارت خارجی را در نوردید و درآمد آن به گزارش رئیس آن پرویز فتحاح در سال ۳۹۹۹ به ۳۶ تریلیون (هزار میلیارد) تومان بالغ شد.

در سال ۱۳۴۸ به فرمان خمینی «ستاد اجرائی فرمان امام» تأسیس شد که به هزاران قطعه زمین و املاک مصادره شده از ایرانیان عادی، اقلیت‌های مذهبی، بازرگانان و ایرانیان مقیم خارج، زندانیان سیاسی و عقیدتی نظارت کند. بنا بود عمر این ستاد موقت باشد ولی با تصویب ولی فقیه دوم، عمر دائمی یافت و ادامه کار «بنیاد مستضعفان» در امر مصادره و تصرفات عدوانی را بر عهده گرفت و گسترش داد و این رسالت را بی‌وقفه تا امروز ادامه داده است. پژوهشی که رویترز در سال ۲۰۱۳ انتشار داد دارائی این ستاد را معادل ۹۵ میلیارد دلار محاسبه کرده بود که ۵۳ میلیارد دلار آن را املاک و ۴۲ میلیارد دلار را شرکت‌ها تشکیل می‌دادند. ستاد در این مدت به مصادره سیستماتیک «اموال مجهول المالک، بلا صاحب، ارث بدون وارث، کالاهای قاچاق بلاصاحب یا صاحب متواری، اموال رسوب شده در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی» ادامه داد و ثروت کلانی انباشت بطوری که وزارت خارجه ایالات متحده ثروت «ستاد اجرائی فرمان امام» را ۲۰۰ میلیارد دلار ارزیابی می‌کند.

- خود جمهوری اسلامی رقم این دارائی را چقدر اعلام می‌کند؟
- جمهوری اسلامی از زبان مسئولان بلندپایه خود ارقام متناقضی در این باب اعلام کرده است:

در ۳۰ مهر ۱۳۹۶، رحمت‌الله کرمی معاون وزیر اقتصاد وقت در «همایش مولدسازی و مدیریت اموال دولتی» گفت: «دولت ۱۸۳ هزار هزار میلیارد تومان ثروت دارد» وی توضیح داد که «بر اساس تحقیقات انجام شده بیش از یک میلیون ملک دولتی وجود دارد که باید احصاء و ارزش آن تعیین شود.» وی در همان همایش گفت که «در سال ۱۳۹۵، ۲۵٪ پروژه مولدسازی دارائی‌های دولت انجام شده ←

● شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا نهادی است که در سال ۱۳۹۸ با الغای عملی دو اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل تفکیک قوا (اصل ۵۷) و اصل منع واگذاری حق قانونگذاری به هر شخص یا نهاد دیگر از سوی مجلس (اصل ۸۵)، بجای نهادهای هیئت دولت، مجلس شورای اسلامی، بانک مرکزی و شورای عالی امنیت ملی نشسته و مجلس را از شأن قانونگذاری خود معزول کرده است. درواقع کلیه تصمیمات این شورا با تصویب شخص رهبری جنبه قانونی می‌گیرد و رهبر در مورد مصوبات آن «حق وتو» دارد.

● در سال ۵۸، سرمایه و دارائی ۵۳ کارآفرین بزرگ مصادره شد و بیش از ۵۷ هزار ملک تجاری و مسکونی به اشغال درآمد و امروز مسئولان، شمار این املاک را بیش از یک میلیون گزارش می‌کنند. گزارش‌هایی که از شیوه مدیریت واحدهای شناخته شده به دستمان رسیده حکایت از این می‌کند که این دارائی‌ها که چندین برابر تولید ملی سالانه کشور حجم دارند در تصرف افراد و گروه‌هایی است که هیچ سودی به کشور نمی‌رسانند بلکه حفره‌های خاکستری مالیه کشور را می‌سازند که بجای ثروت‌افزائی ثروت‌های تولیدشده را می‌بلعند.

● به این ترتیب این دارائی‌ها- از تصدی دولت که بهر تقدیر کفیل نگهداری ثروت‌های ملت تلقی می‌شود- به افراد و خانوارهای حکومتی انتقال داده شده و بخش بزرگی از آنها به زودی با تبدیل شدن به ارز به خارج منتقل خواهد شد. مقامات سه قوه قضاییه و دولت و مجلس شورای اسلامی در حالی بر اجرای «طرح مولدسازی» اصرار می‌ورزند که این طرح مبهم از سوی کارشناسان اقتصاد با انتقاد روبروست. در همین ارتباط با دکتر حسن منصور اقتصاددان گفتگو کرده‌ایم.

- اساسا این طرح «مولدسازی» چیست و چه هدفی را دنبال می‌کند؟

- از زمانی که آیت‌الله خمینی اعلام کرد که «همه اینها» یعنی تمام اقتصاد ملی ایران «غنائم اسلام» است و گفت «اینها مال مستضعفان است و امر کرده‌ام به آنها بدهند و خواهند داد»، هزاران هزار میلیارد تومان از ثروت‌های ملی، سرمایه‌های کارآفرینان، کارخانجات صنعتی، املاک تجاری و مسکونی از صاحبانشان مصادره شد و به تصرف «بنیاد مستضعفان» در آمد. انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۵۷ به پیروزی رسید و تنها هفده روز پس از آن یعنی ۹ در اسفندماه همان سال خمینی فرمان تأسیس بنیاد مستضعفان را صادر کرد با این فرمان که «شورای انقلاب اسلامی بموجب این مکتوب مأموریت دارد که تمام اموال منقول و غیرمنقول سلسله پهلوی و شاخه و عمال و مربوطین به این سلسله را برفع مستضعفان و کارگران و کارمندان ضعیف مصادره و منقولات آنها در بانک‌ها با شماره‌ای به اسم انقلاب به اینجانب سپرده شود و غیرمنقول مستغلات اراضی ثبت و ضبط شود تا برفع مستضعفان صرف گردد.» این بنیاد در مدت کوتاهی بدل شد به یکی از ثروتمندترین نهادهای کشور که از هرگونه حسابرسی، تحقیق و تفحص مجلس و دولت معاف، و تنها به شخص ولی امر پاسخگو بوده و دامنه فعالیت‌های آن همه عرصه‌های اقتصادی کشور، اعم از صنایع و معادن، حفاری و احداث خطوط

→ گسترده‌تری پیدا کرده است. جدا از هشتگی که درخواست بایکوت مراسم حکومتی در تهران از سوی مقامات دیپلماتیک دیگر کشورها را پیش می‌برد طی روزهای گذشته هشتگ #یادمون_نمیره نیز جنایات جمهوری اسلامی را به ویژه در اعتراضات سال‌ها و ماه‌های گذشته یادآوری می‌کند.



Do not choose this regime's ruinous authority over
the real power of millions of Iranian freedom seekers

#BoycottIRIDay

هشتگ #یادمون_نمیره پس از انتشار پیام‌هایی از سوی میرحسین موسوی و محمد خاتمی و با در نظر گرفتن تلاش جمهوری اسلامی برای مصادره جنبش انقلابی توسط اصلاح‌طلبان فعال شد. این هشتگ با یادآوری جانباختگان، و شهروندان معترضی که مجروح و نابینا و زندانی و محکوم به اعدام شدند، بر مرز پررنگ میان مردم ایران با هر جناح و مقامی که از درون جمهوری اسلامی آمده باشد تأکید می‌کند. فاطمه حیدری خواهر جواد حیدری از جانباختگان اعتراضات اخیر با انتشار این هشتگ نوشته که «یادمون نمیره جواد رو از پشت سر با تیر زدید؛ دورش با اسلحه حلقه زدید و برادرم رو به جای بیمارستان بردید داخل مقر فرماندهیتون تا جون دانش رو تماش کنی. بعد از ۲۴ ساعت بی‌خبری با وقاحت گفتید که باید بگید حادثه بوده... هیچ وقت یادمون نمیره با ما چیکار کردید.» همچنین در حالی که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند در روزهای سالگرد انقلاب ۵۷ به اشکال مختلف مانور قدرت بدهد اما مردم نیز تلاش می‌کنند مرزبندی خود را با انقلاب و انقلابیون ۵۷ و نظام برآمده از آن را شفاف کنند. از شب‌های گذشته شعارهای شبانه در شهرهای مختلف افزایش یافته است.

ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد مردم شعارهایی چون «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر سپاهی» سر می‌دهند. شامگاه گذشته، سه‌شنبه ۱۸ بهمن، در مناطق مختلفی از پایتخت از جمله نارمک، فرمانیه، تهرانسر، شهرک «باقری»، پیروزی، شهرک نگین غرب شعارهای شبانه علیه جمهوری اسلامی سر داده شد. تصاویر و ویدئوها همچنین گویای افزایش دیوارنویسی‌ها همزمان با سالروز پیروزی انقلاب اسلامی است.



مجلس نیازی نمی‌بود.

هدف واقعی از اجرای این «طرح» چه می‌تواند باشد؟
-توجه کنیم که سخن بر سر ثروت‌های ملی انباشته شده‌ای است که به تصرف عدوانی در آمده‌اند: این ثروت‌ها در یک شب پدید آورده نشده‌اند بلکه ثمره کوشش‌های چند ده ساله ملتی است که در قامت کارگر، کارمند، کشاورز، کارآفرین، متخصص، مهندس، طراح و نقشه‌کش و مدیران کارخان در هزاران واحد تولیدی و ثروت‌آفرینی تولید شده‌اند. بخش بزرگی از این ثروت ملی در دو دهه پیش از انقلاب بر اثر کوشش‌های شبانه‌روزی میلیون‌ها ایرانی در واحدهای عظیم صنعتی کشور نظیر صنایع آفریده برادران خیامی، محمدتقی برخوردار، محمدرحیم متقی ایروانی، برادران آزمایش، جعفر اخوان، حبیب ثابت، برادران لاجوردی، برادران رضائی، محمدتقی توکلی، و صدها کارآفرین مبتکر و ایران‌دوست دیگری تولید شد که رشد ۱۲ درصدی اقتصاد ملی را به مدت پانزده سال تأمین کرده و چهره اقتصاد و مدنیت کشور را دگرگون کردند.

در همان سال ۵۸، سرمایه و دارائی ۵۳ کارآفرین بزرگ مصادره شد و بیش از ۵۷ هزار ملک تجاری و مسکونی به اشغال درآمد و امروز مسئولان، شمار این املاک را بیش از یک میلیون گزارش می‌کنند.

گزارش‌هایی که از شیوه مدیریت واحدهای شناخته شده به دستمان رسیده حکایت از این می‌کند که این دارائی‌ها که چندین برابر تولید ملی سالانه کشور حجم دارند در تصرف افراد و گروه‌هایی است که هیچ سودی به کشور نمی‌رسانند بلکه حفره‌های خاکستری مالیه کشور را می‌سازند که بجای ثروت‌افزائی ثروت‌های تولید شده را می‌بلعند.

اما گزارش‌های مقدماتی که از هدف این «هیئت هفت نفره مولدسازی» به دست می‌رسد نگران‌کننده است به عنوان نمونه بیانات محمدرضا صالحی معاون پشتیبانی نهاد ریاست جمهوری در دولت روحانی و استاندارد بوشر و مازندران و خراسان شمالی، حکایت از این می‌کند که «بنیاد پتروشیمی‌ها- پالایش گاز پارسیان- و فجر جم به ستاد اجرائی فرمان امام منتقل شود...». یعنی به این ترتیب این دارائی‌ها- از تصدی دولت که بهر تقدیر کفیل نگهداری ثروت‌های ملت تلقی می‌شود- به افراد و خانوارهای حکومتی انتقال داده شود و بخش بزرگی از آنها به زودی با تبدیل شدن به ارز به خارج منتقل خواهد شد.

وحیدی وزیر کشور؛ مهرداد بذپاش وزیر راه و شهرسازی؛ مسعود میرکاظمی رئیس سازمان برنامه و بودجه؛ احسان خاندوزی وزیر اقتصاد و دارائی؛ یک نماینده از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی و یک نماینده از سوی رئیس قوه قضائیه که بناسط زیر نظر وزارت اقتصاد و دارائی عمل کنند. اما این شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا نهادی است که در سال ۱۳۹۸ با الغای عملی دو اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل تفکیک قوا (اصل ۵۷) و اصل منع واگذاری حق قانونگذاری به هر شخص یا نهاد دیگر از سوی مجلس (اصل ۸۵)، بجای نهادهای هیئت دولت، مجلس شورای اسلامی، بانک مرکزی و شورای عالی امنیت ملی نشسته و مجلس را از شأن قانونگذاری خود معزول کرده است. درواقع کلیه تصمیمات این شورا با تصویب شخص رهبری جنبه قانونی می‌گیرد و رهبر در مورد مصوبات آن «حق وتو» دارد. زمانی که این بدعت رهبری مطرح شد، رحمانی فضلی وزیر کشور وقت گفت: «مصوبات شورای هماهنگی اقتصادی ظرف ۴۸ ساعت با دستور مقام معظم رهبری ابلاغ می‌شود» یعنی مصوبات این شورا پیش از تأیید رهبر نظام رسمیت ندارد؛ مهرداد لاهوتی نماینده مجلس دهم در همین ارتباط گفت: «بهر است درب مجلس را ببندید و بودجه آن را به شورای عالی هماهنگی سران قوا بدهید...». پروانه سلحشوری نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: «مدت‌هاست مجلس در رأس امور نیست... همین یک رکن نیم‌بند دموکراسی را داشتیم که فاتحه آنهم خوانده شد. مجلس بعدی را ببندید، خودش اقتصاد مقاومتی است!»

اما نکته مهم‌تر اینکه این طرح در شرایط تهدید و ارباب یعنی در وضعیت فوق‌العاده «فورس ماژور» اجرا می‌شود: کلیه قوانین مربوط به مدت دو سال تعلیق می‌شوند؛ مجلس به مدت دو سال اختیار قانونگذاری در این موارد را از دست می‌دهد؛ مجریان طرح از «مصونیت قضائی» برخوردار می‌شوند یعنی هیچگاه هیچ محکمه‌ای حق پرسش از آنان را نخواهد داشت؛ و هر کس به کار این هیئت ایراد بگیرد می‌تواند تا پنج سال زندانی شود و شغل خود را از دست بدهد! این تهدیدها که- اعتبار «حکم حکومتی» گرفته‌اند- شائبه تقلب‌های بزرگ از پیش اندیشیده را به میان می‌آورد که طراحان قصد انجام‌شان را دارند و گرچه هرگز به بستن زبان پرسشگران، و تعطیلی قوه تقنینی

و پیش‌بینی می‌شود که این پروژه در سال ۱۳۹۹ تکمیل شود». این خزانه‌دار کل کشور در ادامه افزود که «بطور کلی یک میلیون ملک دولتی وجود دارد که تنها ۳۵۰ هزار از آنها شناسائی شده... و ارزش آنها چندین هزار هزار میلیارد تومان برآورد شده است (گزارش تسنیم، درج شده در خبر آنلاین ۱۳۹۶/۰۷/۳۰).

در ۲۳ فروردین ۱۳۹۹ فرهاد دژپسند وزیر اقتصاد و دارائی وقت ارزش کل دارائی‌های دولت را هفت میلیون میلیارد تومان، معادل ۴۵۰ میلیارد دلار اعلام کرد که دولت به منظور رفع تنگناهای مالی خود تصمیم گرفته بود تنها ۲,۸۰۰ هزار میلیارد تومان آنها را در بورس عرضه کند؛ این بخش شامل شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و شرکت‌های فعال در بخش معادن و فلزات می‌شد. در ۱۱ آذر ۱۴۰۰ آقای حسین قربانزاده رئیس سازمان خصوصی‌سازی، میزان دارائی‌های دولت را ۱۸ هزار هزار میلیارد تومان اعلام کرد که بنظر وی «بجای خلق ارز هدر می‌رود و این بعلت مدیریت نا شایسته است و نتیجه این می‌شود که بتدریج دارائی دولت‌ها آب شده و از بین برود». ملاحظه می‌کنید که رقم ۱۸۳ میلیون میلیارد تومان رئیس خزانه داری کل، با رقم ۷ میلیون میلیارد تومان وزیر اقتصاد و رقم ۱۸ میلیون میلیارد تومان رئیس سازمان خصوصی سازی هیچ تناسبی باهم ندارند و ترجیح بند همه این مقامات هم این است که بخش بزرگی از این اموال و دارائی‌ها شناخته شده نیست و «ظرفیت و پتانسیل مردمی می‌تواند در شناسائی اموال دستگاه‌های اجرائی دولت به ما کمک کند!». (خبرگزاری تسنیم).

منظور از عنوان «مولدسازی» برای این طرح چیست؟

-منظور این است که این دارائی‌های معطل مانده را بدل کنیم به منبع درآمد. یعنی فلان ملک را مثلاً در تصرف فلان شخص قرار گرفته بدل کنیم به یک محل تولید ارزش، نظیر کارخانه، مزرعه یا ملک اجاره ای. این معنی زمانی فهمیده می‌شود که به سخنان مثلاً آقای اسحاق جهانگیری توجه کنیم که می‌گوید (نقل به معنی): این دارائی‌های عاطل مانده نه تنها در آمدی ایجاد نمی‌کنند و مالیاتی به دولت نمی‌پردازند بلکه سالانه ده‌ها هزار میلیارد تومان برای نگهداری شان از بودجه عمومی دریافت می‌کنند!

حالا دولت می‌خواهد چه حجمی از این دارائی‌های نامعلوم را «مولدسازی» کند؟!

-در این پرسش چند نکته وجود دارد: نخست اینکه حجم دارائی مورد نظر ۱۰۷ هزار میلیارد تومان اعلام شده و هدف از این «مولدسازی» هم تأمین منابع مالی بودجه بیان شده است. این معنی دو مشکل پدید می‌آورد: نخست اینکه این ارقام دارائی را چه کسانی و با کدامین معیارها ارزش‌گذاری کرده‌اند؟ می‌دانیم که ارزش‌گذاری یک امر علمی و فنی است که به افراد حرفه‌ای آموزش‌دیده نیاز دارد؛ و مهم‌تر اینکه ارزش‌گذاری در بستر یک بازار پولی امکانپذیر است که نرخ بهره پول در آن از تضارب عرضه و تقاضای پول در بازار پولی پدید می‌آید و این بهره پولی است که محاسبه «ارزش امروزین جریان درآمدهائی آتی» را امکانپذیر می‌کند و می‌دانیم که در ایران- به برکت حرمت رسمی ربا- چنین بازار پولی و مالی وجود ندارد! و بنابراین هرگونه ارزیابی به تصورات و توهمات ارزیاب بستگی خواهد یافت.

دیگر اینکه رقم ۱۰۷ تریلیون تومان تنها می‌تواند حدود یک پنجم کسری بودجه را بپوشاند.

اما نکته سوم اینکه، دستگاه اجراکننده این «مولدسازی» دولت نیست بلکه هیئتی است هفت نفره که از سوی شورای عالی هماهنگی سران قوا تعیین شده متشکل از محمد مخبر معاون اول رئیس جمهوری اسلامی؛ احمد

جمهوری اسلامی به دنبال تکرار دهه شصت و «تواب‌سازی» از شهروندان معترض است



● رئیس قوه قضاییه مدعی شده بسیاری از بازداشت‌شدگان اظهار ندامت کردند و به کزات گفتند که ما از مسئولان قضایی می‌خواهیم مشمول عفو قرار بگیریم. ● اژه‌ای تأکید کرده با کسانی که «ابراز پشیمانی» نکرده‌اند «قاطعانه برخورد» خواهد شد.

● ابراز پشیمانی و توبه بازداشت‌شدگان در حالی که برای جمهوری اسلامی یک برگ برنده به شمار می‌رود تا نشان دهد مردم معترض تحت تأثیر گروه‌های سیاسی مخالف رژیم یا «توطئه دشمنان خارجی» قرار گرفتند اما همزمان می‌تواند بر افکار عمومی اثرات منفی برجای بگذارد. اگرچه مردم نه اعترافات تلویزیونی و نه توبه و ابراز پشیمانی زندانیانی را که تحت فشارهای وحشیانه قرار دارند اساساً جدی نمی‌گیرند.

در حالی که روز گذشته رهبر جمهوری اسلامی به روال هر سال همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی شماری از شهروندان بازداشت شده در خیزش انقلابی ماه‌های گذشته را «عفو» کرد، رئیس قوه قضاییه با اعلام امکان «توبه» برای بازداشت‌شدگان تهدید کرد با کسانی که «ابراز پشیمانی» نکرده‌اند «قاطعانه برخورد» خواهیم کرد.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی از «متنبه شدن» شماری از بازداشت‌شدگان اعتراضات ماه‌های گذشته خبر داده و مدعی شده که آنها از کرده خود توبه کرده و پشیمان شده‌اند. او درباره بازداشت‌شدگانی که مورد «عفو» علی‌خامنه‌ای قرار گرفتند گفته که «غالب اینها پس از دستگیری متوجه اشتباه خود شدند و اظهار داشتند که ما فریب خوردیم. این افراد مرتکب جرم شدند اما مرتکب جنایت نشدند، این افراد اظهار ندامت کردند و به کزات گفتند که ما از مسئولان قضایی می‌خواهیم مشمول عفو قرار بگیریم.»

رئیس قوه قضاییه گفته که «بسیاری از این دستگیرشدگان جوان‌هایی هستند که به محض آنکه متوجه توطئه دشمنان در جریان اغتشاشات اخیر و اقدامات خبیثانه‌ای نظیر آتش‌زدن قرآن و پرچم ایران شدند، برائت جسته و صف خود را از عناصر اصلی اغتشاشات جدا کردند؛ این جوانان به هیچ وجه در مقابل نظام جمهوری اسلامی نیستند؛ لذا ما نیز با پیشنهاد عفو و مختومه شدن پرونده آنها در هر مرحله‌ای که قرار دارد این فرصت را برای آنان فراهم کردیم تا آینده‌شان به واسطه ثبت کیفری، تحت تأثیر قرار نگیرد؛ بدیهی است چنانچه این افراد عفو شده مجدد مرتکب جرم شوند، طبق قانون برخورد سنگین‌تری با آنها خواهد شد.»

محسنی اژه‌ای افزوده که «عناصر اصلی اغتشاشات که مرتکب جنایت و محاربه و افساد فی‌الارض شده یا سب خسارت به اموال مردم شده و شاکي خصوصی دارند و یا مرتبط با سرویس‌های جاسوسی بیگانه هستند در زمره عفو‌شدگان قرار ندارند.»

روز گذشته خبری درباره مورد عفو قرار گرفتن شماری از بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر توسط علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در رسانه‌ها منتشر شد. این خبر با واکنش‌ها و بازخوردهای مختلفی همراه بود. در این میان غلامحسین محسنی اژه‌ای امروز دوشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۱ در سخنانی گفته که عفو این افراد «عفو معیاری» بوده

که نسبت به این موضوع فصل جدیدی باز کنند و مجلس و همه و نظام می‌خواهم باب توبه را چگونه باید فرصت بدهیم و بستر را فراهم کنیم که مجرمین توبه کنند.»

به نظر می‌رسد جنبش انقلابی و بازداشت حدود ۲۰ هزار نفر در شهرهای مختلف این فرصت را برای جمهوری اسلامی فراهم کرده تا بار دیگر مثل سال‌های دهه شصت «تواب‌سازی» از شهروندانی را که با دلایل سیاسی و امنیتی و به ویژه در اعتراضات بازداشت شده‌اند به شکل گسترده پیش برد.

ابراز پشیمانی و توبه بازداشت‌شدگان در حالی که برای جمهوری اسلامی یک برگ برنده به شمار می‌رود تا نشان دهد مردم معترض تحت تأثیر گروه‌های سیاسی مخالف رژیم یا «توطئه دشمنان خارجی» قرار گرفتند اما همزمان می‌تواند بر افکار عمومی اثرات منفی برجای بگذارد. اگرچه مردم نه اعترافات تلویزیونی و نه توبه و ابراز پشیمانی زندانیانی را که تحت فشارهای وحشیانه قرار دارند اساساً جدی نمی‌گیرند.

سیاست تواب‌سازی در دهه شصت خورشیدی در در نخستین سال‌های روی کار آمدن جمهوری اسلامی و در اوج سرکوب‌های وحشیانه مورد استفاده قرار می‌گرفت. زندانیان سیاسی توسط فشارهای بازجویان و مدیران زندان‌ها مجبور به توبه شده و جدا از توبه اسلامی، به نفی افکار و فعالیت‌های سیاسی خود در گذشته می‌پرداختند و علیه دیگر زندانیان سیاسی اقداماتی انجام می‌دادند و بطور خواسته یا ناخواسته بخشی از دستگاه سرکوب جمهوری تازه تأسیس اسلامی در ایران می‌شدند.

بر اساس گزارش‌ها در فرایند تواب‌سازی انواع شکنجه‌های روحی و جسمی و حتی جنسی علیه زندانیان سیاسی انجام می‌شود و زندانیان تواب برای اثبات رد کردن گذشته سیاسی خود و اعلام وفاداری به جمهوری اسلامی، در اقرارها و اعترافات تلویزیونی به ابراز پشیمانی و ندامت از عقاید و فعالیت‌های سیاسی خود پرداخته و نظام جمهوری اسلامی را برحق و مورد قبول خود معرفی می‌کرده‌اند.

و غیرمستقیم گفت که عفو‌شدگان به این دلیل «عفو» می‌شوند که ابراز پشیمانی کرده‌اند!

او در توضیح «عفو معیاری» درباره همه زندانیان اعم از سیاسی و غیرسیاسی گفته «کسانی که شرایط عدم ارتکاب جاسوسی به نفع اجانب، عدم ارتباط مستقیم با عوامل سرویس‌های اطلاعاتی خارجی، عدم ارتکاب قتل و جرح عمدی، عدم ارتکاب تخریب و احراق عمده تأسیسات دولتی، نظامی و عمومی را داشته باشند بخش اول شامل تمامی آنها می‌شود. در بخش دوم نیز عده‌ای با این عفو آزاد می‌شوند کسانی که مجازات آنها حبس تا یک سال است در صورتی که یک ماه از حبس را تحمل کرده باشند مابقی مشمول عفو قرار می‌گیرد یا کسانی که به دلیل جرائم غیرعمدی مانند تصادفات یا حوادث ناشی از کار و... در زندان بسر می‌برند اگر شاکي خصوصی نداشته باشند آزاد می‌شوند.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای همچنین گفته که «با موافقت رهبر انقلاب پرونده آندسته از افراد اغتشاشات اخیر که متنبه شدند در هر مرحله‌ای که قرار دارد مختومه خواهد شد.»

محسنی اژه‌ای در حالی در توضیحات خود از «متنبه شدن» و «ابراز پشیمانی» کردن «بسیاری» از بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر خبر داده که تأکید کرده با کسانی که «ابراز پشیمانی» نکرده‌اند «قاطعانه برخورد» خواهد شد.

رئیس قوه قضاییه پیشتر و در خرداد امسال نیز موضوع «توبه کردن» را برای زندانیان سیاسی مطرح کرده و خواستار فراهم کردن بستر آن شده بود. او گفته بود «کسانی که فساد می‌کنند باید مجازات شوند اما عنایت کنید روی مسئله قدری فکر شود که باب جدیدی را روی این مسئله باز کنند. یکی از باب‌ها باب توبه است. اگرچه فرد متخلفی غفلتی کرد خدا به او فرصتی می‌دهد که اگر توبه کرد نه تنها او را می‌بخشد بلکه او را دوست دارد. آیا در این ۴۰ سال برای توبه مجرمین سازوکاری پیش‌بینی کرده‌ایم؟ من از آقای حاج محمدی [رئیس وقت سازمان زندان‌ها] می‌خواهم

فایننشال تایمز: روسیه با «ناوگان اشباح» متعلق به جمهوری اسلامی تحریم‌های نفتی را دور می‌زند



جمهوری اسلامی ایران عمده نفت صادراتی خود را زیر قیمت و به صورت قاچاق به شرق آسیا می‌فروشد

اِپراتورهای کشتی ایالات متحده اما بسیاری دیگر با توجه به نرخ‌های پیشنهادی و آزادی عمل در قوانین، مایل به معامله هستند.

این دلالت کشتی گفت: «اکنون همه به نوعی مجرم‌اند. مرز بین بازار خاکستری و بازار نفتکش‌های معمولی در سال گذشته قطعاً مبهم‌تر شده است.»

برخی از کشتی‌هایی که اکنون در مسیر روسیه نفت حمل می‌کنند، کشتی‌هایی هستند که قبلاً شناسایی شده بودند که احتمالاً بخشی از ناوگان سایه و یا ناوگان اشباح خود مسکو هستند، عملیاتی که بطور مخفیانه پیش رفته است. کارگزاران کشتی تخمین زده‌اند که این ناوگان متشکل از حدود ۱۰۰ کشتی باشد.

نفت روسیه همچنان با تانکرهایی که با بیمه‌های غربی کار می‌کنند در حال حمل و نقل است. چنین بیمه‌ای تنها به شرطی در دسترس است که نفت کمتر از سقف قیمت خریداری شده باشد.

طبق برآوردهای شرکت کارگزار کشتیرانی جهانی «ای آی گیسیون» تحویل نفت روسیه سودآورتر از نفت ایران است زیرا برخلاف محموله‌های نفت ایران که اغلب زمان بیشتری را در دریا می‌گذرانند تا مبدأ خود را پنهان کنند، ارسال آنها چندان تأخیر ندارد. پالایشگاه‌های کشورهایمانند چین که خریدار بزرگ نفت ایران باقی مانده، نفتکش‌های نفت ایران را برای تخلیه مدت‌ها منتظر می‌گذارند.

طبق اطلاعات کارشناس این شرکت «ما گاهی نفتکش‌های ایرانی را دیده‌ایم که ماه‌ها منتظر مانده‌اند؛ اما تا آنجا که می‌توانیم بگوئیم این اتفاق برای نفتکش‌های روسی رخ نداده است و البته برای حمل و نقل‌کنندگان بسیار بهتر است، به ویژه وقتی نرخ‌های مسیرهای روسیه بسیار بالاتر نیز هست.»

صرفاً برآوردی است که «فایننشال تایمز» دارد و اشاره‌ای به ارزش‌فروشی نفت ایران توسط رژیم نشده است.

در این گزارش آمده «تهران که در زمینه سیاست نفتی با مسکو از طریق گروه اوپک پلاس همکاری می‌کند، به عنوان حامی اصلی حمله ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه به اوکراین ظاهر شده است.»

رقابت برای کشتی‌ها منشاء احتمالی تنش در روابط آنهاست با اینهمه ماتیو رایت تحلیلگر مؤسسه تجزیه و تحلیل داده‌های «کپلر» (Kpler) می‌گوید: «به نظر می‌رسد افزایش تعداد کشتی‌ها در ناوگان اشباح مربوط به کشتی‌هایی است که به نهادهای مخفی فراساحلی تعلق دارند که امکان دور زدن تحریم‌ها را فراهم می‌کنند.»

پس از اعمال ممنوعیت واردات نفت خام روسیه از طریق دریا به اتحادیه اروپا، روسیه مجبور شد مقدار زیادی از نفت خام خود را به مشتریان آسیا بفروشد. اکنون احتمالاً روسیه نیاز به حمل گازوئیل و سایر سوخت‌ها در مسافت‌های طولانی‌تر دارد.

تحریم‌های غرب علیه روسیه نسبت به تحریم‌های آمریکا علیه رژیم ایران بسیار سنگین‌تر است. سقف قیمت «جی‌وی» همچنین تا حدی برای محدود کردن درآمد‌های روسیه طراحی شده و در عین حال به اندازه کافی نفت روسیه در بازار برای جلوگیری از کمبود نفت باقی می‌ماند.

دلانان می‌گویند شرایط معامله نفتی با روسیه بسیار جذاب‌تر از معامله با ایران یا سایر کشورهای تحت تحریم شدید مانند ونزوئلا است.

به گزارش «فایننشال تایمز» یکی از دلانان کشتی می‌گوید در حال حاضر تعداد انگشت‌شماری از اِپراتورهای نفتکش بزرگ همچنان از تجارت نفت با روسیه اجتناب می‌کنند از جمله شرکت‌های بزرگ نفتی غرب و

● روزنامه «فایننشال تایمز» گزارش داد که دست‌کم ۱۶ نفتکش که بخشی از شبکه نفتکش‌های جمهوری اسلامی مشهور به «ناوگان اشباح» هستند در دو ماه گذشته شروع به حمل نفت خام روسیه کرده‌اند.

● دلانان می‌گویند شرایط معامله نفتی با روسیه بسیار جذاب‌تر از معامله با ایران یا سایر کشورهای تحت تحریم شدید مانند ونزوئلا است.

● سویتلانا لوباجیووا تحلیلگر امور نفتکش‌ها در شرکت کارگزار کشتی (Gibson) در لندن می‌گوید: «ما تعدادی کشتی درگیر در تجارت روسیه شناسایی کردیم که قبلاً تبادلات نفتی ایران را انجام می‌دادند.»

● طبق برآوردهای شرکت کارگزار کشتیرانی جهانی «ای آی گیسیون» تحویل نفت روسیه سودآورتر از نفت ایران است زیرا برخلاف محموله‌های نفت ایران که اغلب زمان بیشتری را در دریا می‌گذرانند تا مبدأ خود را پنهان کنند، ارسال نفت روسیه چندان تأخیر ندارد. پالایشگاه‌های کشورهایمانند چین که خریدار بزرگ نفت ایران باقی مانده، نفتکش‌های ایران را برای تخلیه مدت‌ها منتظر می‌گذارند.

استفاده از نفتکش‌های «ناوگان اشباح» جمهوری اسلامی از روش‌های دور زدن تحریم‌ها توسط رژیم ایران بود اما از وقتی که تحریم‌های غربی علیه مسکو به دلیل حمله نظامی به اوکراین تشدید شد، این نفتکش‌ها به ابزاری برای حمل و نقل نفت روسیه تبدیل شده‌اند.

روزنامه «فایننشال تایمز» روز سه‌شنبه ۷ فوریه (۱۸ بهمن) گزارش داد که دست‌کم ۱۶ نفتکش که بخشی از شبکه نفتکش‌های جمهوری اسلامی مشهور به «ناوگان اشباح» هستند در دو ماه گذشته شروع به حمل نفت خام روسیه کرده‌اند.

پیش از آنکه همکاری جمهوری اسلامی و روسیه افزایش پیدا کند تنها ۹ کشتی متعلق به ناوگان نفتکش‌های ایران در طول ۹ ماه از آغاز جنگ با اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ در مسیر روسیه شناسایی شده بود.

دلانان و تحلیلگران ناوگان کشتیرانی می‌گویند روسیه مالکان و اِپراتورهای نفتکش را با قیمت‌های عالی جذب می‌کند، زیرا به دنبال محافظت از منبع اصلی درآمد‌های صادراتی خود در مقابل اقدامات غربی‌ها و حفظ بهای نفت در مقابل سقف تعیین شده از سوی «جی‌وی» و اتحادیه اروپاست. میزان درآمد نفتی روسیه بطور قابل توجهی نسبت به قبل از حمله به اوکراین کاهش یافته است.

سویتلانا لوباجیووا تحلیلگر امور نفتکش‌ها در شرکت کارگزار کشتی (Gibson) در لندن می‌گوید: «ما تعدادی کشتی درگیر در تجارت روسیه شناسایی کردیم که قبلاً تبادلات نفتی ایران را انجام می‌دادند.»

حقی بیمه تجارت روسیه دست‌کم ۵۰ درصد بالاتر از نرخ‌های عادی بازار است و در مواردی حتی می‌تواند بیش از ۱۰۰ درصد باشد، که باعث می‌شود از نظر اقتصادی حتی از حمل و نقل نفت ایران جذاب‌تر باشد.

جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر توانسته صادرات نفت خام خود را حفظ کند یا حتی افزایش دهد هرچند که این

می‌کرد و به فعالان اقتصادی آدرس نمی‌داد که دولت دنبال تثبیت ارز نیست. وزیر اقتصاد در این باره چه جوابی دارد؟
روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی نوشته که «اگر در این چند سال اخیر حذف آجیل از مهمانی‌های ایرانی به یک خبر تبدیل شده بود، امروز دیگر نوبت به اقلام اصلی‌تری، چون گوشت قرمز و لبنیات رسیده است. با این شیب تند هیچ بعید نیست که این فرآیند به نان، برنج یا حداقل‌های دیگر نیز برسد و همین، نگرانی‌ها را درباره احتمال افزایش سوءتغذیه در ایرانی‌ها به‌ویژه کودکان بیشتر کرده است.»
جدا از بی‌عمل بودن وعده‌های تیم اقتصادی دولت رئیسی همانطور که در گزارش روزنامه «هم‌میهن» هم اشاره شده، نتیجه اقدامات دولت به‌طور مستقیم بر گسترش فلاکت در کشور و کوچک شدن سفره خانوارها، به‌ویژه در دهک‌های پایین درآمدی، اثرگذار بوده است.

دولت رئیسی سال گذشته به دلیل در دست نبودن منابع کافی ارزی و برای کسب درآمد ریالی بیشتر در ازای فروش دلار به واردکنندگان ارز ترجیحی یا همان دلار ۴۲۰۰ تومانی را به بهانه فسادزا بودن حذف کرد. همین اقدام هر چند به سود خزانه جمهوری اسلامی بود اما سبب افزایش شدید قیمت مواد غذایی و دارو در ایران شد و تورم مواد خوراکی در پایان بهار امسال تا حدود ۹۰ درصد افزایش یافت.

اکنون در حالی دولت نتوانسته وعده‌های اقتصادی خود را به ثمر برساند که حتی تصمیمات دولت نشان می‌دهد هیچ برنامه‌ای برای حمایت از معیشت اقشار تنگدست و کم‌درآمد هم وجود ندارد. وزیر اقتصاد بطور مشخص گفته که «احیای ارز ترجیحی، سیاست دولت سیزدهم نیست» و «یارانه‌ها نیز سال آینده افزایش نخواهد یافت.»

در آنسو اما کارشناسان نیز شرایط هولناکی از اقتصاد ایران و در صورت ادامه روند کنونی را به تصویر می‌کشند. مسعود نیلی که کارشناس مستقلی هم نیست و نزدیک به جریان اصلاح‌طلب کارگزاران است و به عنوان مشاور اقتصادی و دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی دولت حسن روحانی فعالیت می‌کرد به تازگی در یادداشتی نسبت به ایجاد ابرتورم در اقتصاد کشور هشدار داده است.

مسعود نیلی در یادداشتی در روزنامه «دنیای اقتصاد» با عنوان «رشد حجم پول در وضعیت هشدار» با بیان اینکه «رژیم تورمی کشور از یک تورم نسبتاً ثابت بالا (در حدود ۲۰ درصد) به یک تورم فزاینده تغییر وضعیت داده است» نوشته که «در تاریخ ثبت شده عملکرد اقتصاد ایران، تورم نقطه به نقطه بالاتر از ۵۰ درصد، فقط در ۶ ماه اتفاق افتاده که چهار دفعه آن در سال ۱۴۰۱ بوده است.»

مسعود نیلی با کتابه به تیم اقتصادی دولت رئیسی نوشته آنها «مرتبا از دستاوردهای کاهش قابل توجه تورم نسبت به سال گذشته ابراز خشنودی کرده‌اند؛ در حالی که آمارهای رسمی منتشر شده کاملاً عکس وضعیت یاد شده را گواهی می‌دهد.»
مسعود نیلی همچنین ایجاد ابرتورم در اقتصاد ایران چندان غیرمحمتمندانسته است: «وقتی نرخ تورم در دامنه‌های بسیار بالا، مانند شرایط موجود قرار می‌گیرد، هیچ‌کس نمی‌تواند پیش‌بینی کند که آینده میان‌مدت تورم چه خواهد بود و آیا تغییر مسیر دیگری در پیش خواهد بود یا نه؛ اما مرور تجربه کشورهایی که در دام ابرتورم‌ها افتاده‌اند، نشان می‌دهد که این اتفاق به یکباره رخ می‌دهد. کافی است مروری بر چگونگی بروز ابرتورم در ونزوئلا داشته باشیم که متوسط تورم آن در فاصله ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳، حدود ۲۴ درصد بوده است. اما تورم سال ۲۰۱۴ آن به ۶۲ درصد، ۲۰۱۵ به ۱۲۰ درصد، ۲۰۱۶ به ۲۵۰ درصد و ظرف کمتر از دوسال به بیش از ۶۵ هزار درصد رسید. بنابراین شرایط موجود را باید بسیار جدی گرفت.»

هشدار درباره ابرتورم در اقتصاد ایران؛ در ذهن خیال‌پرداز خاندوزی چه خبر است؟



احسان خاندوزی وزیر اقتصاد دولت سیزدهم

قیمت دلار در این مدت ۵۰ درصد افزایش یافته اما احسان خاندوزی هنگام آغاز وزارتش کاهش نرخ ارز را به عنوان یکی از مهمترین برنامه اقتصادی دولت اعلام کرده بود.

روزنامه «جهان صنعت» در مطلبی به ادعای ایجاد ثبات ارزی و کاهش تورم که از سوی وزیر اقتصاد مطرح شده واکنش نشان داده و نوشته که «خاندوزی در حالی از ثبات‌سازی ارزی در برابر تثبیت ارزهای معتبر سخن گفته است که باید به چند پرسش پاسخ دهد.

در این مطلب سه پرسش از وزیر اقتصاد مطرح شده بود: «یکم- ایشان برای فعالان اقتصادی تفاوت سیاست تثبیت نرخ ارز و ثبات‌سازی ارزی را بطور روشن و شفاف بیان کرده و بگوید در عمل چه تصمیم‌هایی ذیل ثبات‌سازی نرخ ارز و چه کارهایی ذیل تثبیت نرخ ارز گرفته و اجرا خواهد شد و پیامدهای هر کدام چیست؟ دوم- در حالی که رییس بانک مرکزی با صراحت و در چندین سخنرانی و پاسخ به سوالات تصریح کرده است می‌خواهد قیمت هر دلار را دست‌کم به مدت یک‌سال در نقطه ۲۸۵۰۰ تومان تثبیت کند و نیز معاون اول رییس‌جمهوری این مدت را به دو سال افزایش داد، وزیر اقتصاد چگونه می‌گوید دولت دنبال تثبیت نرخ ارز نیست؟ سوم- به نظر نمی‌رسد میان رییس بانک مرکزی و وزیر اقتصاد که اولی مسوول سیاست‌های ارزی و پولی است و دومی مسئولیت سیاست مالی را برعهده دارد، هماهنگی وجود داشته باشد و اگر چنین بود آیا وزیر اقتصاد از سر عمد یا از سر سهو زیر پای رییس بانک مرکزی را خالی

● خاندوزی در سخنانی عجیب ادعای ثبات نرخ ارز و کاهش تورم را تکرار کرده است. او گفته که دولت به دنبال تثبیت نرخ است و بطور مستمر در حال کاهش تورم است.
● نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، با افزایش ۹/۳ واحد درصدی به ۲/۶۹ درصد رسیده و زنگ خطر برچیده شدن سهم زیادی از سفره‌های مردم بطور قطعی به صدا در می‌آید.

● مسعود نیلی: مرور تجربه کشورهایی که در دام ابرتورم‌ها افتاده‌اند، نشان می‌دهد که این اتفاق به یکباره رخ می‌دهد. بنابراین شرایط موجود را باید بسیار جدی گرفت.
وزیر اقتصاد دولت رئیسی از ایجاد ثبات در نرخ ارز و کاهش تورم خبر داده است؛ آمارها و پیش‌بینی‌های اقتصادی که از سوی ابراهیم رئیسی و تیم اقتصادی او اعلام می‌شود هیچ مبنایی ندارد. در سوی دیگر اما کارشناسان نسبت به چنین اظهارنظرهای غیرعلمی و نادرست هشدار داده و معتقدند اگر تیم اقتصادی دولت به ساماندهی واقعی اقتصاد کشور اقدام نکند، ایجاد ابرتورم در ایران دور از انتظار نخواهد بود.

احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی در سخنانی عجیب ادعای ثبات نرخ ارز و کاهش تورم را تکرار کرده است. او گفته که دولت به دنبال تثبیت نرخ است و افزوده که دولت بطور مستمر در حال کاهش تورم است.
احسان خاندوزی با بیان اینکه «نرخ تورم تا پایان سال در حوالی ۴۵ درصد قرار می‌گیرد» گفته که «تورم ۴۰ درصدی مطلوب دولت سیزدهم نیست، اما بطور مستمر در حال کاهش سرعت تورم هستیم، برای کاهش فشار تورمی اول از خود دولت و به‌کارگیری سیاست‌های خودکنترلی دولت و سخت‌گیری بر وزارتخانه‌ها آغاز کرده‌ایم.»

این سخنان در حالی از سوی بالاترین مقام اقتصادی جمهوری اسلامی مطرح می‌شود که آخرین گزارش‌های مرکز آمار ایران که بر مبنای داده‌هایی از سوی دولت تنظیم می‌شود هم بیانگر افزایش تورم در اقتصاد کشور بوده است. هر چند کارشناسان معتقدند این آمارها دقیق نیست و تورم واقعی در اقتصاد ایران بیش از آن ارقامی است که از سوی مرکز آمار ایران منتشر می‌شود. بر اساس گزارش جدید مرکز آمار نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» با افزایش ۹/۳ واحد درصدی به ۲/۶۹ درصد رسیده و زنگ خطر برچیده شدن سهم زیادی از سفره‌های مردم بطور قطعی به صدا در می‌آید.

بر اساس این گزارش، نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری ۶/۵۰ درصد است که نسبت به ماه قبل ۷/۲ واحد درصد افزایش داشته و البته این نرخ برای خانوارهای روستایی ۹/۵۴ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۵/۳ واحد درصد افزایش داشته است.

بنا به اعلام مرکز آمار، میزان تورم در ۲۱ استان بالاتر از میانگین کشوری بوده که این خود نشان از یک رکورد کم‌سابقه در این زمینه دارد. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد بطور متوسط سطح تورم در ایران در ۶ سال گذشته ۷/۵ برابر شده است. احسان خاندوزی که پیش از حضور در هیئت دولت ابراهیم رئیسی، نماینده یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس بود، همواره معتقد بود که دولت وقت- دولت حسن روحانی- اقتصاد را رها کرده و ایران با وجود تحمیل و انزوای بین‌المللی هم امکان مهار تورم و کنترل قیمت ارز و بهبود شاخص‌های اقتصاد را دارد.

در یک سال و نیم گذشته که احسان خاندوزی با همه ادعاها به عنوان وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند اما وضعیت اقتصاد به مراتب بدتر شده است.

۲۶۲/۵ هزار میلیارد تومان خسارت ناشی از اختلال اینترنت به اقتصاد ایران در چهار ماه!



ایران از محل قطع، اختلال و اعمال محدودیت بر اینترنت دشوار است، آثار گسترده قطعی و اختلال اینترنت بر بخش‌های گوناگون اقتصاد امکان برآورد نزدیک به واقعیت این خسارات را ناممکن کرده است. ضمن اینکه بخشی از ضرر و زیان‌های غیراقتصادی دیوار کوتاه اینترنت، در سیاست‌گذاری‌ها از دیده‌ها پنهان باقی می‌ماند. به طور مثال نمی‌دانیم چه تعداد از سرمایه‌گذاران استارت‌آپ‌ها و فعالان کسب و کارهای آنلاین و مجازی از وضعیت به وجود آمده با سرخوردگی و ناامیدی از آینده کاری خود، کسب و کارها را رها کرده و حتی از ایران مهاجرت می‌کنند.

یکی از آسیب‌های مهم قطع، کاهش سرعت و اختلال در اینترنت و همچنین فیلترینگ گسترده اپلیکیشن‌ها و برنامه‌های مختلف بر روی اشتغال بوده و میلیون‌ها نفر را بیکار یا با کاهش شدید درآمد روبرو کرده است.

در همین رابطه سینا فرحی، موسس چندین استارت‌آپ در حوزه شبکه‌های اجتماعی و از فعالان شناخته‌شده کسب و کارهای اینترنتی نیز در مهرماه امسال به روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته بود اینستاگرام بیش از ۵۲ میلیون کاربر ایرانی دارد، و یک میلیون و ۷۰۰ هزار کسب‌وکار در این شبکه اجتماعی فعالیت می‌کنند. او در واکنش به مسدود شدن این شبکه اجتماعی محبوب ایرانیان گفته بود فیلترینگ، بر معاش ۱۰ میلیون ایرانی تأثیر مستقیم خواهد داشت.

مرکز پژوهشی «بتا» که مرکزی برای بررسی و تحلیل اطلاعات و داده‌هاست، در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۰ گزارشی منتشر کرد که نشان می‌داد: «درآمد ۹ میلیون نفر به شبکه اینستاگرام وابسته است.»

گزارش‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۹ بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار کسب و کار در اینستاگرام فعالیت داشته‌اند که حداقل ۲۰۰ هزار کسب‌وکار بزرگ و متوسط را شامل می‌شده و ۵۰۰ هزار کسب‌وکار استانی و بومی که هر کدام از این صفحات، منبع درآمد ماهانه یک یا چند نفر بوده است. در این بین یک میلیون صفحه هم در اینستاگرام وجود دارد که درآمد حداقلی دارند.

بر اساس گزارش «تکراسا» که رسانه تکنولوژی و استارت‌آپی در ایران است، ۴۱۵ هزار فروشنده در اینستاگرام فعالیت

قطعی، اختلال و محدودیت اینترنت اثری ۲۵ درصدی بر اقتصاد دیجیتال باقی گذاشته باشد، زیان ماهانه به حدود ۷/۹ هزار میلیارد تومان می‌رسد که برای چهار ماهه مهر تا دی ماه امسال این زیان ۲/۳۹ هزار میلیارد تومان خواهد بود. در حالت میانه تأثیر وضعیت نابسامان اینترنت بر سهم ۲/۷ درصد اقتصاد دیجیتال از کل تولید ناخالص داخلی به ماهی ۶/۱۹ هزار میلیارد تومان خواهد رسید که مجموع زیان به این بخش از اقتصاد ایران برای چهار ماه را باید رقمی در حدود ۴/۷۸ هزار میلیارد تومان در نظر گرفت.»

در ادامه آمده که در سومین سناریو، حالت بدبینانه و سخت‌گیرانه پیامدهای منفی قطعی، اختلال، کندی و محدود کردن اینترنت بر اقتصاد دیجیتالی است که ضریب آن را ۷۵ درصد در نظر گرفته شده که در این حالت زیان وارده به اقتصاد دیجیتال ماهانه ۴/۲۹ هزار میلیارد تومان بوده که برای چهارماه این رقم را باید در حدود ۶/۱۱۷ هزار میلیارد تومان در نظر گرفت.

این گزارش افزوده که مکاتبات، سفارش‌گیری و خرید و فروش‌های آنلاین، پرداخت و پیگیری‌های مرسولات یا نظام کنترل و هماهنگی بین واحدهای تولیدی با دفاتر اداری یا انبار همگی نیازمند اینترنت است که بدون آن یا افت کیفیت ارتباطات آنلاین دامنه خسارات وارده به تمام بخش‌های اقتصادی تسری می‌یابد، کما اینکه در سه گزارش پیاپی شاخص مدیران خرید از مهرماه تا آذرماه، فعالان اقتصادی بخش‌های مختلف اقتصادی به آثار و پیامدهای قطعی، اختلال یا افت اینترنت بر کسب و کارهای خود اشاره کرده‌اند.

قابل توجه اینکه در گزارش شاخص مدیران خرید مهرماه ۱۴۰۱، فعالان اقتصادی بخش خدمات تصریح کرده‌اند که ضعف در اینترنت در فعالیت‌های این بخش تأثیر منفی داشته و در بخش‌هایی مانند حمل و نقل اختلال ایجاد کرده و فرآیندهای آنها بسیار زمان‌بر شده است. در این گزارش، همچنین به مشکلات صادرکنندگان ناشی از ضعف اینترنت نیز اشاره شده و آمده است: «ایجاد محدودیت در شبکه‌های اجتماعی و اینترنت باعث ضرر و کاهش در صادرات شده است.» «پایگاه داده‌های ایران» اما تأکید کرده که تخمین دقیقی خسارات و زیان‌های وارده بر بخش‌های مختلف اقتصادی

با فرض اینکه اختلال‌ها در دو ماه آذر و دی، ۷۵ درصد خسارات میانگین ۲ ماه نخست را تداوم بخشیده باشد، مجموع خسارات وارده بر اقتصاد ایران تا پایان دی بالغ بر ۵/۲۶۲ هزار میلیارد تومان می‌شود.

یکی از آسیب‌های مهم قطع، کاهش سرعت و اختلال در اینترنت و همچنین فیلترینگ گسترده اپلیکیشن‌ها و برنامه‌های مختلف بر روی اشتغال بوده و میلیون‌ها نفر را بیکار یا با کاهش شدید درآمد روبرو کرده است.

«پایگاه داده‌های ایران» اما تأکید کرده که آثار گسترده قطع و اختلال اینترنت بر بخش‌های گوناگون اقتصاد امکان برآورد نزدیک به واقعیت این خسارات را ناممکن کرده است.

«پایگاه داده‌های باز ایران» در گزارشی تکاندنده اعلام کرده خسارتی که قطع و اختلال اینترنت طی چهار ماه گذشته به اقتصاد ایران وارد کرده است، ده‌ها هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

«پایگاه داده‌های باز ایران» در گزارشی تحقیقی اعلام کرده که مجموع خسارات وارده بر اقتصاد ایران به دلیل اختلال در اینترنت تا پایان دی‌ماه بالغ بر ۵/۲۶۲ هزار میلیارد تومان ارزیابی می‌شود.

در این گزارش آمده که خسارت‌های اقتصادی بر مبنای همین ارزیابی یعنی میانگین ماهانه ۷۵ هزار میلیارد تومان در دو ماه نخست را می‌توان در سه سناریوی مختلف برای ماه‌های آذر و دی نیز محاسبه کرد. در سناریوی خوش‌بینانه اگر روند خسارات وارده بر اقتصاد ایران با ضریب ۲۵ درصدی در ماه‌های آذر و دی ادامه پیدا کرده باشد، مجموع زیان تا پایان دی حدود ۵/۱۸۷ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

در سناریوی میانه با فرض تداوم زیان‌ها با ضریب ۵۰ درصدی مجموع خسارات بر اقتصاد ایران تا پایان دی‌ماه از محل اختلال و اعمال محدودیت بر اینترنت، در حدود ۲۲۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود. در سناریوی سخت‌گیرانه و با فرض اینکه اختلال‌ها در دو ماه آذر و دی، ۷۵ درصد خسارات میانگین ۲ ماه نخست را تداوم بخشیده باشد، مجموع خسارات وارده بر اقتصاد ایران تا پایان دی بالغ بر ۵/۲۶۲ هزار میلیارد تومان می‌شود.

در بخش دیگری از این گزارش تکاندنده آمده که در همین بازه زمانی چهار ماهه رقم خسارتی که به بخش اقتصاد دیجیتال وارد شده معادل ۱۱۸ هزار میلیارد تومان بوده است. بانک مرکزی ارزش جاری تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۴۰۰ را بیش از ۵۲۶/۶ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است. سهم ۲/۷ درصدی اقتصاد دیجیتال از این رقم نزدیک به ۴۷۰ هزار میلیارد تومان است. با این حساب سهم متوسط ماهانه اقتصاد دیجیتال از ارزش جاری تولید ناخالص داخلی پارسال به رقم نزدیک به ۲/۳۹ هزار میلیارد تومان بالغ می‌شود.

«پایگاه داده‌های ایران» در ادامه گزارش خود تأکید کرده که «برای ارزیابی میزان خسارات ناشی از اختلال اینترنت در فاصله زمانی مهر تا پایان دی ۱۴۰۱، همین رقم ماهانه سهم اقتصاد دیجیتال از کل اقتصاد ایران را با سه سناریوی پیش‌گفته در نظر می‌گیریم. بر اساس محاسبات پایگاه داده‌های باز ایران، در سناریوی خوش‌بینانه با فرض اینکه



علی خامنه‌ای در دیدار با پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی / بهمن ۱۴۰۱

با تحریف و دروغ مدعی شد «ارتش پیش از انقلاب، ارتش دوران پهلوی پر طمطراق و پر خرج و پر ادعایی بود اما در قضیه شهریور ۱۳۲۰ که کشور مورد تهاجم قرار گرفت چند ساعت بیشتر نتوانست مقاومت کند، اصلاً متلاشی شد... این در حالی است که قبل از آن کسی در رأس ارتش بود که خودش ارتشی بود. رضاخان خب ارتشی بود دیگر یعنی نظامی بود و هرچه هم می‌توانست روی ارتش کار می‌کرد تلاش می‌کرد اعمال قدرت می‌کرد همین ارتشی که زیر نظر دست رضاخان بود در شهریور ۱۳۲۰ چند ساعت بیشتر نتوانست مقاومت کند.»

خامنه‌ای سپس به تجزیه و تحلیل ارتش در دوران محمدرضا شاه پرداخت و گفت: «در دوران او خواستند مجدداً ساختمان ارتش را بسازند و تقویت کنند اما ارتشی درست کردند که مراد ۳۲ در کنار جواسیس آمریکایی و انگلیسی علیه حکومت قیام کرد و علیه مردم؛ مردم را سرکوب کرد. آن ارتش آن روز اینجوری بود. ارتش بی‌هویت، ارتش مغلوب سیطه‌ی بیگانگان.» او نتیجه گرفت که امروز «ارتش ما انقلابی‌تر، مؤمن‌تر، معتقدتر و آماده‌تر از روزهای ابتدایی انقلاب است.»

بخش دوم صحبت‌های خامنه‌ای مرتبط با خیزش ضدحکومتی بود. او گفت «هدف دشمن به زانو درآوردن انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است.» وی تأکید کرد «البته خلاف این را می‌گویند. رئیس جمهور آمریکا به بنده نامه نوشت صریحاً در نامه‌اش ده پانزده سال پیش گفت؛ که ما قصد تغییر نظام شما را نداریم. همان وقت‌ها ما گزارش داشتیم که در مراکز خصوصی‌شان بحث‌شان این است که چه جور می‌شود نظام اسلامی را جمهوری اسلامی را واژگون کرد و از بین برد. دروغ می‌گویند دیگر.»

وی سپس پرسش طرح کرد و گفت «راهبرد به زانو درآوردن جمهوری اسلامی چیست؟» و خودش پاسخ داد «ایجاد اختلاف، ایجاد بی‌اعتمادی. وقتی بی‌اعتمادی به وجود آمد، امید و امید به آینده هم از بین خواهد رفت.»

خامنه‌ای تشریح کرد: «بی‌اعتمادی دستجات سیاسی نسبت به همدیگر، گروه‌های مردمی نسبت به همدیگر، بی‌اعتمادی مردم با حکومت، بی‌اعتمادی حکومت به مردم، بی‌اعتمادی این به آن، این سازمان با آن سازمان به هم بی‌اعتماد باشند، به هم بدبین باشند.»

او در ادامه بیشتر توضیح داد و با اعتراف به اختلافات درونی رژیم گفت: «خب یک اختلافاتی قهراً وجود دارد. این اختلافات را نباید تبدیل کرد به گسل. یک وقت زن را مطرح می‌کنند، یک وقت بحث شیعه و سنی را مطرح می‌کنند، یک وقت مسائل گوناگون دیگر، یک وقت اختلاف نسلی را مطرح می‌کنند برای اینکه اختلاف ایجاد کنند.» رهبر جمهوری اسلامی در پایان از مردم و مسئولان خواست اتحاد را حفظ کنند تا تلاش‌های دشمنان خنثی شود.

علی خامنه‌ای در جمع کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی: تنها ابزار پهلوی سرکوب مردم توسط ارتش بود!

● رهبر جمهوری اسلامی دیدار همافران با خمینی را در سال ۱۳۵۷ «حرکت موج‌آفرین» خواند و گفت «مردم روحیه گرفتند، احساس کردند که ارتش در مقابلشان نیست.»

● «تنها ابزار رژیم حقیر و ظالم پهلوی فقط همین بود دیگر که به وسیله‌ی ارتش مردم را سرکوب کنند.»

● «مقایسه ارتش جمهوری اسلامی با ارتش دوران پهلوی یکی از معرفه‌های حقیقت و هویت انقلاب ماست.»

● «هدف دشمن به زانو درآوردن انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است... البته خلاف این را می‌گویند. رئیس جمهور آمریکا به بنده نامه نوشت صریحاً در نامه‌اش ده پانزده سال پیش گفت؛ که ما قصد تغییر نظام شما را نداریم. همان وقت‌ها ما گزارش داشتیم که در مراکز خصوصی‌شان بحث‌شان این است که چه جور می‌شود نظام اسلامی را جمهوری اسلامی را واژگون کرد و از بین برد. دروغ می‌گویند دیگر.»

در سالگرد دیدار همافران نیروی هوایی ارتش با روح‌الله خمینی در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ علی خامنه‌ای طبق معمول هر سال برای شماری از فرماندهان و پرسنل نیروی هوایی سخنرانی کرد. این سخنرانی که هر سال تلاش می‌شود تا عکسی نیز مشابه همان سال ۵۷ از این حضور تهیه شود، در نظر محتوا دو بخش داشت. بخش نخست آن مربوط به تفسیر خامنه‌ای از وقایع ۴۴ سال پیش در مورد پیوستن ارتش به انقلابیون آن زمان بود و بخش دوم اشاره به «راهبرد دشمن» برای براندازی جمهوری اسلامی. خامنه‌ای در بخش اول صحبت‌هایش دیدار همافران و خمینی را «پیش‌درآمد موثر برای پیروزی نهضت» و «پدیدآمدن عملی و واقعی انقلاب» دانست و گفت «این حادثه صرفاً این نبود که حالا یک جمعی جوان مثلاً از نیروی هوایی بیایند به رهبر انقلاب سلام بدهند. نه، این یک حرکتی بود که در خود پیروزی انقلاب اثر داشت. چرا؟ چون این حرکت موج‌آفرینی کرد... مردم روحیه گرفتند، احساس کردند که ارتش در مقابلشان نیست. چون تنها ابزار رژیم حقیر و ظالم پهلوی فقط همین بود دیگر که به وسیله‌ی ارتش مردم را سرکوب کنند. مردم دیدند نه، ارتش در جهت آنها، در جهت مردم است، در جهت انقلاب است. روحیه گرفتند. در طرف مقابل روحیه‌ها باخته شد.»

خامنه‌ای در ادامه می‌گوید «در هنگام حادثه ۱۹ بهمن هیچ روشن نبود که نتیجه چه خواهد شد؛ ممکن بود تا یک ماه دیگر دو ماه دیگر قضاها طول بکشد پدر اینها را [همافران] درمی‌آوردند. این جوانان نیروی هوایی ارتش نمی‌دانستند چه اتفاقی بناست بیفتد، خطرپذیری کردند، شجاعت به خرج دادند آمدند.»

رهبر جمهوری اسلامی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت «مقایسه ارتش جمهوری اسلامی با ارتش دوران پهلوی یکی از معرفه‌های حقیقت و هویت انقلاب ماست.» وی با حمله مجدد به کابوس همیشگی خود، پهلوی‌ها،

دارند که حجم مبادلات مالی در سال ۱۴۰۰ در این بستر ۱۸ تا ۳۲ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

در گزارش تحقیقی «پایگاه داده‌های ایران» نیز آمده که یک میلیون و ۷۰۰ هزار کسب و کار با فیلتر اینستاگرام از بین رفته و همچنین تأکید شده که «سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی از کف رفته در پی هر اختلالی در اینترنت، منصرف شدن سرمایه‌گذاران از سرمایه‌گذاری یا توسعه کسب و کار و آثاری از این دست به طور معمول در محاسبات مربوط به تخمین ضرر و زیان‌ها جایی ندارند.»

همانطور که در گزارش «پایگاه داده‌های ایران» هم تأکید شده رقم دقیق خسارت وارد شده به کسب و کارها از جنبه‌های مختلف قابل ارزیابی نیست با اینهمه رقم این خسارت به حدی گسترده بوده که در همین مدت بسیاری از کارآفرینان در حوزه اقتصاد دیجیتال تصمیم به مهاجرت از کشور و انتقال کسب‌وکار خود به کشورهایی چون ترکیه و قطر شدند.

بهرام صلواتی رئیس «صدخانه ملی مهاجرت ایران» با اشاره به تمایل دیگر کشورها به جذب نیروی انسانی متخصص در حوزه آی تی و تجارت الکترونیک، گفته «یکی از دلایلی که شرکت‌ها مهاجرت می‌کنند، به مسائل زیرساختی که در این چندوقت اخیر هم پررنگ شده است، مربوط می‌شود. از جمله شرایط ناپایدار اینترنتی و ارتباطی که منجر به آسیب دیدن بسیاری از کسب و کارها شده است. مسئله اینترنت در خیلی از کشورها، امر پیش پا افتاده‌ای و ابتدایی‌ترین زیرساخت ارتباطی است و برای همین مهاجرت گروهی یک تیر و چند نشان می‌شود.»

مدیر رصدخانه مهاجرت ایران، درباره مهاجرت گروهی استارت‌آپ‌ها به کشورهای حوزه خلیج فارس، گفت: «در بحث استارت‌آپ‌ها، شرکت‌ها و تیم‌ها یک موقعیتی است که مهاجرت سرمایه‌گذار یا ایده‌پرداز را داریم. الان خیلی از کشورها به این نکته رسیده‌اند که سرمایه انسانی در ابعاد مختلفش، یعنی در سطح سرمایه‌گذار، ایده‌پرداز، مدیر، بدنه اجرایی و حتی افراد کارشناس، همه ذی قیمت هستند و خیلی از شرکت‌ها و تیم‌ها اگر می‌خواهند به کشوری، از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس بروند، با این پیشنهادات رو به رو هستند که صرفاً برای ثبت یا ایجاد شرکت اقدام نکنند بلکه برای راه‌اندازی و به نوعی اجرای این ایده هم اقدام کنند.»

مضحک آنکه در چنین شرایطی معاون فناوری وزارت ارتباطات جمهوری اسلامی آذرماه امسال خواستار سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در حوزه تکنولوژی ایران شده است. محمدمبین آقامیری معاون وزیر ارتباطات ایران از سرمایه‌گذاران سایر کشورها برای سرمایه‌گذاری در ایران دعوت کرده و ایران را دارای فرصت‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری دانسته است! این در حالیست که محدودیت‌های اینترنت که اخیراً در کشور اعمال شده، سرمایه‌گذاران داخلی را هم برای ادامه فعالیت دلسرد کرده است.

این مقام مسئول در سخنانی غیرواقعی، در کنار شرکت‌های خارجی کوچک و مستقل، صاحبان کسب و کارهای اکوسیستم استارت‌آپی ایران را مخاطب قرار داده و با توجه به انحصار ایجاد شده از تحریم‌ها و عدم فعالیت رقیب خارجی به فعالان داخلی اعلام کرده که این فضا برای رسیدن آنها به یک بازار ۸۰ میلیون نفری و قابلیت صادرات محصولاتشان در پی همکاری با شرکت‌های مستقل خارجی، فراهم است! او گفته نه تنها از حمایت‌های ویژه دولتی در این مسیر بهره‌مند می‌شوند بلکه با کمک‌های وزارتخانه‌ای، امکان توسعه بین‌المللی برای این کنسرسیوم‌های بین‌المللی هم قابل توسعه است!



عکس هفته | زلزله‌ای که دوشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۱ در جنوب ترکیه و شمال سوریه روی داد تا روز ۲۰ بهمن بیش از ۱۵ هزار کشته بر جای گذاشت